

برنامه
ارتباط با خدا

ماه مبارک رمضان

و فلسفه روزه
از

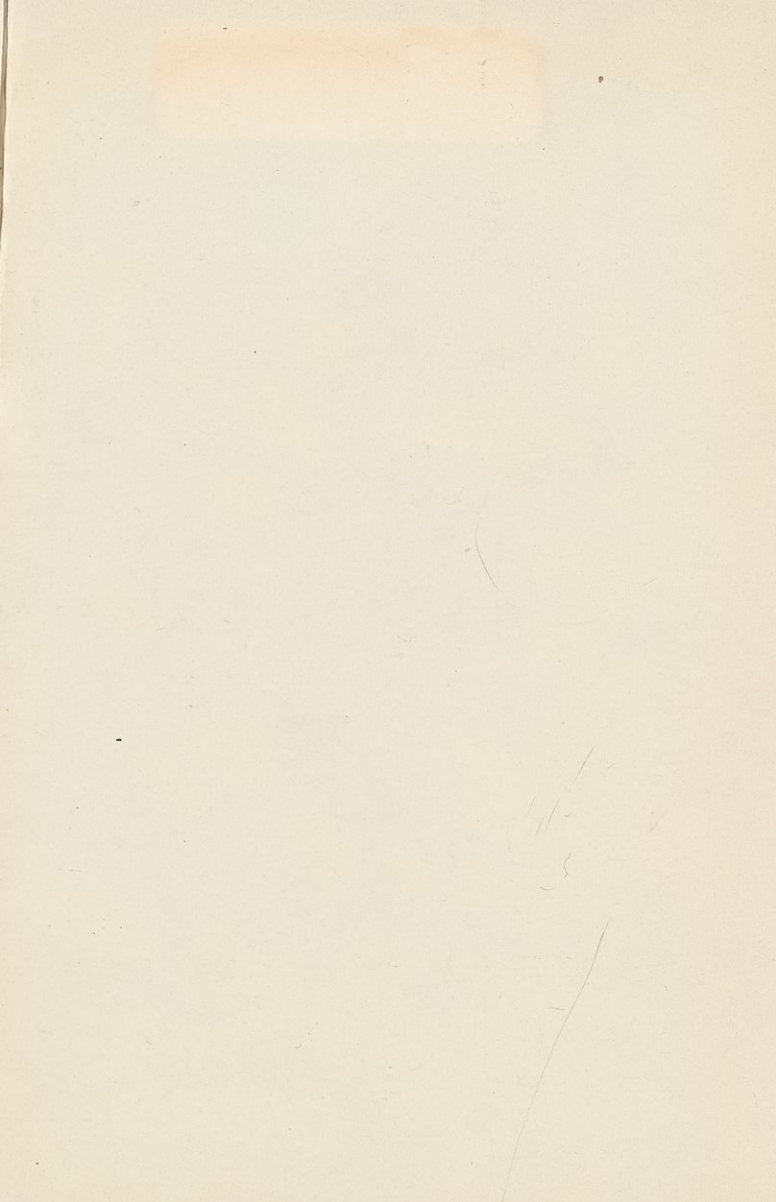
علامه شهیر مولی محمد حسن فیض کاشانی

ترجمه از دکتر اسد الله ناصح

Princeton University Library



32101 073552323



Fayd al-Kāshī, Muḥammad

برنامه

ارتباط با خدا

در

ماه مبارک رمضان

و

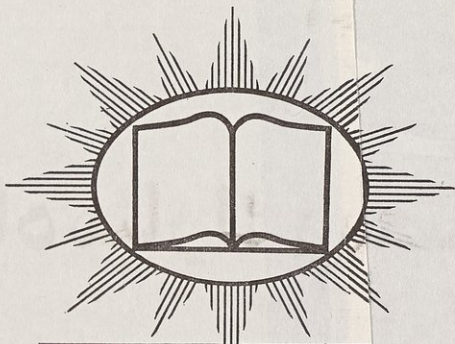
فلسفه روزه

از

علامه شهیر مولی محمد محسن فیض کاشانی

ترجمه از دکتر اسدالله ناصح

2269
·3546
·314



کانون انتشارات محمدی

تهران - خیابان شاه آباد

تلفن ۳۱۸۶۳۵

چاپ حروفی از چاپ درخشان
چاپ متن دعاها از چاپ مهتاب

فهرست مندرجات

۶	مقدمه مترجم
۹	مقدمه نویسنده و فلسفه روزه
۱۸	باب اول : در شروط و واجبات و مکروهات
۲۹	باب دوم : اسرار روزه و شروط باطنی آن
۴۴	باب سوم : روزه اختیاری
	دعای هنگام فرارسیدن ماه مبارک
۶۱	از امام زین العابدین (ع)

4-15-74
1985

دعاهای روزه‌های ماه مبارک رمضان

۷۵	دعای روز اول
۷۶	« « دوم
۷۶	« « سوم

۷۷
۷۷
۷۸
۷۹
۷۹
۸۰
۸۰
۸۱
۸۱
۸۲
۸۳
۸۳
۸۴
۸۴
۸۵
۸۵
۸۶
۸۶

دعای روز چهارم

پنجم « «
ششم « «
هفتم « «
هشتم « «
نهم « «
دهم « «
یازدهم « «
دوازدهم « «
سیزدهم « «
چهاردهم « «
پانزدهم « «
شانزدهم « «
هفدهم « «
هیجدهم « «
نوزدهم « «
بیستم « «
بیست و یکم « «

- ۸۷ دعای روز بیست و دوم
- ۸۸ « « بیست و سوم
- ۸۸ « « بیست و چهارم
- ۸۹ « « بیست و پنجم
- ۸۹ « « بیست و ششم
- ۸۹ « « بیست و هفتم
- ۹۰ « « بیست و هشتم
- ۹۱ « « بیست و نهم
- ۹۱ « « سی ام
- ۹۲ دعای بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان
- ۹۴ دعای شبهای ماه مبارک رمضان
- ۹۵ دعای افتتاح از ولی عصر (عج) امام زمان (ع)
- دعای اللهم انی اسئلك من بهائک منسوب به
- ۱۱۶ امام محمد باقر (ع)
- دعای ابو حمزه ثمالی منسوب بحضرت امام
- زین العابدین (ع)
- ۱۲۴
- ۱۹۲ دعای یا مفرعی عند کربتی مخصوص سحر
- ۱۹۴ دعای دیگر برای سحرهای ماه مبارک

۱۹۶	دعای شبهای قدر
۱۹۷	دعاهای شبهای اعیان مخصوص قرآن بر سر گذاردن
۱۹۹	دعای مخصوص شبهای قدر
۲۰۱	اعمال شب نوزدهم
۲۰۴	اعمال شب بیست و یکم
۲۰۷	اعمال روز بیست و یکم
۲۰۷	اعمال شب بیست و سوم
۲۱۰	دعای وداع ماه مبارک از امام زین العابدین (ع)
۲۳۷	نماز عید فطر و دعای قنوت آن
۲۴۰	زیارت وارث

از همین مترجم

راهی روشن

در

جهانی تاریک

تألیف : محمد محسن فیض کاشانی

نماز «راهی روشن در جهان تاریک» است با فهم «نماز»
 دین را استوار بداریم و بر آن بلندپرشکوه به «حبل الله المتین»
 چنگ بیفکنیم ، تا از این ظلمت راهی به نور بگشائیم .

با جلد شصینز ۸۰ ریال

با جلد طلاکوب ۱۰۰ ریال

} ارزش

بسمه تعالی

خواننده گرامی - در تیر ماه سال ۱۳۴۷ ترجمه
اسرار الصلوة از کتاب (محجة البیضاء فی احیاء الاحیاء) تصنیف
علامه شهیر مولی محمد محسن فیض کاشانی اعلی الله مقامه
را که در حدود سیصد سال قبل در تہذیب کتاب احیاء العلوم
ابو حامد محمد بن محمد الغزالی الطوسی قدس الله سره
نوشته است بنام « راهی روشن در جهانی تاریخ » بجامعہ
اسلامی تقدیم گردید، اکنون خداوند را سپاس گذارم کہ
توفیق مرحمت فرمود تا ترجمہ اسرار الصیام از همان کتاب
را (محجة البیضاء فی احیاء الاحیاء) بحضور آنان کہ خواهان
فضیلت و جویای حق و حقیقت هستند تقدیم دارم.

امیدوارم مطالعه این کتاب و ادعیہ ضمیمہ آن
در ماه مبارک رمضان کہ اختصاص بدعا و راز و نیاز با
پروردگار دارد سودمند باشد و بہ انجام این دستورات در
دنیا و آخرت کامروا گردند. زیرا انسان میتواند و استعداد
دارد در پرتو خداشناسی و تزکیہ نفس از پست ترین مقام
حیوانی کہ درندگی و خونخواری و سنگدلی و بیرحمی
باشد بہ بالاترین درجہ انسانی کہ نوع دوستی و رحم و شفقت و

عطوفت و مهربانی بهممنوعان باشد برسد و از آرزو و حرص
 بیجا که منجر بتجاوز بحقوق دیگران میشود و در نتیجه
 خودش و دیگران را بناراحتی میکشاند چشم پیو شد و در
 راه رفع نیازمندیها و گرفتاریها و پریشانیهای دیگران که
 باعث راحتی خودش و دیگران میشود بکوشد چنانچه امام
 چهارم در دعای دخول ماه رمضان چنین درخواست میکند:
 «بار خدایا در این ماه بمانتوفیق عنایت کن که بدستورات
 تو مخصوصاً در باره نماز به بهترین وجهی اقدام نمائیم و
 خویشاوندان خود را به نیکی و نیکوئی نوازش کنیم و وظیفه
 خود را نسبت به همسایگان از راه بذل و بخشش انجام دهیم
 و اموال خود را از غش خالص کنیم و بدادن زکوة آنرا
 پاکیزه سازیم و بآنکس که از ما دوری گزیده پیوندیم و با
 آنکس که بر ما ستم کرده انصاف بدهیم و در باره آنکس که
 با ما بدشمنی برخواسته بمسالمت رفتار کنیم و بواسطه
 انجام کارهای نیک بارگناهان را سبک کرده و بدر گاهت تقرب
 جوئیم».

بنابراین آنکس که خواهان سعادت و نیکبختی است
 باید در بندگی خدا و رفاه و آسایش دیگران بکوشد و این
 راز شگرف در دستورات اسلام نهفته است و بس.

د کتر اسد الله ناصح

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حمد و سپاس خداوندی راسخ است که بزرگ منتهی
بر بندگانش گذاشته است باینکه کید و مکر شیطان را از
ایشان دفع کرده و آرزو و امیدش را از بین برده است، زیرا
روزه را پناهگاه و سپر اولیائش قرار داده و درهای بهشت را
بر ایشان گشوده و بآنها فهمانده که شیطان بوسیله شهوات بقلوب
آنها راه مییابد و بریسه کن کردن شهوات نفوس مطمئنه
قدرت پیدا میکنند که دشمنش (شیطان) را سر کوب و
منکوب نمایند .

و درود فراوان بر محمد (ص) پیشوای حق و آورنده
شریعت و اولاد معصومین و اصحاب دانشمندان و ابدال .

اما بعد بد رستیکه روزه ربع ایمان است بمقتضای
قول پیغمبر (ص) که فرمود روزه نصف صبر است و صبر
نصف ایمان .

سپس روزه از سایر ارکان متمایز است بخاصیت
نسبت بخداوند، زیرا پیغمبر (ص) از جانب خداوند فرمود
هر حسنه بده برابر تا هفتصد برابر و مضاعف آن پاداش
داده میشود ، مگر روزه که برای من است و من روزه را
مزد میدهم و همچنین فرموده است (انما یوفی الصابرون
اجرهم بغیر حساب) (همانا پاداش صبر کنندگان بغیر
حساب داده میشود) و روزه هم نصف صبر است پس ثواب
واجب روزه از اندازه و حساب خارج است و برای تو کافی
است در فضیلت روزه قول پیغمبر (ص) که فرمود قسم
بخداوندی که جان من در دست او است بوی دهان روزه
دار نزد خداوند از بوی مشک بهتر است .

خداوند میفرماید روزه دار صرف نظر میکند از شهوت
و طعام و شرابش بخاطر من پس روزه برای من است و من
پاداش میدهم بآن، و پیغمبر فرمود برای بهشت دریست که
ریان نام دارد و داخل نمیشود از آن در مگر روزه داران
و او وعده داده شده است برای جزاء روزه اش بقاء پروردگار،

زیرا پیغمبر (ص) فرمود: برای روزه دارد و خوشحالی است: یکی وقت افطار و دیگری در ملاقات پروردگار.

پیغمبر (ص) فرمود برای هر چیزی دریست و در عبادت روزه است و فرمود خواب روزه دار عبادت است.

میگویییم از طریق خاصه در کتاب فقیه از ابو جعفر (ع) (امام پنجم) روایت شده است که فرمود اسلام بر پنج

چیز بنا شده است: بر نماز و زکوة و حج و روزه و ولایت و پیغمبر (ص) فرمود روزه سپر است از آتش و

پیغمبر (ص) فرمود روزه دارد در حال عبادت است هر چند در رختخوابش خوابیده باشد مادام که غیبت مسلمانی را نکند.

و پیغمبر (ص) فرمود که خداوند فرموده است روزه

برای من است و من بآن جزا میدهم و برای روزه دار دوشادی میباشد یکی در وقت افطار و دیگری در وقت ملاقات خداوند

عزوجل. و قسم بخداوندیکه جان محمد (ص) در دست

اوست بوی دهان روزه دار نزد خداوند بهتر است از بوی

مشک. و پیغمبر (ص) با صحابش فرمود آیا خبر ندهم شما

را بچیزی که اگر بجا بیاورید شیطان از شما دور شود

همانطور که مشرق از مغرب دور است. عرض کردند

بفرمائید.

فرمود : روزه روی شیطان را سیاه میکند و صدقه پشتش را میشکند و دوستی در راه خدا و کمک بدیگران بر عمل صالح دنباله اش را قطع میکند و توبه و استغفار رگ حیاتش را می برد و برای هر چیزی زکوتی میباشد و زکوة بدنها روزه است و فرمود بدرستیکه خداوند موکل کرده است ملائکه را که برای روزه داران دعا کنند و فرمود جبرئیل مرا خبر داد از خداوند تبارک و تعالی که فرمود امر نکرده ام ملائکه ام را برای دعاء احدی از بندگانم مگر آنکه دعای ایشان را در باره او اجابت نمایم .

حضرت صادق (ع) فرمود در تفسیر قول خداوند تبارک و تعالی (استعینوا بالصبر والصلوة) مقصود از صبر روزه است و فرمود هر گاه برای شخصی مصیبتی یا شدتی پیش آید روزه بگیرد . بدرستیکه خداوند میفرماید کومک بگیرید بصبر (روزه) و نماز . و فرمود کسیکه روزه بگیرد برای خدا یکروز در شدت گرما پس تشنه شود خداموکل کند هزار ملک را که صورتش را مسح کنند و مرده دهند او را تا وقتی که افطار کند .

خدا فرموده است (ما اطیب ریحک و روحک)

(چقدر بوی تو پاکیزه و خوش آیند است).

ای ملائکه من شاهد باشید من آمرزیدم او را .
و حضرت علی (ع) فرمود خواب قیلوله بجا آورید زیرا
خداوند غذا میدهد روزه دار را و سیرآب میکند او را
در خوابش .

حضرت صادق (ع) فرمود خواب روزه دار عبادت
است و خاموش بودنش تسبیح و عملش مورد قبول و
دعایش مستجاب و بزرگترین پاداش روزه برای روزه‌ماه
مبارک رمضان است .

از پیغمبر (ص) نقل شده است کسیکه ماه رمضان
را از روی ایمان و برای خدا روزه بگیرد و گوش و چشم
وزبانش را از مردم نگاهدارد خدا روزه‌اش را قبول کند
و گناه گذشته و آینده‌اش را بیامرزد و پاداش صابرين باو
عطا نماید .

و در روایت صحیح از حضرت صادق (ع) روایت
شده است که از پیغمبر (ص) از شب قدر سؤال کردند ایستاد
و خطبه خواند و بعد از ثناء بر خداوند فرمود: اما بعد بدرستی که
شما از شب قدر از من سؤال کردید و من آنرا از شما پنهان
نمیکنم زیرا من عالم بآن نیستم .

بدانید ای مردم کسیکه ماه رمضان را درك کند و صحیح و سالم باشد پس روزش را روزه بگیرد و قسمتی از شبش را بعبادت قیام نماید و مواظبت کند بر نمازش و در نماز جمعه اش شرکت نماید و بشتابد برای عیدش بتحقیق که درك کرده است شب قدر را ورستگار شده است بجائزه پروردگار .

حضرت صادق (ع) فرمود بخدا قسم رستگار شده است بجوائزی که مثل جوائز بندگان نیست و در روایت صحیح از حضرت صادق (ع) نقل شده است که فرمود بدرستی که خداوند روزه را واجب کرده است تا غنی و فقیر را مساوی نماید برای آنکه تا اغنیاً طعم گرسنگی را نچشند بر فقرا رحم نمیکنند زیرا اغنیأ هر چه را بخوانند برای آنها آماده است، پس خداوند خواسته است بین خلقش مساوات برقرار کند و اغنیاء گرسنگی ببینند و الا برضعیف و گرسنه رحم نمیکنند و گفته است اگر در روزه هیچ سودی غیر از ارتقاء از مقام پست حیوانی به بلندترین درجه انسانی که تشبه به ملائکه است نباشد همین فضل و منقبت برای آن کافی است .

ابو حامد گفته است: بدرستی که روزه برای خداست و چون نسبت بخدا پیدا کرده است اهمیت و تشریف یافته است

با آنکه تمام عبادات برای خداست همانطور که خانه گعبه چون باو نسبت پیدا کرده تشریف یافته است و حال آنکه تمام زمین مال خداست بدو معنی : اول آنکه روزه خود-داری و ترك است و این کار فی نفسه جزو اسرار است و در آن عملی نیست که دیده شود در صورتیکه جمیع طاعات و عبادات در دیدگاه خالق انجام مییابد و روزه را جز خداوند تبارك و تعالی کسی نمیداند پس بصرف صبر عملی است باطنی .

دوم - روزه سر کوبی دشمن خداست زیرا وسیله شیطان برای منحرف کردن بندگان شهوات است و شهوات هم بخوردن و آشامیدن تقویت میشود .

برای این است که پیغمبر (ص) فرمود بـدرستی که شیطان جریان دارد در فرزند آدم مانند جریان خون در عروق پس مجاری را بگرسنگی تنگ کنید .

(فواید گرسنگی را در کتاب دیگر ذکر خواهیم کرد) .

لذا وقتیکه روزه بخصوص برای نابود کردن شیطان و سد راه او باشد و مجاری او را تنگ کند استحقاق دارد که نسبت بخداوند تخصیص یابد زیرا در ریشه کن

کردن دشمن خدایاری خداست و هر گاه بنده ای خدارایاری کند خداوند نیز بنده را یاری مینماید زیرا فرموده است: (ان تنصر والله ينصرکم و یثبت اقدامکم) (اگر خدا را یاری کنید خدا شما را یاری میکند و قدمهای شما را ثابت نگاه میدارد).

بنابر این دعا و کوشش از بنده است و پاداش بر اهنمائی از طرف خداست .
برای این خداوند فرموده است .

والذین جاهدوا فینالنهذینهم سبلنا (مردمانیکه در راه خدا شناسی کوشش نمایند ما هم راههای رستگاری را بآنها نشان میدهیم).

و فرمود : ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم (خداوند سر نوشت قومی را تغییر نمیدهد مادامی که آنها در خود تغییر ندهند) و همانا تغییر بشکستن و از بین بردن شهوات حاصل میشود که مرتع و چراگاه شیطان است پس هر گاه چراگاه او آباد باشد رفت و آمد او قطع نمیشود و تا وقتی که در میان قومی شیطان راه داشته باشد برای بنده جلال خدا مکشوف نمیکردد و از لقاء پروردگار محجوب و محروم است، پیغمبر (ص) فرمود اگر شیاطین گرد

دل اولاد آدم نمیگشتند آدمیزادگان به ملکوت آسمان
می نگریستند و راه مییافتند .

پس از این جهت روزه باب عبادت و سپر از آتش
گردیده است و هرگاه فضیلت روزه تا این حد زیاد است
ناچاریم از بیان شروط و ذکر ارکان و آداب و سنن ظاهره
و باطنه اش و اینها را در سه باب بیان میکنیم .

باب اول

در شروط و واجبات و مکروهات و آداب ظاهری و چیزهایی که روزه را فاسد میکند. و فیض علیه الرحمه گوید ما بر طریقه و دستور اهل بیت (ع) اینها را بیان میکنیم .

شروط : روزه واجب است بر هر مکلفی که از حیض و نفاس پاک بوده و سالم باشد یعنی مرضی که روزه برایش ضرر داشته باشد نداشته باشد و مقیم یا در حکم مقیم باشد و صحیح نیست بدون این شروط مگر از خوابیده و مغمی علیه (بیهوش) و دیوانه در صورتیکه قبل از این عوارض نیت کرده باشند. و در صحت روزه کودک ممیز خلاف است مگر در خوابیده که خلافی نیست .

و اما روزه حائض و نفساء و بیماری که روزه برایش
مضر است صحیح نیست بدون خلاف. و اما مسافر روزه ماه
رمضان و هر روزه واجبیه غیر از رمضان از او صحیح نیست
بدون خلاف مگر سه روز بدل از هدی و هیجده روز بدل
از بدنه برای کسیکه عمداً قبل از غروب از عرفات حرکت
کرده باشد و روزه نذری که در آن شرط سفر یا حضر
کرده باشد که هر گاه نذر حضر را بخواهد در سفر انجام دهد
محل اشکال است و احوط آنست که چنین نذری ننماید و
در روزه مستحب اقوال مختلفی است که قول سوم آن
کراهت است و در اصح این سه قول منع کرده اند که روزه
مستحبی را در سفر بگیرد مگر سه روز هر گاه برای حاجتی
بخواهد در روزه پیغمبر (ص) روزه بگیرد. و مجزی نیست
روزه از اشخاصی که قبلاً آنها را معذور دانستیم مگر
مسافر، هر گاه جاهل بحکم باشد، و حائض و نفساء و همچنین
مریض و مسافر باید قضای آنها بگیرند و اگر مریض و
مسافر قبل از زوال عذر آنها از بین رفت واجب است بر آنها
که روزه بگیرند بخلاف حائض و نفساء و اگر شخص در
بین روز مریض شد باید افطار کند و لو نزدیک غروب باشد
مانند حائض و نفساء که آنها نیز باید روزه را بخورند و اما

مسافر رأی اصح آنست که اگر قبل از ظهر بسفر برود روزه را بخورد و اگر بعد از ظهر برود روزه را نگاهدارد چنانچه در صحاح مستفیضه است و قولهای دیگری هم در این باب هست. زنی که وضع حملش نزدیک است وزن شیردهی که کم شیر باشد اگر گمان ضرری برای آنها یا بفرزند آنها برود باید افطار کنند و برای هر روز يك مد تصدق بدهند و قضای آنرا بگیرند و همچنین شیخ (پیر مرد) و شیخه (زن پیر) و ذولعطاش (کسیکه بعلتی تاب تشنگی ندارد) برای این سه نفر دو مد طعام احوط است و در اینکه برایشان قضا واجب است خلاف است و در روایت صحیح سقوط است یعنی قضا واجب نیست و شرط است در روزه نیت جازم قطعی و این که تعیین کند نوع روزه را و اگر معین باشد مانند ماه رمضان یا نذر معین نیت کفای است.

و وقت اختیاری برای نیت در روزه رمضان یا نذر معین طول شب است و وقت اضطراری آن تا ظهر است و در غیر این دو نیت مطلقاً تا ظهر است و در روزه مستحب چنانچه در صحاح ذکر شده وقت نیت تا نزدیک غروب است و در بعضی اخبار صحیح اگر قبل از زوال نیت کند برای آن روز کافی است و اگر بعد از زوال نیت کند از وقتی که نیت کرده

است محسوب خواهد شد و در اینکه يك نیت برای مدت یکماه کافی است خلاف است .

وروزه یوم الشك را اگر بعنوان استحباب بگیرد و بعد معلوم شود از رمضان است کافی است که قصد قربت کند و از رمضان محسوب خواهد شد و هر گاه به نیت رمضان روزه بگیرد کافی نخواهد بود برخلاف رأی شیخ طوسی در کتاب خلاف که کافی می داند .

هلال ماه رمضان ثابت می شود :

۱- برؤیت ولو یکنفر باشد مادام که شك نکند .

۲- بگذشتن سی روز از شعبان .

۳- بدو شاهد عادل که متوافق باشند .

۴- بشیاعی که مفید ظن نزدیک بعلم باشد و به اختلاف افق در ممالک مختلفه حکم آن مختلف میشود. اما واجبات روزه و چیزهایی که روزه را فاسد میکند .

واجب است امساک از خوردن و آشامیدن و جماع و استمناء و قی و دروغ (بر خدا و رسول و ائمه) بدون خلاف و از باقی ماندن بر جنابت عمداً تا طلوع فجر مخصوصاً در ماه رمضان و قضای ماه رمضان بنا بر قول اقوا و اشهر واجب است ، امساک از فرورفتن در آب و

حقنه بمایع بنا بر قول اصح والاقضا بجایبیاورد مگر در دو مورد اخیر و دروغ اگر روزه واجب باشد بلاخلاف و کفاره نیز بدهد مگر در قی که در آن اختلاف است و همچنین در باقیماندن بر حال جنابت در روزه ماه رمضان و مقدار کفاره عبارتست از آزاد کردن یک بنده یا اطعام شصت مسکین یا دو ماه روزه متوالی و برای نذر معین کفاره قسم باید بدهد چنانکه در قرآن بیان شده است و برای قضای ماه رمضان اگر بعد از عصر افطار کند (و بعضی بعد از زوال گفته اند) ده مسکین را اطعام کند و اگر نتواند ده مسکین را اطعام کند سه روز روزه بگیرد و در وجوب قضاء مخصوصاً بار- تماس و حقنه بمایع و دروغ بر خدا و رسول و ائمه یا با کفاره یا بدون کفاره خلاف است .

اما حقنه بجامد و دروغ بر غیر خدا و رسول و ائمه روزه را فاسد نمی کند و در اینکه فرو بردن مطلق غبار بحلق یا غبار غلیظ مبطل روزه است و همچنین در وجوب قضای آن با کفاره یا بدون کفاره و عدم وجوب آن اقوال مختلفی است . (برای بررسی بیشتر بر ساله مراجعه شود) .

در روایت موثق نقل شده که از حضرت رضا (ع) سؤال شد که روزه دار اگر عود یا غیر از عود بسوزاند و دود در حلقش وارد شود تکلیف چیست ؟

فرمود بآسی نیست. و همچنین سؤال شد که اگر شخص
روزه دار غبار بخلقش وارد شود؟ فرمود بآسی نیست و اخباری
که باین خبر معارض باشد از حیث سند و دلالت ضعیف
است.

در روایت صحیح از حضرت باقر (ع) روایت
شده که فرمود روزه دار را ضرر نمیرساند هر کار که بکند
مادام که از چهار خصلت اجتناب نماید :

۱- خوردن .

۲- آشامیدن .

۳- نزدیکی بزنان .

۴- سر فرو بردن در آب و کسی که از روی

فراموشی چیزی بخورد و بیاشامد و هم چنین بر کسی که
چیزی در حلقش مانده باشد و فرو برود و بر کسی که او را
مجبور کنند و بر کسی که تقیه میکنند و بر کسی که جاهل
بحکم باشد چیزی نیست و اگر قضا بجا بیاورند احوط
خواهد بود و بعضی کفاره نیز گفته اند و هر کس عمداً افطار
کند یعنی چیزی بخورد چه هنگام بعد از سحر چه هنگام
غروب و بعد بتحقیق مسلم شود روز بوده باید قضا بجا بیاورد
خواه مراعات وقت را کرده باشد یا نکرده باشد و اگر
بر حکم ظن و اجتهادش باقی باشد قضا ندارد و اگر شك

داشت در صورتیکه بعد از سحر (اول وقت، افطار کرد قضا ندارد و اگر هنگام غروب زودتر افطار کرده قضا دارد) و اگر کسی که جنب شده تا صبح بخوابد هر گاه قبل از طلوع فجر عازم بر غسل بوده قضا ندارد و الا باید قضای آن روز را بگیرد و اگر عازم بر ترك طهارت بوده علاوه بر قضا كفاره نیز بدهد و واجب است امساك بقیه روز اگر روزه را بمعصیت افطار کرد یا کوتاهی کرد و در مواردیکه بعد بیان خواهیم کرد مستحب است بقیه روز را امساك نماید .

جائز است خوردن روزه نامعین قبل از زوال مطلقاً بعد از زوال مکروه است در غیر قضای رمضان و در قضای رمضان جائز نیست و باید كفاره بدهد و برای کسیکه روزه مستحبی گرفته است بهتر آن است که اگر دعوت شد بطعام خوردن افطار کند ولو بعد از ظهر باشد .

اما مکروهات : مکروه است بلعیدن رطوبت بینی که وارد حلق می شود و آب دهان در صورتیکه به چیز پاکی طعم آن تغییر یافته باشد ولی اجزائی از آن در آب دهان نباشد و مکروه است ریختن دوا در گوش و چشم و بینی هر گاه بحلق نرسد و در احلیل و سرمه در چشم کشیدن و استنشام بوهای غلیظ کردن و همچنین بوئیدن گلها مخصوصاً نرگس و

داخل شدن در آب مخصوصاً برای زنها و خشك كردن لباس
تر را بر بدن و مساوك كردن بچيزهاى تر و در بيشتراينها قول
بافساد كم است و بمكيدن انگشتر و جويدن طعام براى كودك
و خرد كردن غذا براى پرنده و چشيدن آبگوشت باكى
نيست. و مكروه است بوسيدن و لمس كردن و بازى كردن
بازنها، باگمان اينكه منى از او خارج نخو اهد شد، براى كسيكه
شهو تش به اين اعمال تحريك ميشود. و مكروه است هر كارى
كه موجب ضعف روزه دار شود از قبيل رفتن حمام يا خون
گرفتن و مانند اين دو و انشاد شعر در رمضان و مسافرت بعد
از دخول رمضان مگر از روى ناچارى و قول بحرمت مسافرت
در رمضان خيلى كم است. و روايت دارد كه بعد از گذشتن
بيست و سه روز از ماه رمضان كراهت مسافرت بر طرف
ميشود. و مكروه است براى مسافر زياد خوردن و زياد
آشاميدن. و جماع كراهت شديد دارد و بعضى آنرا حرام
دانسته اند. اما اعمالى كه مستحب است: مستحب است در وقت
رؤيت هلال ماه رمضان در شب اول دعا بخواند و اگر در شب اول
موفق نشد تا سه شب مى تواند بخواند به اين طريق كه دست هارا
بلند كند و بقبله نه بسمت ماه بدون اينكه بطرف ماه اشاره
كند و بخواند.

اللهم اهلنا بالامن ولايمان والسلامة والاسلام
والعافية المجللة والرزق الواسع وودفع الاسقام . اللهم ارزقنا
صيامه وقيامه وتلاوة القرآن فيه اللهم سلمه لنا وتسلمه منا .
ترجمه - پروردگارا این ماه را با امنیت و ایمان
کامل برمانو کن و تندرستی و اسلام و عافیت شایان باروزی
فراخ نصیب و بیماریها را دفع فرما .

خداوندا توفیق ده که روزهای این ماه را روزه
بداریم و شبهارا به نماز و تلاوت قرآن بگذرانیم . و مستحب
است در شب اول و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم
غسل کند و در شب اول بازن خود نزدیکی (عمل زناشوئی)
انجام دهد . و هم چنین دعاهای شب و روز و دعای دخول
ماه رمضان و دعای وداع و دعاهای سحر را بطوریکه
دستور داده شده . بخواند و زیاد قرآن بخواند و تمام
شبهایش مخصوصاً شبهای فرد را بعبادت بگذراند و نوافل
مخصوص این ماه را بادعاهایش بجا بیاورد و در شب
بیست و سوم هزار مرتبه سوره قدر و یکم مرتبه عنکبوت و
روم را بخواند و در این ماه زیاد جود و بخشش کند زیرا
پاداش آن مضاعف داده میشود و روزه داران را افطاری
بدهد در خبر آمده است که اگر برادر روزه داری را

افطاری بـسـدهـی بهـتر از روزۀ تـسـواست و مستحب است بر شیرینی افطار کند و اگر شیرینی نباشد بر آب نیم گرم افطار کند، زیرا چرکینی های قلب را میبرد و مستحب است بعد از نماز افطار نماید مگر آنکه منتظر او باشند یا نفسش حاضر نباشد .

حضرت صادق (ع) فرمود وقتی دو واجب با تو مواجه شد: - افطار و نماز - پس افضل آن دو را شروع کن، و نماز افضل است. بعد فرمود نماز بخوانی و روزه دار باشی این نمازت قبول است و من نمازی که با روزه بجای آورده شود دوست تر دارم. و در وقت افطار میخوانی :

اللهم لك صمنا وعلى رزقك افطرنا فتقبله مناذهب
الظماء و ابتلت العروق و بقی الاجر .

(پروردگارا برای تو روزه گرفتیم و بر رزق تو افطار کردیم پس آنرا از ما قبول کن. تشنگی از بین رفت و عروق تروتازه شد و اجر و مزد باقی ماند).

در خبر وارد شده است: سحری بخور و لویبک جرعه آب باشد آگاه باشید .

درود خداوند بر اشخاصیکه سحری میخورند و در روزه واجب سحری خوردن تأکید شده و در ماه رمضان

بیشتر تاکید شده است و کمترین چیزیکه در سحر باید خورد آب است و افضل آن سویق و خرما و هر قدر سحری را نزدیک طلوع فجر بخورد بهتر است و اعتکاف در ماه رمضان مستحب است مخصوصاً در دهه آخر و عادت رسول خدا (ص) چنین بود که پیغمبر وقتیکه دهه آخر میرسید رخت خواب را می پیچید و از مباشرت با زنان کناره گیری میکرد و بعبادت میکوشید و خاندانش را نیز بعبادت و امیداشت زیرا شب قدر در این دهه میباشد و به احتمال قوی یکی از شبهای فرد این دهه است، بخصوص شب بیست و یکم و بیست و سوم و در نزد علماء امامیه اعتکاف کمتر از سه روز و در غیر مسجد جامع جایز نیست و در حال اعتکاف حرام است بوسیدن و لمس کردن زنها و جماع با آنها در روز و شب و هم چنین حرام است مجادله و مرافعه و خرید و فروش و بوئیدن گلهای خوش بو و التذاذ بگلها و خروج از مسجد مگر برای انجام حاجتی یا حضور در نماز جمعه یا تشییع جنازه یا عیادت مریضی و امثال آن و نباید بنشینند تا مراجعت نماید و باکی نیست که بسطح بام بالا رود یا قسمتی از بدنش را از مسجد خارج نماید اجباراً . یاسهوا .

باب دوم

باب دوم در اسرار روزه و شروط باطنی آن میباشد.
بدان که برای روزه سه درجه است : روزه عامه و روزه
خواص و روزه خواص از خواص .

اما روزه عامه عبارتست از نگاهداری شکم و فرج
از بجا آوردن شهوت چنانچه تفصیل آن گذشت و اما
روزه خواص عبارتست از نگاهداری گوش و چشم
و زبان و دست و پا و سایر اعضاء از گناه.

میگویییم که اشاره باین روزه است .

آنچه که اصحاب ما از حضرت صادق (ع) باسناد حسن
روایت کرده اند که فرمود :

هرگاه روزه گرفتگی باید گوش و چشم و مو و پوست
روزه دار باشد و غیر اینها نیز چیزهایی را شمرد و فرمود
نباید روزی که روزه دار هستی مانند روزی باشد که روزه
نداری و در خبر دیگر اضافه فرمود تظاهر مکن و خدمتگزارت
را اذیت مکن و بر تو باد که وقار روزه دار را داشته باشی
بدرستی که رسول خدا (ص) شنید که زنی در حالیکه روزه
دار است کنیزش را فحش میدهد غذا خواست و بآن زن
فرمود بخور آن زن گفت من روزه دارم فرمود چطور در حالیکه
روزه دار هستی کنیزت را ناسزا میگوئی روزه فقط امساک
از غذا و شراب (نوشیدنیها) نیست ابو حامد گفته است و اما
روزه خواص آنست که قلب شخص از همت های پست و افکار
دنیوی روزه دار باشد و بکلی غیر از خدا را در نظر نداشته
باشد و در این نوع روزه اگر بغیر از خدا و روز قیامت
فکر کند و بفکر دنیا باشد فطر حاصل میشود مگر آنکه
از دنیا برای دین اراده داشته باشد زیرا آن توشه آخرت
است و از دنیا محسوب نمیشود .

حتی ارباب قلوب گفته اند کسیکه همتش را مصروف
کند در روز برای تهیه چیزی برای افطار برای او يك گناه
نوشته خواهد شد زیرا این عمل ناشی از کم اطمینانی بفضل
خدا و ضعف یقین بروزی موعود است و این مرتبه انبیاء و

صدیقین و مقربین میباشد و در این باره از طول مقال و تفصیل
بیش از این صرف نظر می کنیم و لکن عملاً باید بتحقیق
پرداخت زیرا این نوع روزه عبارتست از اقبال بخداوند با
تمام قوا و انصراف از غیر خدا و توجه کامل بمفاد قول پروردگار
که فرمود (قل الله ثم ذرهم) (بگو خدا و آنها را واگذار) و
اشاره به این معنی است آنچه از حضرت صادق (ع)
روایت شده که فرمود رسول خدا فرمود روزه سپر است یعنی
پوششی است از آفات دنیا و حجابی است از عذاب آخرت
پس هرگاه روزه گرفتی قصد کن بر روزهات نگاهداری نفس
از شهوات و قطع همت از پیروی شیطان و نفست را بمنزله
مریضی فرض کن که اشتها و میل بطعام و شراب ندارد و در
هر لحظه متوقع باش شفای خودت را از بیماری گناهها و
باطنت را پاکیزه کن از هر نوع تیرگی و غفلت و ظلمتی که تو
را از خلوص نیت برای خدا باز می دارد.

پیغمبر (ص) فرمود خداوند عزوجل فرموده است
روزه برای من است و من آنرا پاداش می دهم پس روزه
میمیراند مراد نفس و شهوت طبع را و در روزه است صفای
قلب و طهارت اعضاء و جوارح و عمارت و آبادی ظاهر و
باطن و شکر نعمتها و احسان بفقراء و تضرع زیاد و خشوع
و گریه و وسیله التجاء و پناه بردن بخدا و سبب انکسار همت

میگوئیم و تخفیف حساب و تضعیف حسنات و در روزه فوائدیست
که بشماره در نمی آید و کافی است آنچه ذکر کردیم برای
آگاهی کسیکه تعقل کند. و توفیق بجا آوردنش را داشته باشد.
ابو حامد گفته است اما روزه خواص و آن عبارت
است از روزهٔ مردمان صالح یعنی نگاهداری اعضا و جوارح
از گناهها و این عمل کامل خواهد شد بمراعات شش امر:
اول - نگاهداشتن چشم و جلوگیری آن از زیاد
نگاه کردن به هر چه مذموم و مکروه است و به هر چه قلب
را مشغول کند و از ذکر خدا بازدارد .

پیغمبر (ص) فرمود نگاه و نظر تیر مسمومی است از
ز تیرهای شیطان پس هر کس این نگاه را از ترس خدا ترک
کند خداوند باو ایمانی عطا فرماید که حلاوتش را در دلش
احساس نماید و از پیغمبر (ص) نقل شده است پنج چیز
روزه را باطل میکند: دروغ - غیبت - سخن چینی - قسم
دروغ - نگاه از روی شهوت .

دوم - حفظ زبان از بیهوده گویی - دروغ - غیبت -
سخن چینی - فحش - ستمکاری - دشمنی - ریاکاری و
زبان را بسکوت و ادب نماید یا بدکر خدا و تلاوت قرآن
مشغول دارد این روزهٔ زبان میباشد .

پیغمبر (ص) فرمود به درستی که روزه سپر است پس اگر یکی از شما روزه دار باشد نباید لغو بگوید و فحش بدهد و جهالت بورزد و اگر شخصی با او به ستیزه برخیزد یا به او فحش بدهد باید در جواب بگوید: من روزه دار هستم - من روزه دار هستم و در خبر آمده است که دوزن روزه گرفتند در زمان رسول خدا در آخر روز گرسنگی و تشنگی بقدری بآنها فشار آورد که نزدیک بود تلف شوند پیش رسول خدا فرستادند و اجازه خواستند که افطار نمایند پیغمبر (ص) قدحی برای آن دو فرستاد و دستور داد که در آن دو قدح آنچه خورده اند استفراغ کنند. یکی از آن دو نصف قدح را خون تازه و گوشت تازه برگرداند و دیگری هم مثل اولی استفراغ کرد و قدح پر شد مردم تعجب کردند.

پیغمبر (ص) فرمود این دو نفر روزه گرفتند از آنچه خدا برای آنها حلال کرده بود و افطار کردند بر آنچه خدا بر آنها حرام کرده بود یکی نزد دیگری نشست و شروع کردند به غیبت مردم، این است آنچه این دو از گوشت مردم خورده اند.

صدوق از پیغمبر (ص) روایت کرده است که پیغمبر (ص) فرمود کسیکه غیبت مسلمان نماید روزه اش باطل میشود و وضویش میشکند و اگر در این حال بمیرد مرده است در حالیکه مشغول بوده است به حلال کردن آنچه که خدا حرام کرده است .

و در کتاب کافی از حضرت صادق (ع) روایت کرده است که فرمود بدرستی که دروغ روزه را باطل می کند راوی گفت کدام يك از ما از آفت دروغ بر کناریم حضرت فرمود دروغ بر خدا و رسول و ائمه روزه را باطل می کند نه هر دروغی .

سوم - جلوگیری گوش از گوش دادن بهر مکروهی برای آنکه هر چه گفتن آن حرام است گوش دادن بآن هم حرام است و برای این خداوند کسانی را که بدروغ گوش میدهند با کسانی که حرام می خورند برابر قرار داده است و فرمود (سماعون للکذب اکالون للسحت) (آنها که بدروغ گوش می دهند فراوان و بیبیاک حرام میخورند) و نیز فرموده است (لولا ینهاهم الربانیون والاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت) چرا باز نمیدارند و نهی نمیکنند ایشان را ربانیون (علماء زهاد از علماء یهود) و دانشمندان آنها از گفتار دروغ

و خوردن حرام).

پس سکوت بر غیبت حرام است و ایضا فرمود بنا بر این شما نیز مانند آنها هستید و برای این پیغمبر (ص) فرمود غیبت کنند و شنونده در گناه شریک اند .

چهارم - نگاهداری بقیه اعضا از دست و پا از مکروهات و نگاهداری شکم از غذاهای مشتبّه وقت افطار پس روزه معنی ندارد هر گاه از حلال خودداری کنند و بر حرام افطار کنند مثل چنین روزه داری مثل کسی است که قصری بنا میکند و شهری را خراب مینماید بدرستی که طعام حلال اگر زیاد بخورند مضر است و از جهت انواع زیانی ندارد پس روزه برای تقلیل طعام است و کسی که زیاده روی در دو را از ترس ضررش ترك کند اگر سم بمقدار کم بخورد سفیه است و حرام سمی است که هلاک میکند دین را و حلال دارویی است که اندکش سودمند و زیادش زیان میرساند و مقصود از روزه کم کردن طعام حلال است .

پیغمبر (ص) فرموده است چه بسیار روزه دارانی که از روزه جز گرسنگی و تشنگی بهره نمیرند و در تفسیر قول پیغمبر (ص) گفته شده است آنها اشخاصی هستند که بر حرام افطار می کنند و گفته شده است کسانی هستند که از غذای

حلال امساک می کنند و بر گوشت مردم که حرام است افطار می کنند یعنی غیبت میکنند و گفته شده است کسانی هستند که اعضاء و جوارح خود را از گناه حفظ نمیکنند .

پنجم - وقت افطار از غذای حلال زیاد نخورد بطوریکه معده را پر کند زیرا هیچ ظرفی مبعوض تر از شکم پر از حلال نزد خدا نیست و چگونگی برای سرکوب کردن دشمن خدا (شیطان) و شکستن شهوات از روزه استفاده خواهد شد .

هر گاه روزه دار برای افطار تهیه کند آنچه در روز نخورده است و چه بسا که انواع غذاها را بر آن اضافه نماید تا اینکه عادت کند به اینکه ذخیره نماید جمیع غذاها را برای رمضان و در رمضان غذاهایی مصرف کند که در ماههای دیگر مصرف نکرده است و معلوم است که مقصود از روزه تهی بودن شکم است .

و شکستن هوی و هوس بمنظور تقویت نفس بر پرهیز - گاری و اگر جلوی معده را طول روز بگیرد تا شهوتش بهیجان آید و میلش زیاد شود بعد از انواع غذاهای لذیذ سیر بخورد لذت او زیاد تر و شهوتش بیشتر میشود و برانگیخته شود از شهوات آنچه در ایام عادی را کد بود و طغیان نداشت

در صورتیکه روح روزه و سر آن تضعیف قوای است که
مهار شیطان است در کشیدن افراد بشر و این منظور مسلم
حاصل نخواهد شد مگر بکم خوردن .

پس باید به اندازه شبهائی که روزه نبود غذا بخورد
و اما اگر آنچه روز میخورده است جمع کند و بغدای شب
اضافه نماید و بخورد از چنین روزه سود نخواهد برد بلکه
از آداب روزه دار این است که در روز زیاد نخوابد تا احساس
گرسنگی و تشنگی کند و قوایش بتحلیل رود تا صفای قلب
پیدا کند و قدری از شبش را هم باضعف بگذراند تا در شب
زنده داری و مواظبت بر ادعیه و اوراد شب سبکبار باشد
آنوقت امید است که شیطان بر قلبش مسلط نشود و بتواند
نگاه کند بملکوت آسمانها و شب قدر عبارتست از شبی
که در آن شب مکشوف شود چیزی از ملکوت و این است
مراد خداوند تبارک و تعالی از (انا انزلناه فی لیلۃ القدر)

و کسیکه بین قلبش و سینه اش تو بره ای از طعام
قرار دهد پس ملکوت از او محجوب است و تنها خالی
نگاهداشتن معده برای رفع حجاب کافی نیست تا منصرف
نکند فکرش را از غیر خدا و عمده مطلب همین است .
باید دانست مبدأ و مبنای تمام اینها کم خوردن است

و شرح بیشتری در این باب در کتاب اطعمه ذکر خواهد شد انشاء الله.

ششم - آنکه قلبش بعد از افطار پریشان و مضطرب باشد بین ترس و امید زیرا نمیداند روزه اش قبول شده است و او از مقربین است یا بر او رد شده و از گناهکاران و مردودین است و بعد از فراغت از هر عبادتی باید چنین باشد، روایت شده است که حسن بن ابی الحسن روز عید بر قومی میگذشت که میخندیدند .

فرمود خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه در بندگی برای خلق قرارداد که سبقت بگیرند بر یکدیگر در عبادتش پس جلو افتادند مردمانی و رستگار شدند و عقب افتادند مردمانی و ناامید شدند پس عجب خیلی عجب از کسیکه در حال خنده مشغول بازی باشد در روزیکه شتاب کنندگان در عبادت رستگار شدند و آنها یکیکه وقت را ببطالت گذرانند نا امید گردیدند هان بخدای سوگند که اگر پرده برافتد نیکوکار بکار نیکش مشغول خواهد بود و گناهکار از گناهش یعنی خوشحالی آنکسیکه عبادتش قبول شده او را از بازی باز خواهد داشت و حسرت کسیکه مردود شده باب خنده را بر او مسدود خواهد کرد میگوییم این

خبر را در فقیه در کتاب نماز از حسن ابن علی (ع) و در
روزه از حسین ابن علی (ع) با اندک تغییری در لفظ ذکر
کرده است .

ابو حامد میگوید این است معانی باطنی در روزه .

فصل - اگر گفته شود کسیکه اکتفا کند به جلوگیری

شکم و فرج و این معانی را ترك کند فقهاء میگویند روزه اش
صحیح است چه معنی دارد .

بدانکه فقهاء ظاهر شروط ظاهری روزه را بدلیلهائی

اثبات میکنند که ضعیف تر است از ادله ای که ما در شروط

باطنی ذکر کردیم مخصوصاً غیبت و امثال آن و لکن علماء

ظاهر تکلیف را طوری معین میکنند که عموم مردم غافل

را که همت ایشان مصروف دنیا است شامل شود . اما علماء

آخرت مقصودشان از صحت عبادتی قبول است و بقبول

عبادت وصول بمقصود را میخواهند و میگویند مقصود از

روزه متخلق شدن بخلق از اخلاق خداوند که صمدیت

است و اقتداء بملائکه از جلوگیری از شهوات بقدر

امکان میباشد زیرا ملائکه منزله از شهوات میباشد و انسان

مرتبه اش بالاتر از حیوانات است برای آنکه

بمناسبت قوه عاقله ای که دارد قادر بر جلوگیری شهوات

میباشد و پائین تر از ملائکه است زیرا شهوت بر او مستولی است و با مجاهدت باید جلو آنرا بگیرد بنابراین اگر در شهوات فرورود بادننی درجهٔ پستی سقوط کند و به پست ترین حیوانات ملحق شود .

و هر گاه نیروی شهوانی را سرکوب کند به بلندترین درجه بالا رود و در ردیف ملائکه قرار گیرد و ملائکه از مخلوقات مقرب خدا هستند و هر کس از آنها پیروی کند و با خلاق آنها تشبه پیدا نماید مقرب میشود در نزد خدا مانند تقرب آنها، زیرا اگر کسی شبیه شود بنزدیک نزدیک است و در اینجا نزدیکی مکان منظور نیست بلکه مقصود نزدیکی بصفات است و اگر سرروزه در نزد ارباب دانش این باشد پس چه فایده ای برای تاخیر یک لقمه یا دو لقمه در وقت عشاء خواهد بود . با آنکه طول روز را در شهوات دیگر فرو رفته باشد. و اگر چنین روزه ای سودمند باشد پس فرمایش پیغمبر (ص) چه معنی دارد که فرمود:

چه بسیار روزه دارانی که بهرهٔ آنها از روزه جز گرسنگی و تشنگی نخواهد بود و بهمین جهت ابودرداء گفته است: ای خوشا بخواب مردمان زیرک و باهوش چگونگی

و فطرشان چگونگی نه مردمان احمق و نادان در گرفتن روزه و شب
زنده داری خود مغبونند .

هر آینه اندک عبادتی از مردمان صاحب یقین و پرهیز کار
بهرتر و بالاتر است از کوهها عبادت مردمان مغرور و از این
جهت علماء گفته اند چه بسیار روزه دارانی که روزه خواری
و چه بسیار روزه خواری که روزه دارانند .

روزه دار روزه خواری کسی است که گرسنگی و تشنگی
را تحمل میکند و اعضاء و جوارحش را آزاد میگذارد و
روزه خواری روزه دار کسی است که میخورد و میآشامد و لکن
اعضاء و جوارح خود را از گناه نگاه میدارد و کسیکه معنی
روزه و سر آنرا بفهمد میدانند مثل کسیکه از خوردن و
نزدیکی با زنان خوداری می کند و روزه را بارتکاب انواع
گناهها بخورد مثل کسی است که در وضو هر عضو از
اعضائش را مسح کند و جمیع آداب و سنن و اذکار را
موافق دستور به بهترین وجهی بجا آورد الا آنکه شستن
را که اصل مهم است ترك کند پس نماز او بمناسبت جهلش
مردود است و کسیکه افطار کند بخوردن و آشامیدن و اعضاء
و جوارحش از مکاره روزه دار باشد مانند کسی است که
اعضاء و اجبش را چنانچه باید بشوید و اعضائی که مسح

واجب دارند مسح کند و بانجام اعمال واجب اکتفا نماید
پس نمازش صحیح و قبول است زیرا اعمال اصلی را عمل
کرده است و اگر چه اعمالی را که فضیلت دارند ترک
کرده است .

و مثل کسی که روزه دار باشد و اعضاء و جوارحش را
از گناه نگاهدارد مثل شخصی است که در وضو جمع بین
اصل و فضل یعنی واجب و مستحب کرده است و این است
کمال . پیغمبر (ص) فرموده است روزه امانت است باید هر
یک از شما امانتش را حفظ کند و هر گاه این آیه را (ان الله
يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها) (خداوند بشما امر میکند
که امانات مردم را بآنها رد کنید) تلاوت میفرمود دستش
را بر گوش و چشمش می گذاشت و میفرمود گوش امانت است
و چشم امانت است .

اگر گوش و چشم از امانات روزه نبود نمیفرمود
(در جواب کسی که بشما درستی می کند بگوئید من روزه دار
هستم) من زبانم را به امانت سپرده ام که حفظ کنم چگونه
آنرا در جوابت آزاد بگذارم . با این بیان محققاً آشکار شد
که برای هر عبادتی ظاهریست و باطنی و پوستی و مغزی و
و برای پوست هم در جاتی است و برای هر درجه ای طبقاتی

است بنا بر این اکنون تو مختاری که به پوست قناعت کنی و
از مغز چشم بپوشی یا با جد و جهد تمام خویشتن را در
زمره صاحبان عقول در آوری (صاحبان مغز).

باب سوم

در روزه تطوع (اختیاری) میگوییم در کتاب
فقیه از حضرت علی (ع) روایت شده است که فرمود
رسول خدا (ص) فرموده است کسیکه يك روز را تطوعاً
روزه بگیرد خداوند عزوجل او را داخل بهشت نماید و
از ابی جعفر (ع) (امام پنجم) روایت شده است که فرمود
کسیکه يك روز را با روزه تمام کند به بهشت خواهد
رفت .

پیغمبر (ص) فرموده است کسیکه يك روز را در
راه خدا روزه بگیرد اجر یکسال روزه را خواهد داشت.
و پیغمبر (ص) فرمود هیچ روزه داری نیست که بر قومی

که غذا میخورند وارد شود مگر آنکه اعضاء او برایش تسبیح میکنند و ملائکه بر او درود میفرستند و درود ملائکه برای او طلب آمرزش است .

- ابو حامد گفته است :

حسن ابن محبوب از جمیل ابن صالح از محمد ابن مروان روایت کرده است که گفت از ابا عبد الله (ع) (امام ششم) شنیدم که فرمود پیغمبر (ص) آنقدر روزه میگیرد که گفته میشود افطار نخواهد کرد و آنقدر افطار میگرد که گفته میشود روزه نخواهد گرفت بعد یکروز روزه میگیرد و یکروز افطار میگرد بعد دوشنبه و پنجشنبه را روزه میگیرد بعد سه روز در ماه را (پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه) را روزه میگیرد و میفرمود این روزه دهر است .

یعنی هر کس مرتب سه روز اول و وسط و آخر ماه را روزه بگیرد مثل این است که تمام عمر را روزه گرفته است .

و بتحقیق که پدرم میفرمود کسی مبعوض تر نیست در نزد خداوند از مردیکه گفته شود باو رسول خدا چنین و چنان میگرد .

بگویند خدا عذاب نمی‌کند مرا بر اینکه در نماز و روزه اجتهاد کنم. مثل اینکه گمان می‌کند رسول خدا فضیلتی را بجهت اینکه از بجا آوردنش عجز داشته ترک کرده است.

در روایت حماد بن عثمان از ابی‌عبدالله (ع) (امام

ششم) نقل شده که فرمود پیغمبر (ص)

روزه می‌گرفت تا آنکه گفته میشد افطار نخواهد کرد سپس افطار می‌کرد تا آنکه گفته میشد روزه نخواهد گرفت روزه‌داود را می‌گرفت (یک روز در میان) بعد تا آخر عمرش سه روز از ماه را روزه می‌گرفت و می‌گفت معادل روزه دهر است و وحرسینیه را می‌برد (حماد گوید و حرس بمعنای وسوسه است) حماد می‌گوید من سؤال کردم آن سه روز چه روزهایی است فرمود اولین پنجشنبه ماه و اولین چهارشنبه دهه دوم ماه و آخرین پنجشنبه ماه.

حماد می‌گوید من عرض کردم چرا در این روزها باید روزه گرفت فرمود برای اینکه برامم گذشته اگر عذاب نازل میشد در این روزها بود پس رسول خدا (ص) این ایام را روزه می‌گرفت برای آنکه روزهای مخوفی هستند

فضیل ابن یسار از ابا عبدالله روایت کرده است که فرمود اگر یکی از شما سه روز از ماه را روزه گرفت نباید با هیچکس مجادله کند و تندی نماید و بخدا قسم بخورد و اگر کسی با او تندی کند باید تحمل نماید .

عبدالله ابن مغیره از حبیب ابن خثعمی روایت کرده است که میگوید با امام ششم عرض کردم خبر ده مرا از روزه تطوع و از این سه روز اگر در اول شب جنب شدم و بدانم که جنب هستم و عمداً بخوابم تا صبح روشن شود آیا روزه بگیرم یا نگیرم؟ فرمود روزه بگیر .

امیر المؤمنین (ع) فرمود: روزه ماه صبر و سه روز از هر ماه هم و غم و سواس را بر طرف میکند و روزه سه روز از هر ماه روزه دهر است بدرستی که خداوند عزوجل میفرماید هر کس يك حسنه بجا آورد ده برابر پاداش میگیرد .

عبدالله ابن سنان روایت کرده است که ابا عبدالله (ع) بمن فرمود اگر اول ماه دو پنجشنبه بود پنجشنبه اول را روزه بگیر که فضیلت آن بیشتر است و اگر در آخر ماه دو پنجشنبه بود پنجشنبه آخر را روزه بگیر که آن افضل است .

از عالم (آل محمد) (موسی بن جعفر) سؤال کردند که اگر در دهه آخر ماه دو پنجشنبه واقع شد کدام را باید روزه گرفت فرمود پنجشنبه اول را روزه بگیر زیرا ممکن است به پنجشنبه دوم نرسی. عیص ابن قاسم از امام ششم سؤال کرد از کسیکه روز سه روز از ماه را بواسطه زحمتی که برایش دارد نمیگیرد آیا باید فدیة بدهد؟ فرمود برای هر روزی يك من از طعام بدهد .

ابن مسکان از ابراهیم مثنی روایت کرده است که گفت با ابا عبد الله (امام ششم) عرض کردم برای من روزه سه روز از ماه زحمت دارد آیا میتوانم برای هر روزی یک درهم تصدق بدهم؟ امام (ع) فرمود یک درهم صدقه از يك روز روزه بهتر است .

حسن ابن محبوب از حسن ابن ابی حمزه روایت کرده است که گفت با امام پنجم یا امام ششم عرض کردم روزه سه روز از ماه را در تابستان بتأخیر می اندازم بزمستان زیرا در زمستان آسان تر است برای من روزه گرفتن، فرمود بلی ولی فراموش مکن و در روایت ابن بکیر از زرارہ نقل شده است که روزه سه روز از ماه

را در تمام سال میتوان گرفت .

(روزه سه روز جمیع آنچه زیست که سنت در صوم
بر آن جاری شده است)

فصل - از روزه‌هایی که در گرفتن آن تأکید شده است
روزه ماه رجب و ماه شعبان یا آنچه میسر گردد از این دو
ماه میباشد زیرا رجب ماه امیر المؤمنین و شعبان ماه رسول
خداست .

کما اینکه رمضان ماه خداوند است و در روزه ماه
رجب و شعبان تأکید بسیار شده و ثواب جزیل وعده داده
شده است و همین ثواب را خواهد داشت .

اگر بعضی از روزهای این دو ماه را با فاصله دوروز
یا سه روز یا تمام ماه را روزه بگیرد و از تفصیل آن به قصد
اختصار خودداری شد .

در کتاب فقیه از موسی ابن جعفر (ع) روایت شده
که فرمود کسی که روز اول ذی الحجه را روزه بگیرد
خدا برای او روزه هشتاد ماه را مینویسد و اگر روز نهم را
روزه بگیرد خداوند ثواب روزه دهر را برای او بنویسد .
حضرت صادق (ع) فرمود روزه روز ترویه (هشتم

ذی الحجّه) کفاره یکسال است و روزه روز عرفه کفاره دو سال. و روایت شده است که در اول ذی الحجّه حضرت ابراهیم خلیل متولد شده است و هر کس این روز را روزه بگیرد کفاره شصت سال خواهد بود و در روز نهم ذی الحجّه توبه داود نازل شده و هر کس این روز را روزه بگیرد کفاره نود سال خواهد بود. و از یعقوب ابن شعیب روایت شده است که گفت از ابا عبد الله سؤال کردم از روزه روز عرفه و گفتم فدایت شوم ایشان گمان میکنند که روزه روز عرفه معادل روزه یکسال است فرمود پدرم آنروز را روزه نمیگرفت گفتم فدایت شوم چرا ؟

فرمود روز عرفه روز دعا و مسئلت است میترسم ضعف بر من مستولی شود و از دعا باز مانم و اکراه دارم از اینکه آنروز را روزه بگیرم زیرا میترسم روز عرفه روز عید قربان باشد و عید قربان روز روزه نیست .

حسن ابن علی الوشاء روایت کرده است در حالیکه کمتر از پانزده سال داشتم با پدرم شب بیست و پنجم ذی القعدة در خدمت حضرت رضا (ع) شام خوردیم. امام پیدرم فرمود در شب بیست و پنجم ذی القعدة حضرت ابراهیم خلیل و حضرت عیسی ابن مریم متولد شده اند و در این شب زمین از زیر کعبه کشیده شده است پس کسیکه این روز را روزه

بگیرد مانند کسی است که شصت ماه را روزه گرفته است و روایت شده که در بیست و نهم ذی القعدة خداوند کعبه را نازل کرده است و این رحمتی است که نازل شده است . کسیکه این روز را روزه بگیرد کفاره هفتاد سال خواهد بود . حسن ابن راشد از ابی عبدالله روایت کرده است که عرض کردم فدایت شوم برای مسلمانان غیر از عیدین (عید رمضان - عید قربان) هم عیدی هست فرمود بلی ای حسن و از اندو اعظم و اشرف است عرض کردم کدام روز است آنروز فرمود روزیکه امیر المؤمنین با امامت مردم منصوب گردید . عرض کردم فدایت شوم آنروز کدام است فرمود ایام دور میزنند و آن روز هیجدهم ذی الحجة میباشد . عرض کردم ما در آن روز چه بکنیم فرمود روزه بگیر و زیاد صلوات بر محمد (ص) و آل محمد (ص) بفرست و تبری بجوی در نزد خداوند از آنهاییکه در حق ایشان ستم کردند زیرا پیغمبران امر میکردند جانشینان خود را که روزی را که در آنروز بجانشینی معین شده اند عید بگیرند . گفت عرض کردم برای ما چه مزدی خواهد بود اگر آنروز را روزه بگیریم فرمود ثواب شصت ماه . و باز فرمود از دست مده روزه روز بیست و هفتم رجب را برای آنکه در

آن روز نبوت بر محمد (ص) نازل شده و ثوابش باندازه شصت ماه است برای شما .

مفضل ابن عمر از ابی عبدالله روایت کرده است که فرمود روزه روز غدیر خم کفاره شصت سال است . و در روز اول محرم حضرت ذکریا خدا را خواند پس هر کس این روز را روزه بگیرد خدا دعایش را مستجاب کند چنانچه دعای حضرت ذکریا را مستجاب کرد . و گفت محمد بن مسلم وزیر ابی بن اعین از ابی جعفر (ع) (امام پنجم) از روزه روز عاشورا سؤال کردند فرمود پیش از رمضان آن روز را روزه می گرفتند پس از آنکه رمضان معین شد روزه روز عاشورا متروک گردید و می گویم مؤید این خبر اخباریست که از اهل بیت در این باره وارد شده است که هر کس این روز را روزه بگیرد بهره او بهره پسر مرجانه و آل زیاد خواهد بود و آن آتش است . و اما خبری که می گوید روزه آن کفاره یکسال است محمول بر تقیه است یا امساک تا عصر است بحال حزن و اندوه . چنانکه از حضرت صادق (ع) روایت شده است که فرمود روز عاشورا را روزه بگیرید . بدون آنکه شب را به بیخوابی بگذرانید و افطار کن بدون دعای افطار عبارت متن این است : (و افطره من غیر تشمیت) کلمه تشمیت بردعای بعد از عطسه و مطلق دعا اطلاق میشود

و تا آخر روز روزه آنرا نگاه ندارید که روزه کاملی محسوب شود بلکه باید افطارت یکساعت بعد از عصر بآب باشد زیرا در این ساعت در آن روز پریشانی از آل رسول خدا (ص) برطرف شد و فشار دشمن کم شد و سزاوار است عمل به این از لحاظ امتیاز سندش و چنین روزه‌ای را روزه تأدیب می‌نامند و روزه تأدیب عبارتست از امساك از مفطرات در قسمتی از روز برای تشبه به روزه-داران و در هفت مورد غیر از این مورد عمل میشود و دلیل آن نص و اجماع است :

اول - مسافر هرگاه بخانه اش یا به محلی که قصد اقامت ده روز یا بیشتر دارد بعد از زوال یا پیش از زوال وارد شود در صورتیکه افطار کرده باشد .

دوم - مریض هر گاه سلامت شد .

سوم و چهارم حائض و نفساء اگر در بین روز پاک شدند

پنجم - کافر اگر مسلمان شد .

ششم - کودک اگر بالغ شد .

هفتم - مجنون و مغمی علیه اگر بهوش آمد و در

همین ردیف است تمرین کودک در سن نه سالگی .

فصل - حرام است روزه عیدین (عید قربان و عید

رمضان) و ایام التشریق (۱۲ و ۱۳ و ۱۴) برای کسیکه در منی باشد و روزیکه مورد شك است به نیت رمضان. و روزه مستحبی زن بدون اذن شوهر و بنده بدون اذن مولی و روزه در حال مرض و سفر مگر، آنچه استثناء شده است. و روزه صمت و وصال.

در کتاب فقیه از معاویه ابن عمار روایت کرده است که گفت از امام ششم (ع) سؤال کردم از روزه ایام التشریق فرمود رسول خدا (ص) برای کسیکه در منی باشد نهی کرده است و برای کسیکه در منی نباشد اشکالی ندارد و رسول خدا (ص) از روزه وصال نهی کرده است زیرا بعضی روزه را وصل میگردند یعنی از سحر تا سحر چیزی نمیخورند و از پیغمبر (ص) در این باب سؤال شد چون پیغمبر گاهی روزه وصال را میگرفت فرمود من مانند بعضی از شما نیستم (یعنی بین من و شما فرق است) پیوسته نزد پروردگارم هستم پس مرا اطعام میکنند و سیر آب می سازد حضرت صادق (ع) فرمود روزه وصال که پیغمبر - (ص) از آن نهی کرده است آنست که شخص از سحر تا سحر روزه دار باشد و شام چیزی نخورد .

زراره از امام ششم در باره روزه دهر سؤال کرد

حضرت فرمود پیوسته مکروه است .

و فرمود وصال در روزه نیست و روزه صمت یعنی خاموشی از صبح تا شب نیست و در حدیث زهری از حضرت علی بن الحسین (ع) روایت شده که فرمود :

روزه های حرام عبارتند از روزه عید رمضان و روزه عید قربان و سه روز ایام التشریق و روزه روزیکه مشکوک است (آیا از رمضان است یا شعبان) که هم امر شده بگرفتن آن وهم نهی شده است . امر شده است برای آنکه روزه بگیریم آن روز را با شعبان و نهی شده است برای آنکه افرادی بروزه گرفتن آن روز که مورد شك مردم است از اجتماع ممتاز نشوند .

عرض کردم فدایت شوم اگر از ماه شعبان چیزی روزه نگرفته باشد چه باید بکند فرمود شبیکه مورد شك است به نیت شعبان روزه بگیرد اگر از رمضان باشد کفایت میکند او را و اگر از شعبان باشد ضروری به او نرسیده است . پس بآنحضرت عرض کردم چگونه کفایت میکند روزه تطوع (اختیاری) از روزه واجب فرمود : اگر مردی روزی از ماه رمضان را روزه تطوع بگیرد در حالیکه نمیداند و علم ندارد که از ماه رمضان است سپس بعد از این معلوم شود

ماه رمضان بوده کفایت میکند او را زیرا عمل او مطابق با واقع انجام یافته است. و روزه وصال حرام است. و روزه صمت حرام است. و روزه ای که برای امر حرامی نذر کند حرام است. و روزه دهر حرام است. و آنحضرت فرمود اما روزه ای که صاحب آن مختار است عبارتست از روزه روز جمعه و پنجشنبه و دوشنبه و ایام البیض (۱۳ و ۱۴ و ۱۵)

و روزه شش روز بعد از رمضان از ماه شوال و روزه روز عرفه و روز عاشورا در این ایام شخص اختیار دارد که روزه بگیرد یا نگیرد .

مصنف میگوید معنی آن اینست که برای این ایام مزیتی بر سایر ایام چنانچه عامه گمان کرده اند نیست و آنحضرت فرمود اما روزه در سفر و در حال مرض بدرستی که عامه در باره آن اختلاف کرده اند یک دسته گفته اند روزه بگیرد و دسته ای گفته اند روزه نگیرد و دسته ای گفته اند اگر بخواهد بگیرد و اگر نخورد نگیرد. و اما ما میگوئیم در هر دو حال افطار کند و اگر در سفر یا در حال مرض روزه بگیرد باید قضای آنرا بجا آورد بعلمت آنکه خداوند عزوجل میفرماید :

فمن كان منكم مريضاً او على سفر فعدة من ايام اخر صدوق در علل الشرايع ذکر کرده است که روزه

ایام البیض منسوخ است و بجای آن روزه دوشنبه و چهارشنبه گرفته میشود و بعضی از نصوص هم مشعر بر این نظریه است و بعضی از علماء امامیه هم ایام البیض را تفسیر بهمین ایام کرده اند .

ولی مشهور خلاف این دو میباشد . و اما روزه شش روز از شوال در بعضی اخبار امامیه هم وارد شده است الا اینکه در روایت صحیح میگوید بعد از عید قربان سه روز نباید روزه گرفت و هم چنین بعد از رمضان زیرا این سه روز ایام خوردن و آشامیدن است و آن مورد اعتماد میباشد .

و در کتاب فقیه ایضاً از فضیل ابن یسار از ابی عبدالله روایت کرده که فرمود :

رسول خدا فرموده است هر گاه مردی بشهری وارد شود مهمان همکیشان خود در آن شهر است تا از آنجا حرکت کند .

بنابر این شایسته نیست که مهمان بدون اذن ایشان روزه بگیرد زیرا ممکن است چیزی تهیه کنند و فاسد شود و شایسته نیست که آنها هم بدون اجازه مهمان روزه بگیرند .

زیرا مبادا مهمان بچیزی میل کند و بمناسبت حشمت
و بزرگی ایشان آنرا ترك نماید .

و نشیط ابن صالح از هشام ابن الحکم از امام ششم (ع)
روایت کرده است که فرمود :

رسول خدا (ص) فرمود از وظیفه مهمان آنستکه
روزه اختیاری نگیرد مگر با اجازه میزبانش و از اطاعت
زن برای مرد آنستکه روزه اختیاری بدون اجازه اش نگیرد
و از وظیفه بنده برای مولایش آنستکه روزه اختیاری
بدون اجازه مولایش نگیرد و از رفتار نیک فرزند نسبت
بپدر و مادرش آنستکه بدون اجازه آنها روزه اختیاری
نگیرد و الا مهمان جاهل خواهد بود وزن گناهکار و بنده
فاسق و گناهکار و اولاد عاق و در اخبار و آثار ائمه وارد شده
است کسیکه روزه واجب مقروض باشد جائز نیست روزه
اختیاری بگیرد و این را حلی و ابوالصباح از ابی عبدالله
روایت کرده اند .

داود رقی از امام ششم روایت کرده است که فرمود
هر آینه افطار در خانه برادرت فضیلتش بیشتر است از
هفتاد درجه یا نود درجه روزه گرفتن تو .

جمیل ابن دراج از امام ششم روایت کرده است

هر کس در حالیکه روزه‌دار باشد بر برادرش وارد شود و نزد او افطار کند بدون آنکه او را از روزه‌اش خبر دهد و بر او منت گذارد خداوند روزه یکسال برای او بنویسد.

مصنف این کتاب رحمه الله میگوید این بود روزه سنت و تطوع میگویم منظور ابو حامد از سنت روزه سه روز از هر ماهی است و منظور از تطوع غیر از این سه روز روزه‌های مستحبی دیگر است.

ابو حامد گفته است چون ایام فضیلت معلوم شد پس کمال در اینست که انسان معنی روزه را بفهمد و همانا مقصود از روزه صفای قلب و فراغت حاصل کردن از هموم است برای خداوند. و دانشمند بدقایق باطن باحوالش مینگرد اگر حالش اقتضا داشته باشد همیشه روزه بگیرد خواهد گرفت و اگر همیشه باید روزه بخورد خواهد خورد و اگر حالش مقتضی باشد که گاهی روزه بگیرد و گاهی بخورد چنان خواهد کرد لذا وقتیکه معنی روزه را فهمید و برایش محقق شد که در سیر طریق آخرت باید قلب را مراقبت نماید اصلاح قلب برایش مشکل نخواهد بود و این ترتیب مستمر و معینی ندارد و برای این روایت شده است که پیغمبر (ص) روزه می‌گرفت تا جائی که میگفتند هرگز افطار

نخواهد کرد و افطار می‌کرد تا حدی که می‌گفتند روزه نخواهد
گرفت و می‌خوابید تا حدی که می‌گفتند بنماز نخواهد ایستاد
و نماز می‌خواند تا جائی که می‌گفتند نخواهد خوابید و این
نحو رفتار بر حسب مقتضای عمل در اوقات مختلف بود
که بنور نبوت برایش کشف میشد . والحمد لله .

حاج اسداله ناصح - دکتر در الهیات

پایان

دُعای هنگام فرارسیدن ماه مبارک رمضان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ وَجَعَلَنَا مِنْ

حمد خدا که حمد خود را با آموخت و ما را شایسته آن

أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ

گردانید تا شکر احسان او بگذاریم و

لِيَجْزِيََنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ وَالْحَمْدُ

پادش نیکوکاران بما دهد و سپاس

لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ وَاخْتَصَنَا بِمِلَّةِهِ وَ

خدای را که دین پسندیده خویش را با آموخت و سرعت خود را مخصوص ما گردانید و

سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا بِمَنِّهِ إِلَى

به فضل خود همه راههای نیکوکاری را برای ما هموار ساخت تا سوی خوشنودی

رِضْوَانِهِ حَمْدًا بِتَقَبُّلِهِ مِنَّا وَبِرِضَا بِهِ عَنَّا

او شتابیم سپاسی که از ما بپذیرد و خوشنود گردد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ نِكَاحِ السُّبُلِ شَهْرًا

و سپاس خدای را که ماه رمضان را یکی از این راهها

شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرَ الصَّيَامِ وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ

فترت داد ماه روزه و ماه طاعت

وَ شَهْرَ الظُّهُورِ وَ شَهْرَ التَّجْبِصِ وَ شَهْرَ الْفِيَامِ

و ماه یابی و ماه آموزش و ماه شب زنده داری

الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ

است در این ماه قرآن رهنمای مردم فرود آمد بادلیمای روشن

مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَاَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى

که مسان حق و باطل جدا کند و چون خدای حرمت این ماه بیاردهست

سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ الْمَوْفُورَةِ

و فضائل آنرا آشکار ساخت برتری آنرا بر دیگر ماهها ظاهر نمود و آنرا

وَالْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي

بزرگ داشت آنچه در آن ماهها حلال است در این

غَيْرِهِ اَعْظَامًا وَحَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَالْمَشَارِبَ

ماه حرام فسه مود و خوردن و آشامیدن را با احترام او منع

اِكْرَامًا وَجَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنَنَا لَا يُحْبِرُ جَلَّ وَعَزَّ

کرد وقت آنرا معین و معلوم قرارداد که اگر کسی و نطفه ماه را

اَنْ يُفَدَّمَ قَبْلَهُ وَلَا يَقْبَلُ اَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ ثُمَّ

پیشتر انجام دهد خدای عز و جل آنرا اجازت نفرماید و اگر باز پس اندازد نپذیرد

فَضَّلَ لَيْلَةَ وَاحِدَةً مِنْ لَيْلَائِهِ عَلَى لَيْلِي

آنگاه یکشب از شبهای آنرا بر شبهای هزار ماه فضیلت

الْفِشْهِرِ وَسَمَّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ نَزَّلَ الْمَلَائِكَةُ

نهاد و آن را شب قدر نامید فرشتگان و روح

وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْذِنُ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ اَحْسَنِ سَلَامٍ

در این شب بدستور پروردگار با همه چیز فرود میآیند درود و سلام

دَائِمٌ الْبَرَكَهَةِ اِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ بَشَاءَ

است بفرزندگی بر هر یک از بندگان که بخواهد تا سپیده دم

مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ فَضَائِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

این حکم حکم اوست خدایا درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ

بر محمد و آل او فرست و بما الهام کن تا فضل او را بشناسیم و

إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ وَالتَّحْفُظَ بِمَا حَظَرْتَ فِيهِ

حرمت او نگهداریم و از آنچه بر ما حرام کرده ای پرہیز کنیم

وَاعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنِ

و ما را بر روزه آن یاری ده تا دست به معصیت

مَعَاصِيكَ وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا بَرُّضِيكَ حَتَّى

نیالائیم و ما را بھر کار که تو را خوشنود سازد بر گمار تا

لَا نُضْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَعْوٍ وَلَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا

بخان بیجوده گوش فراند،سیم و چشم سوی آنچه بکار

إِلَى لَهْوٍ وَحَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِيَنَا إِلَى مُحْظُورٍ وَلَا

نیاید بگشتائیم و دست سوی حرام فرا نبسیریم و گام

نَخَطُوا بِأَقْدَامِنَا إِلَىٰ مَحْجُورٍ وَحَتَّىٰ لَا نَبْعَىٰ

سوی کار نماشیت بر نداریم و در شکمهای ما

بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَّتْ وَلَا نَنْطِقَ السِّنِّينَا إِلَّا

جز حلال نمکجه و زبان ما بغیر دستور و رضای

بِمَا مَثَلْتَ وَلَا نَنْكَلِفُ إِلَّا مَا بَدُدُنِي مِنْ ثَوَابِكَ

تو نگرود و جز در کاری که ثواب نزدیک باشد نکوشیم

وَلَا نَتَعَاطَىٰ إِلَّا الَّذِي بَقِيَ مِنْ عِقَابِكَ ثُمَّ

و آنچه مارا از عقاب تو بگذارد دست فرابریم و باز

خَلِصُ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَائِبِينَ وَسَمِعَهُ

این اعمال مارا از خود نمائی ریاکاران و شهرت جوئی جاه طلبان

الْمُسْمِعِينَ لَا نَشْرِكُ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ وَلَا

پاک گردان تا غیر تو را در عمل خود شریک ناسازیم و

نَبْنَعِي فِيهِ مُرَادًا سِوَاكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ

مرادی غیر تو نداشته باشیم خدایا درود بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَفِينَا فِيهِ عَلَىٰ مَوَاقِبِ الصَّلَاةِ

محمد و آل او فرست و ما را در این ماه بر اوقات نمازهای پنجگانه

الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ وَفَرُوضِهَا

واقف گردان باشرائی که مقدر فرمودی و واجبات

الَّتِي فَرَضْتَ وَوَضَّائِفِهَا الَّتِي وَظَّفْتَ

و آدابیکه در نماز قرار دادی

وَأَوْقَانِهَا الَّتِي وَقَّتَ وَأَنْزَلْنَا فِيهَا

و اوقاتیکه لازم شمردی و ما را توفیق ده که

مَنْزِلَةَ الْمُصِيبِينَ مِلْنَا زِلْهَا الْخَافِظِينَ

منزلت هر کدام را درست بشناسیم و ارکان

لَا دُرُكَانِهَا الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَانِهَا عَلَىٰ مَا

آن را حفظ کنیم و هر یک را در وقت خود بدستور

سَنَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلُّوا نَكَ عَلَيْهِ

بنده و رسول تو صلواتک علیه

وَالِه فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ

و آله در رکوع و سجود و همه آداب و

فَوَاضِلِهَا عَلَى أَنْتُمْ الطَّهُورِ وَأَسْبَغِهِ وَ

زیادات بجا آیم به طهارتی هر چه تمامتر و کاملتر و

أَبْنِ الْخُشُوعِ وَأَبْلَغِهِ وَوَفِّئْنَا فِيهِ لِأَنَّ

خشوعی هر چه آشکارتر و بلیغتر و ما را توفیق ده تا

نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَاةِ وَأَزْنَعَاهَدَ

به نیکی و بخشش صلۀ رحم کنیم و باحسان

جِبْرَانَنَا بِالْأَفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ وَأَنْ

و عطا همسایگان را بنوازیم و اموال خود

نُخْلِصَ أَمْوَالَنَا مِنَ النَّبَاتِ وَأَنْ نَطَهَّرَهَا

را از حقوق مردم پاک سازیم و به بیرون کردن

بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ وَأَنْ نُزَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا

زکوة طاهر کنیم و با هر کس از ما بریده آشتی کنیم

وَأَنْ نُّصِفَ مَنْ ظَلَمْنَا وَانْ نُسَالِمَ مَنْ

و از هر کس بما ستم کرده با تقضای انصاف درگذریم و با دشمن

عَادَانَا حَاشَا مَنْ عُوِدِي فِيكَ وَلَكَ فِائَةٌ

دوست گردیم مگر دشمنیکه در راه تو و برای رضای تو

الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيهِ وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا

با او دشمنیم که با او دوست نشویم و با او دل پاک

نُصَافِيهِ وَأَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنْ

نداریم و آنقدر از اعمال پاک پیش تو

الْأَعْمَالِ الزَّائِكَةِ بِمَا نُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ

آریم که ما را از گناه پاک کند

وَنَعِصِمُنَا فِيهِ مِنْ أَسْئَاتِنَا مِنَ الْعُيُوبِ

و در آن از عیوب باز دارد

حَتَّى لَا يُوْرِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

چنانکه فرشتگان کمتر از ما طاعت آرند

الَادُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ

و موجبات قرب گذارند « یعنی بما چنان توفیق ده که از

وَأَنْوَاعِ الْفُرْبَةِ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

فرشتگان بیشتر عبادت کنیم « خدایا درخواست میکنم از تو

بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ وَبِحَقِّ مَنْ نَعْبُدُكَ فِيهِ

بحق این ماه و بحق هر که در این ماه

مِنْ ابْنِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ مِنْ مَلَكٍ

از آغاز تا انجام اطاعت تو کرد از فرشته

فَرَبِّنَهُ أَوْ نَبِيِّ أَرْسَلْتَهُ أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ

مقرب یا پیغمبر مرسل یا بنده صالح و

اخْتَصَصْتَهُ أَنْ نُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَأَهْلِنَا

برگزیده تو که درود بر محمد و خاندانش فرست و ما را

فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ

شایسته آن کرامات گردان که دوستان را نوید دادی

وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجِبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَةِ

و بر خوردار کن از آنچه برای عابدان کوشنده

فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مِّنِ اسْتِحْقَاقِ الرَّفِيعِ

در عبادت مقرر داشتی و در صف آنان قرارمان ده که

الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

برحمت تو سزاوار رتبه ارجمند گشتند خدایا درود بر محمد و آل او فرست

وَاجْنِبْنَا الْأَلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ وَالتَّقْصِيرَ

و ما را از حیرت و شکست در توحید خود دور دار و از تقصیر

فِي تَجْهِدِكَ وَالشَّكَّ فِي دِينِكَ وَالْعَمَى عَنِ

در ستایش و سرگشتگی در دین و گمراهی و

سَبِيلِكَ وَالْأَغْفَالَ بِحُرْمَتِكَ وَالْإِنْخِدَاعَ

بی مبالاتی در تعظیم خود حفظ کن تا فریب

لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

دشمن تو شیطان رجیم را بخوریم خدایا درود بر محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَإِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ

وآل او فرست و چون در هر شب از

لَيْلِي إِلَى شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْنِفُهَا عَفْوِكَ أَوْ

شبهای اینماه بندگانی بعفو تو آزاد

بِهَبِّهَا صَفْحَكَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ نِلِّكَ

میشوند و آمرزیده میگردند ما از آن

الرِّقَابِ وَاجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَ

بندگان گردان و بهترین اصحاب این ماه

أَصْحَابِ اللَّهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْمَقْ

قرار ده خدایا درود بر محمد و آل او فرست

ذُنُوبَنَا مَعَ إِحْمَاقِ هِلَالِهِ وَاسْلُخْ عَنَّا

و چون ماه به محاق رسد و ناپدید گردد گنہان ما را ناپدید گردان

نُبْعَانِنَا مَعَ انْسِلَاحِ آبَائِهِ حَتَّى يَنْفِضَى عَنَّا

و چون روزهای آن بسلخ آید ما را از معاصی بیرون آور چنانکه ماه بگذرد

وَقَدْ صَفَّيْنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ أَخْلَصْنَا

و تو ما را از گناهان پاک گردانیده و از خطاهای

فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خلاص کرده باشی خدایا درود بر محمد و آل او فرست

وَإِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدِّ لَنَا وَإِنْ زَعُنَا فِيهِ

و اگر ما در اینها منحرف شدیم تو ما را مستقیم گردان و اگر بجزا افتادیم ما را

فَقَوِّمْنَا وَإِنْ اشْتَمَلْنَا عَلَى عَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ

براه صواب دار و اگر دشمن تو شیطان نزد ما فرساز آید

فَاسْتَفِذْنَا مِنْهُ اللَّهُمَّ اشْحَنَّهُ بِعِبَادَتِنَا

ما را رهائی ده خدایا این ماه را از عبادت ما

إِبْرَائِيلَ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْ فَا نَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ وَأَعِينَا

سرشار کن و اوقات آنرا بطاعت آراسته گردان و روزها

فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ وَفِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ

ما را بروزه یاری کن و شب به نماز

وَالنَّضْرُوعِ الْبَيْتِ وَالْخُشُوعِ لَكَ وَالذِّلَّةِ لِبَيْنِ

و زاری و لابه و نیاز و خواری پیش تو اعانت

بَدَبِكَ حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ وَلَا

فرما چنانکه هیچ روزش گواه بر غفلت ما نباشد و هیچ

لَيْلَةٍ بِتَفْرِيطٍ اَللّٰهُمَّ وَاَجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُوِّ

شبش شاهد تقصیر ما نگردد حذایا ما را در سایر ماهها

وَالْاَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْنَا وَاَجْعَلْنَا مِنْ

و روزها تا عمر داریم بدین کارها موفق دار و ما را از

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ

بندگان شایسته خود گردان که بهشت برین را میراث میبرند

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا اَنْوَادُوا

و جاویدان در آن باشند و از آنجا که هر چه بتوانند در راه خدا میدهند

فُلُوْبِهِمْ وَجِلَّةُ اَتْنَهُمُ اِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

و دلهاشان ترسان است که سوی خدا باز میگردند

وَمِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ

و از آنها که در نیکیها مشتابند و بدان

لَهَا سَابِقُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي

پیشی میگیرند خدایا درود بر محمد و آل او فرست در

كُلِّ وَفْتٍ وَكُلِّ آوَانٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ عَدَدًا

هر هنگام و هر وقت و بر هر حال و بمهر اندازه که

صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهِ

بردیگران فرستادی و چندین برابر آن

بِالْأَضْعَافِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا

چندانکه غیر تو احصا نتواند

غَبْرُكَ إِنَّكَ فَعَالٌ

کرد « إِنَّكَ فَعَالٌ »

لِمَا تُرِيدُ

لِمَا تُرِيدُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دُعایِ روزهای ماه مبارک رمضان

از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت رسول^{صلی الله علیه و آله} فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرمود و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار از برای آن دعا ذکر کرده و ما باصل دعا کتفا مینمایم :

رُزَاوَل : اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ

خدایا روزه مرا در این روز مانند روزه روزه داران حقیقی «که مقبول

الصَّائِمِينَ وَفِيَّامِي فِيهِ فَيَامَ الْقَائِمِينَ وَ

تست» قرار ده و اقامه نمازم را مانند نماز گذاران واقعی مقرر فرما و مرا از خواب

نَبِّهْنِي فِيهِ عَن نَّوْمِهِ الْغَافِلِينَ وَهَبْ لِي

غافلان «از یاد تو» هوشیار و بیدار ساز و هم در این روز

جُرْمِي فِيهِ بِاللَّهِ الْعَالَمِينَ وَاعْفُ عَنِّي يَا

جرم و گناه هم را بخش ای خدای عالمیان و از رشتیهایم عفو فرما ای

عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ .

عفوکننده از گناهکاران عالم .

رُزْدَوْمُ: اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَىٰ مَرْضَائِكَ

خدایا مرا در این روز برضا و خوشنودیت نزدیک ساز

وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ وَوَفِّقْنِي

و از خشم و غضبت دور ساز و برای قرائت

فِيهِ لِقِرَائَتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

قرآنت موفق گردان بحق رحمت ای مهربانترین مهربانان عالم

رُوزَيْمُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذِّهْنَ وَ

خدایا در این روز مرا هوش و بیداری «در کارطاعت»

النَّبِيَّةَ وَبَاعِدْ فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ

نصیب فرما و از سفاهت و جهالت و کارهای باطل دور گردان

وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَزَلَ فِيهِ

وازمهر چیزی که در این روز نازل میفرمائی مرا نصیب بخش

بِجُودِكَ يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ .

سحق جود و کرمت ای جود و بخشش دارترین عالم .

رُوزِ چَهَارم : اَللّٰهُمَّ قُوْنِيْ فِيْهِ عَلٰى اِقَامَةِ

خدایا مرا در این روز برای اقامه و انجام فرمانت

اَمْرِكَ وَاذِقْنِيْ فِيْهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَاوْرِيْ عَيْنِيْ

قوت بخش و حلاوت و شیرینی ذکرت را بمن . پشمان و برای ادای

فِيْهِ لِادَاءِ شُكْرِكَ وَاَحْفَظْنِيْ فِيْهِ بِحِفْظِكَ

شکر خود بکرمت مهیا ساز و در این روز بحفظ و پرده پوشی مرا

وَسَتْرِكَ يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ .

ازگناه محفوظ دار ای بصیرترین بنیایان عالم .

رُوزِ نَخْبِم : اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنْ

خدایا مرا در این روز از توبه و استغفار کنندگان

الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ

تزارده و ازبندگان صالح مطیع

الصَّالِحِينَ الْقَانِئِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

خود مقتر فنا و هم در این روز مرا از

أَوْلِيَاءِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

دوستان مقرب درگاه خود قراده بحق لطف و رأفت ای مهربانترین مهربانان عالم

اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِي

ای خداما در این روز بواسطه ارتکاب عصیانت

مَعْصِيَتِكَ وَلَا تُضْرِبْنِي بِسِبْاطِ نَفْسِكَ وَ

خوار ساز و بضر تازیانه قدرت کیفر کن و از

زَحْرِحْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَ

موجبات خشم و غضبت دور گردان بحق احسان و

أَبَادِيكَ بِأَمْنَتِهِمْ رَغْبَةَ الرَّاحِبِينَ .

نعمت ای «بیشمار» تو بخلق ای منتهای آرزوی مشتاقان . ۷۸

رُوزِ هَفْتَمِ : اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ فِيْهِ عَلٰى صِيَامِهِ

ای خدا مرا در این روز بر روزه و اقامه نماز

وَفِيَّامِهِ وَجَنِّبْنِيْ فِيْهِ مِنْ هَفْوَانِهِ وَاثَامِهِ

یاری کن و از لغزشها و گناهان دور ساز

اِرْزُقْنِيْ فِيْهِ ذِكْرَكَ بَدَاوَامِهِ بِتَوْفِيْقِكَ

و ذکر دائم « که تمام روز بید تو باشم » نصیبم فرما بحق توفیق بخشی خود

بَاهَادِي الْمُضْلِيْنَ .

ای رهنمای گمراهان عالم .

رُوزِ هَشْتَمِ : اَللّٰهُمَّ اِرْزُقْنِيْ فِيْهِ رَحْمَةً

ای خدا در این روز مرا ترحم

الْاَيْتَامِ وَاِطْعَامَ الطَّعَامِ وَاِفْشَاءَ السَّلَامِ

به یتیمان و اطعام به گرسنگان و افشاء و انتشار سلام در مسلمانان

وَصُحْبَةَ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ يَا مَلْجَأَ الْاَمْلِيْنَ .

و مصاحبت نیکان نصیب فرما بحق انعامت ای پناه آرزو مندان عالم .

رُوزِهِمْ : اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا

ای خدا مرا نصیبی «کال» از

مِنْ زَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَاهْدِنِي فِيهِ

رحمت واسعه خود عطا فرما و باده و براهین روشن

لِبِرَّاهِنِكَ السَّاطِعَةِ وَخُذْ بِنَاصِيئِنَا إِلَى

خود هدایت فرما و پیشانی مرا بگیر و بسوی رضا و خوشنودی

مَرْضَانِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ بِأَمَلِ الْمُشْتَاكِ

که جامع هر «نعمت» است سوق ده بحق دوستی و محبت ای آرزوی مشتاقان.

رُوزِهِمْ : اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

ای خدا مرا در این روز از آنانکه «در تمام امور»

الْمُنَوِّكِلِينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

بر تو توکل کنند و نزد تو فوز و سعادت

الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

یابند و از مقربان درگاه تو باشند

المُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ بِإِحْسَانِكَ بِأُغَابَةِ الطَّالِبِينَ

تسارده بحق احسانت ای فتهای آرزوی طالبان .

رُوزِ يَزْدَهُمْ : اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ

ای خدا در این روز احسان و نیکویی را محبوب من

وَكِرْهُ إِلَى فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَحَرِّمُ

و فسق و معاصی را ناپسند من و تسارده و در این روز

عَلَى فِيهِ السَّخَطَ وَالنِّيرَانَ بِعَوْنِكَ يَا

خشم و آتش تهرت را بر من حرام گردان بسیار می خود ای

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ .

فریادرس فریادخواهان .

رُوزِ دَوَاذَهُمْ : اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسَّيْرِ وَ

ای خدا در این روز مرا بزیرستر و عفت

الْعِفَافِ وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلباسِ الْفُتُوحِ وَ

نفس بیارای و بجامه قناعت و کفاف پوشان و

الْكَفَافِ وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ

و بکار عدل و انصاف مدار و

وَإِمْنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ بِعِصْمَتِكَ

از همه چه ترسانم مرا این ساز بگمبانی خود

بِاعِصْمَةِ الْخَائِفِينَ .

ای نگهدار و همت بخش خدا ترسان عالم «که انبیاء و اولیاء الله اند» .

رُوزِيزِدْهُمُ : اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِيْ فِيْهِ مِنَ الدَّنَسِ

ای خدا در این روز مرا از پلیدگی و کثافات «هوائی

وَالْأَفْذَارِ وَصَبِّرْنِيْ فِيْهِ عَلَى كَأَثَابِ

نفس و گناهان» پاک ساز و بر حوادث خیر و شر قضا و قدرت صبر تحمل

الْأَقْدَارِ وَوَفِّقْنِيْ فِيْهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ

عطا کن و بر تقوی و پرهیزکاری و مصاحبت نیکوکاران عالم

بِعَوْنِكَ بِأُفْرَةٍ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ .

موفق دار بسیاری خود ای مایه شادی و اطمینان خاطر مسکینان .

رُوزِ چِهَارِ دِهْمِ : اَللّٰهُمَّ لَا تُؤَاخِذْ نِي فِيْهِ

ای خدا در این مرا بلغزتهایم

بِالْعَثْرَاتِ وَ اَفْلِنِيْ فِيْهِ مِنْ اَلْخَطَايَا وَ اَلْهَفْوَا

مؤاخذة مفرما و عذر خط و خطایم بپذیر

وَ لَا تَجْعَلْنِيْ فِيْهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَ الْاَفَاتِ

و مرا هدف تیر و آفت های عالم قرار ده

بِعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِيْنَ .

بسحق عزت و جلالت ای عزت بخش اهل اسلام .

رُوزِ يَانِزْدِهِمْ : اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ فِيْهِ طَاعَةَ

ای خدا در این روز طاعت بندگان خاشع و خاضع

الْخَاشِعِيْنَ وَ اَشْرَحْ فِيْهِ صَدْرِيْ بِاِنَابَةِ

نصیب من کردن و شرح صدر مردان فروتن خدا ترس را بمن

الْمُحِبِّيْنَ يَا اَمَانَكَ يَا اَمَانَ الْخَائِفِيْنَ .

عطا فرما بسحق امان بخشی خود ای ایمنی دلهای ترسان . ۱۳۰

رُوزِ شَانِزْدَهَم: اَللّٰهُمَّ وَفِّئْنِي فِيهِ لِمَا اَفْتَدِ

ای خدا در این روز مرا بر موافقت «اعمال بخار»

اَلْاَبْرَارِ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مُرَافَقَةَ الْاَشْرَارِ وَ

نیکان عالم موافق بدار و از رفاقت اشرار جھان دور گردان و

اَوْبِنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ اِلَى دَارِ الْفَرَارِ بِالْهَيْبَتِكَ

ما در بهشت دارالعتبار برحمت منزل ده بحق الهیت و معبودیت

بِاِلٰهِ الْعَالَمِيْنَ .

ای خدای عالمیان .

رُوزِ هَفْدَهَم: اَللّٰهُمَّ اِهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ

ای خدا در این روز مرا باعمال صالحه

الْاَعْمَالِ وَاقْضِ لِي فِيهِ الْحَوَائِجَ وَالْاُمَالَ

راهنمایی کن و حاجت من و آرزوئیم را بر آورده ساز

بِاَمْنٍ لَا يَحْتَاجُ اِلَى النَّفْسِ وَالسُّؤَالِ بِاَعْلَامِ

ای کسیکه نیازمند بشرح و سؤال بندگان نیستی ای خدایک

بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ

«ناگفته بجاجات» بهر اثر حلق آگاهی درود فرست بر محمد

وَالِإِلَهِ الطَّاهِرِينَ .

وآل اطهار او .

رُوزِ سَیِّدِهِمُ : اَللّٰهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِهِ

ای خدا مرا در این روز برای برکات سحر

اَسْحَارِهِ وَتَوَرُّفِهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ اَنْوَارِهِ

بیدار و متنبه ساز و دلم را بروشنی انوار سحر منور گردان

وَخُذْ بِكُلِّ اَعْضَاءٍ اِلَى اِتِّبَاعِ اَشَارِهِ

وتمام اعضاء «وجوارحم» را برای آثار و برکات این روز مسخر فرما

بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ .

سحق نور «جمال» خود ای روشنی بخش دل‌های عارفان .

رُوزِ نُوْزِ دِهِمُ : اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ

ای خدا در این روز بهره مرا از برکاتش

بَرَكَاتِهِ وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ وَلَا

وافرگردان و بسوی خیراتش راهم راسل و آسان ساز

تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ بِأَهَادِيْبًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ

حسنت مقبول آن مرا محروم ساز ای راهنمای بسوی دین حق «و تحقیقت آشکار»

رُوزِ بَيْتِمْ: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ

ای خدا در این روز بروی من درهای بهشتها را بگشا

وَاعْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّيرانِ وَوَفِّقْنِي

و درهای آتش دوزخ به بند و مرا توفیق

فِيهِ لِنِلاوَةِ الْقُرْآنِ بِأَمْثَرِ السَّكِينَةِ

تلاوت قرآن عطا فرما ای فرود آورنده وقار و سکینه

فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ .

بر دلهای اهل ایمان .

رُوزِ بَيْتِمْ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى

ای خدا در این روز مرا بسوی رضا و خوشنودی

مَرْضَانِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ

خود راه‌نمائی کن و شیطان را بر من مسلط

عَلَى سَبِيلًا وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنزِلًا وَ

مگردان و بهشت را منزل و مقام

مُفِيدًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ .

قرارداده ای برآورنده حاجات طالبان « معرفت و شفا فان حق تحقیقت »

رُوزِيَّتِ وِدْوَمٍ : اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ فِيْهِ اَبْوَابَ

ای خدا در این روز برآمن در دهی فضل و

فَضْلِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ فِيْهِ بَرَكَاتِكَ وَوَفِّقْنِي

کرمت بگشا و بر من برکاتت را نازل فرما و بر موجبات

فِيْهِ لِمَوْجِبَاتِ مَرْضَانِكَ وَاَسْكِنِيْ فِيْهِ

رضا و خوشنودیت موقتیم بدار و در وسط بهشتی

بِمُجْرَاهِ جَنَّاتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

مرا مکن ده ای اجابت کننده دعای پریشانان

رُوزِ بَيْتِ وَسْمٍ : اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِيْ فِيْهِ مِنْ

ای خدا در این روز مرا از گناهان

الذُّنُوْبِ وَطَهِّرْ فِيْهِ مِنَ الْعُيُوْبِ وَامْحِمْ

پاکیزه گردان و از هر عیب و نقص پاک ساز و دلم را در

قَلْبِيْ فِيْهِ بِتَقْوَى الْقُلُوْبِ بِاَمْرِ عَشْرَانَ الْمُدُنِيَّةِ

آزمایش رتبه دل‌های اهل تقوی بخش ای پذیرنده عذر لغزشهای گناهکاران .

رُوزِ بَيْتِ وَچهارم : اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ فِيْهِ مَا

ای خدا در این روز از تو درخواست میکنم آنچه را

بِرُضِيْكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِمَّا بُوْذِيْكَ وَاَسْئَلُكَ

که رضای تو در او است و بتو پناه میبرم از آنچه تو را ناپسند است و از تو توفیق

النَّوْفِيْنَ فِيْهِ لِاَنَّ اطْبَعَكَ وَاَعَصِيْكَ يَا

میخواهم که در این روز همه را بفرمان تو باشم و هیچ نافرمانی نکنم اے

جَوَادَ السَّائِلِيْنَ .

جود و عطا بخش سؤال کنندگان .

روزبیت پنجم: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ حُبًّا لِأَوْلِيَائِكَ

ای خدا مرا در این روز محبت دوستان

وَمُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَنَابِسَةً خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ

وعدوی دشمنان قرارده ودر راه وروش بطریقه سنت خاتم پیغمبران

يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ .

ای عصمت بخش دل‌های پیغمبران .

روزبیت ششم: اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا

ای خدا در این روز سعی مرا در راه «طاعت» بپذیر

وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَ

«جزای خیر عطا فرما» وگناه مرا در این روز بخش و عمل مرا مقبول و

عَمَلِي فِيهِ مَسْنُورًا يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ .

عیبم را مستور گردان ای بهترین شنوای صدای خلق .

رُوزْبَيْتُ سَبْتُمْ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلًا

ای خدا در این روز فضیلت

لَبَلَاءُ الْقَدْرِ وَصَبْرٌ فِيهِ أُمُورٌ مِنَ الْعُسْرِ

لیلة القدر را نصیب من گردان و تمام امور و کارهای مشکل مرا

إِلَى الْبُسْرِ وَاقْبَلْ مَعَاذِ بَرِيٍّ وَحُطَّ عَنِّي لِدَنْبِ

آسان گردان و عذر بپذیرم و وزر و گناه هم محو و

وَالْوِزْرَ بَارِدًا وَفَأَبْعَادِهِ الصَّالِحِينَ .

نا بود ساز ای رؤف و مهربان در حق صالحان .

رُوزِيَّتِمْ وَهَيْتُمْ : اَللّٰهُمَّ وَفَرِحَظِي فِيهِ مِنْ

ای خدا در این روز با اعمال نافله و مستجابات مرا

النَّوْافِلِ وَ اَكْرَمَنِي فِيهِ بِاِحْضَارِ الْمَسْأَلِ وَ

بهره و افرح عطا فرما و بجا حاضر و آماده ساختن مسأل « یعنی اموری که مسؤل آنم در دنیا و عقبی » در حقم

قَرَّبَ فِيهِ وَ سَيَّلَنِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ

کرم فرما و وسیله مرا بین و سائل و اسباب بسوی حضرتت نزدیک ساز

بِأَمْنٍ لَا يَشْغَلُهُ الْحَاحُ الْمَلْحِينُ .

ای خدا ای که سماجت و الحاح بندگان ترا « از کار لطف وجود و بخشش » باز نخواهد داشت .

رُوزِيَتْ نَهْمٌ : اَللّٰهُمَّ غَشِيْنِيْ فِيْهِ بِالرَّحْمَةِ

ای خدا در این روز مرا «سراپا» برحمت خود درپوشان

وَارْزُقْنِيْ فِيْهِ التَّوْفِيْقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ

وهم توفیق و حفظ از گناهان روزی فرما و دلم را

قَلْبِيْ مِنْ غِبَاهِيْبِ الْاَلْمَةِ بِارْحَمًا بِعِبَادِيْ الْمُؤْمِنِيْنَ

از تاریکیهای شکوک و اوهام باطل پاک دار ای خدای مهربان بر اهل ایمان

: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِيْ فِيْهِ

ای خدا در این روز روزه مرا با جزای حسود

بِالشُّكْرِ وَالْقَبُوْلِ عَلٰی مَا رَضَاهُ وَبِرُضَاةِ

مقبول حضرتت قرارده که پسند حضرتت و پسند رسولت

الرَّسُوْلِ مُحْكَمَةً فُرُوْعُهُ بِالْاَصُوْلِ بِحَقِّ

گردد و فروع آنرا بواسطه اصول آن «که ایمان و توجه بتواست» محکم اساس

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاِلٰهِ الظَّاهِرِيْنَ وَ

گردان بحق سید ما حضرت محمد و آل اطهارش

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

ستایش خدای را که پروردگار عالمیان است .

دُعای بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ أَنْتَ

ای خدای بلند مقام ای بزرگوار ای آمرزنده ای مهربان توئی

الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَيْثَلُهُ شَيْءٌ وَهُوَ

خدای بزرگ که هیچ شس و مانندی ندارد و بگفتار و

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَهَذَا شَهْرُ عَظَمَتِهِ وَكَرَمَتِهِ

کردار خلق شنوا و بینا است و این ماه است که مقامش عظیم کردمی و کرامت

وَشَرَفَتِهِ وَفَضْلَتِهِ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ

و شرافت و فضیلتش بر سایر ماهها دادمی و این ماه است

الَّذِي فَرَضَتْ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ

که روزه اش بر من واجب گردانیدی و این ماه رمضان است

الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ

که در آن قرآن را نازل فرمودی برای راهنمایی مردم و

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ

روشن کردن راه هدایت و جدا نمودن حق از باطل و شب قدر را در این

لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَبْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

ماه مقرر داشتی که آن شب را بر هزار ماه برتری دادی

فَبِأَذْمِنَ وَلَا يُمْنُ عَلَيْكَ مِنْ عَلَيَّ بِفِكَالِ

پس اینقدر اینکه بر همه منت داری و هیچکس بر تو منت ندارد بر من منت گذار در میان

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فِيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَأَدْخِلْنِي

آن همه بندگانت که منت گذارده امی و از آتش دوزخ نجات بخش و به بهشت ابدت

الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

داخل گردان بحق رحمت بی پایانت ای مهربانترین مهربانان عالم

روایت کرده اند که هر که این دعا بخواند در هر شب ماه رمضان
گناهان چهل سال او آفریده شود :

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ

ای خدا ای رب ماه رمضان که در این ماه قرآن

فِيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ فِيهِ الصَّيَّامَ صَلِّ

را نازل کردی و بر بندگانت روزه را واجب فرمودی درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ

بر محمد و آل محمد و مرا حج بیت الحرامت

الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ اغْفِرْ

را در این سال و در همه سال نصیب گردان و آن

لِي نِيْلِكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا

گناهان بزرگ مرا بیامرز که آن گناهان را

غَيْرُكَ يَا رَحْمَنُ يَا عَلَّامُ .

جز تو کسی ای خدای بخشنده و دانا نمی آفرزد .

دُعای افتتاح

که خواندن آن در هر شب از ماه رمضان ثواب بسیار دارد
اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الشَّأْنَ بِمَجْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ

ای خدا من افتتاح ستایش را بجد تو میکنم و تو توفیق میدهی

لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ وَأَبْقَيْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ

برای صواب ببخش خود و یقین دارم که تو

الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ

مهربانان در جای عفو و گذشت و سخت ترین

الْمُعَافِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنِّقْمَةِ وَأَعْظَمُ

کیفر دهنده گانی در مقام گوشمالی و سرکوبی و بزرگترین

الْمُجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَّةِ

جبارانی در جای بزرگی و کبر یابی

اللَّهُمَّ آذِنْتُ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ

ای خدا تو بمن اجازه داده ای که بدرگاهت دعایم و حاجت طلبم

فَاسْمَعْ بِاسْمِيعٍ مِدْحَتِي وَاجِبْ بِأَرْحَمِ دَعْوَتِي

پس ای خدای شنو پاس مرا بپذیر و دعایم را اجابت فرما

وَافِلْ بِأَغْفُورٍ عَثْرَتِي فَكَمْ بِاللَّهِ مِنْ

و از لغزشم بگرمت درگذر که چه بسیار تو غصه و

كُوبَةٍ فَدَفَرَجَتْهَا وَهُومٌ فَدَكَشَفَتْهَا وَ

اندوهها را برطرف کرده ای و همت و غمها را نائل ساخته ای و

عَثْرَةٌ فَدَأْفَلَتْهَا وَرَحْمَةٌ فَدَنْشَرْتَهَا وَ

لغزشها را بخشیده ای و رحمت بیشتر بر خلق نموده ای و

حَلْفَةٌ بِلَاءٍ فَدَفَكَّكُنْهَا أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

رنجیرهای بلا را درهم گسته ای ستایش خدای که

لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وِلْدًا وَلَا يَكُنْ لَهُ

جفت و فرزندمی نگرفته و او را در ملک

شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ وَلَا يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنْ

وجود شریکی نیست و قدرت کاملش بی نیاز از یار و

الذُّلِّ وَكِبَرُهُ تَكْبِيرًا أَلْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ

مدد کار است و بزرگترین تکبیر و ستایش را سزاوار است ستایش خدای راست به جمع

مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا أَلْحَمْدُ

اوصاف کمالیه اش بر تمام نعمت های بی شمارش ستایش

لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا

خدای راست که در ملکش هیچ ضد و مخالفی ندارد و در امر

مُنَازَعٍ لَهُ فِي أَمْرِهِ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا

و فرمایش خصمی کشمکش نتواند ستایش خدای راست که در

شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْفِهِ وَلَا شَيْبَةً «سَيْبَةً» لَهُ

آفرینش او را شریک نباشد و در بزرگی و بزرگواری او را

فِي عَظَمَتِهِ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ

ماند نیست ستایش خدای راست که امرش در خلق

أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرُ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ

ناقد و اوصافش آشکار و مجد و بزرگواریش بطرف و کرمش پدیدار است

الْبَاسِطُ بِالْجُودِ بَدَهُ الَّذِي لَا تَنْقُصُ

و دست عایش سجود و بخشش بر خلق گشاده و گنجینه های رحمتش نقصان

خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا

نپزیرد و کثرت عطا و بخشش جز بر جود و کرامتش

وَ كَرَمًا إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ

نیفزاید که او بسیار با عزت و اقدار و بخشش است بار خدا یا

إِنِّي أَسْأَلُكَ فَلْيَلَا مِن كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي

از تو درخواست میکنم اندکی از بسیار حاجتم را با آنکه بآن

إِلَيْهِ عَظِيمَةٌ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ

سخت حاجتمندم و تو از آن حاجت از ازل بی نیاز بودی و همان

عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ بِسِيرٍ

قلیل حاجت نزد من بسیار است و برای تو سهل و آسان

اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَن ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ عَن

ای خدا آمرزشش تو از گناهم و گذشتت از

خَطِيئَتِي وَصَفَحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسِئْرَكَ عَلَيَّ

خطایم و بخشش از ظلمم و پرده پوشیت بر

قَبِيحِ عَمَلِي وَحِلْمِكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَكَ

عمل زشتم و حلم و بردباریت بر گناه بسیارم که

مَا كَانَ مِنْ خَطَايَ وَعَمْدِي أَطْعَمَنِي فِي

بعد یا خطا کردم مرا بطعم انداخت که از تو

أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِي

درخواست کنم چیزی را که استحقاق آنرا ندارم و تو بظرف

رِزْقَتِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَارْبَتِي مِنْ قُدْرَتِكَ

و رحمت روزیم گردانیدی و قدرت را در آن بمن نشان دادی

وَعَرَّفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ أَدْعُوكَ

و اجابت را شناساندمی تا بادل مطمئن تو را در بخوانم

أَمِنًا وَأَسْأَلَكَ مُسْتَأْنِسًا لِاخْتِافِئَا وَلَا

و با افسوس و رغبت و بی ترس و مهابت از تو حاجت بطلبم

وَجِلًّا مُدًّا لَا عَلَبَكَ فِيمَا فَصَدْتُ فِيهِ بِدَعِ

و باناز و دلال بر تو آنچه میخواستم تقاضا

إِلَيْكَ فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي «عَلَيْ» عَنَيْتُ بِجَهْلِي

کردم و اگر دیر حاجتم را بر آوردی از نادانی بر تو عتاب

عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي

کردم در صورتیکه تاخیر حاجتم مرا بهتر بوده

لِعَلِّكَ بِعَافِيَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرِ مَوْلًا «مُؤَمَّلًا»

چون تو دانا بعاقبت امور خلقی «میدانستی که مرا این حاجت تاخیرش بهتر است» پس من هیچ

كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَى عَبْدِ لَيْمٍ مِنْكَ عَلَى بَا

مولای کریمی را بر بنده لیمی صبورتر از تو بر خود ندیدم ای

رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأُوَلِّي عَنكَ وَتَتَخَبَّبُ

پروردگار من تو مرا دعوت میکنی من از تو روی میگردانم تو محبت افزون

إِلَيَّ فَأَتْبَعُضُ إِلَيْكَ وَتُوَدِّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ

میسازی و من با تو بخشم در میآیم و با من دوستی و شفقت میفرمائی و من نمیپذیرم

مِنْكَ كَانَ لِيَ الطَّوْلُ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعَكَ

که گویا مرا بر تو حتی نعمت و منت است و این ناپاسی مانع

ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَ

از افاضه رحمت و احسانت بر من نشده و از

التَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَأَرْحَمُ عَبْدَكَ

فضل و وجود و کرمت نکانت پس بحال این بنده

الْجَاهِلِ وَجَدُّ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ

نادانترحم کن و بفضل و احسانت بر او بخش که تو بسیار

جَوَادُ كَرِيمٍ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي

با بخشش و کرمی ستایش مخصوص خداست که مالک ملک و وجود و روان ساز

الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الرِّيحِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ دَبَّانِ

کشتیهای عالم و مسخرکننده باد و پدیدارنده صبحگاهان از شب حکمفرمای

الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حَلِيهِ

روز جزا و پروردگار عالمیان ستایش خدا را بر جسم او

بَعْدَ عَلَيْهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ عَفْوِهِ بَعْدَ

پس از عفو او و ستایش خدا را بر عفو او پس از

قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ طَوْلِ أَنَانِهِ فِي

قدرتش و ستایش خدا را بر حیلم و بردباری طولانی او در

غَضَبِهِ وَهُوَ فَادِرٌ عَلَىٰ مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ

مقام غضبش در صورتیکه بر هر چه خواهد تواناست ستایش مخصوص خدایت

خَالِقِ الْخَلْقِ بِاسِطِ الرِّزْقِ فَالِقِ

که آفریننده خلق و کسراننده خوان روزی بر خلق و پدید آورنده

الْإِصْبَاحِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ

صبحگاهان و صاحب جلال و کرم و فضل

«الْفَضْلِ» وَالْإِنْعَامِ «الْإِحْسَانِ» الَّذِي بَعْدَ

و انعام و احسان آن خدا نیکه از نظر دور است

فَلَا يُرَىٰ وَفَرُبَّ فَشْهِدَ الْجَمُوعِ نَبَارَكَ

و دیده نمیشود و بهمه نزدیک است ناظر رازهای پنهان است او است بزرگوار

وَتَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعُ بُعَادِلُهُ

و بلند مرتبه ستایش مخصوص خدائی است که نه کسی مقابلش بخصوصت برنیزد

وَلَا شَيْبَهُ بِشَاكِلِهِ وَلَا ظَهْرٌ بُعَاضِدُهُ

و نه شبیهی که مانندش باشد و نه معینى که مددکار او شود

فَهَرَّ بِعِزَّتِهِ الْأَعْرَاءُ وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُطَّاءُ

عزیزان در مقابل عزتش همه مقهور و بزرگان همه در پیشگاه عظمتش فروتن و خاضعند

فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا بَشَاءُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

و قدرت کاملش بر هر چه خواهد رساست ستایش خدا را که چون

يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ وَبَسْرٌ عَلَى كُلِّ

اورا ندا کنم جواب دهد و هر عیب و نقص را بر من

عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ وَبُعْظُمُ النِّعْمَةِ عَلَى

پوشاند در حالیکه مرا کتب معصیت او هستم و مرا نعمت بزرگ می بخشد

فَلَا أُجَازِيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ

و شکرش نمیگذارم پس چه بسیار موهبت و بخشش گرانبها

قَدْ أَعْطَانِي وَعَظِيمَةً خَوْفَةً قَدْ كَفَانِي وَ

مرا عطا کرد و چه امور هولناک سخت را از من دفع کرد و

بِهَجَّةٍ مُؤْنِفَةٍ فَنَدَارَانِي فَاتَّبَنِي عَلَيْهِ

شادمانیهای شگفت انگیز را نمودارم ساخت پس من هم او را بستایش

حَامِدًا وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

شنا گویم و بپایکی از هر عیب یاد کنم ستایش فحقیق خدائی است که

لَا يُهْنَكُ جِجَابُهُ وَلَا يُغْلِقُ بَابَهُ وَلَا يُرَدُّ

پرده که او نهد کس نبرد و درمی که او بگشاید کس نبندد کسی که از او درخوبت

سَأَلُهُ وَلَا يُخَيِّبُ أَمَلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

کند مردود نشود و هر که با او چشم امید دارد محروم نخواهد گشت ستایش خدای را که

بُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَبُنِي الصَّالِحِينَ وَبَرَّفَعُ

ترسانگان را ایمنی بخشد و صالحان را نجات دهد و ضعیفان را

الْمُسْتَضْعَفِينَ وَبَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ

بلند گرداند و گردنکشان را خوار سازد

وَبُهْلِكَ مُلُوكًا وَبَسُخْلِفُ أَخْرِبَتَ وَ

و پادشاهان را هلاک سازد و دیگران را بجای آنان می نشاند و

أُحْمَدُ لِلَّهِ فَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّالِمِينَ

ستایش خدای را که درهم شکننده سرکشان و هلاک کننده ستمکاران است

مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ نَكَالِ الظَّالِمِينَ

و دریا بنده گریزندگان و بکیفر رساننده ظالمان

صَرِيحِ الْمُنْصَرِحِينَ مَوْضِعِ حَاجَاتِ الظَّالِمِينَ

فریاد رس خواهان است و مرجع حاجت نیازمندان

مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ

و محل اعتماد اهل ایمان ستایش خدای را که آسمان و

خَشَبَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا وَرَجْفُ

ساکنانش از ترس او می نالند و زمین و

الْأَرْضُ وَعُمَّارُهَا وَتَمُوجُ الْبِحَارِ وَمَنْ يَسْبَحُ

ابش بر خود می لرزند و دریاهای و هر که در اعماق آنها شناور

«بِسْمِ اللَّهِ» فِي غَمَرَانِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا

است جوشان و خروشانند ستایش خدای را که ما را باین «دین توحید»

لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا

هدایت کرد و اگر ما را خدا راهنمائی نمیکرد ما خودمان هدایت

اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَخَلِقُ وَلَمْ يَخْلُقْ

نیایا قیّم ستایش مخصوص خداست که خلق میکند و کسی او را خلق نکرده

وَبَرَزُقُ وَلَا يُرْزَقُ وَبُطِعِمُ وَلَا يُطْعَمُ

و همه را روزی میدهد و خود روزی نمیخواهد و طعام میخوراند و خود از طعام مستغنی است

وَيُتَبِّئُ الْأَحْيَاءَ وَيُجَبِّي الْمَوْتَى وَهُوَ حَيٌّ

و زنده ما را میسیراند و مرده ما را زنده میسازد و خود زنده ابدی

لَا يَمُوتُ بِبَدِيهِ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

است و هر خیر و نیکی بدست قدرت اوست و او بر هر چیز

قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ

تواناست خدایا درود فرست بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و

رَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيكَ وَحَبِيبِكَ وَ

رسول و امین و حیت و برگزیده و حبیب و

خَبْرَتِكَ مِنْ خَلْفِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَ مُبَلِّغِ

مخبرتو از خلقت و حافظ سرتو و رساننده

رِسَالَتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ

رسالت بخلق بر او فرست درودی افزونتر و خوشر و نیکوتر و کاملتر

وَأَذْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَ

وخالصتر و نامی و موثرتر و خوشتر و پاک و پاکیزه تر و بلند مرتبه تر و

أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ

درودی بیش از آنچه درود و برکت و رحمت و تهنیت

وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ

و تحیت فرستادی بر هر یک از بندگان خاصت و پیغمبران

وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ

و رسولانت و خاصان اهل کرامت و عزت

عَلَيْكَ مِنْ خَلْفِكَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ

از میان خلق خدایا درود فرست بر

عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ

علی ۴ پیشوای اهل ایمان و وصی پیغمبر خدای

الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ

جهان بنده خاص ولی و دوستدار تو و برادر رسولت

وَجُجَّيْنِكَ عَلَيَّ خَلْفِكَ وَأَبْنِكَ الْكَبْرَى

و حجت تو بر خلق تو و آیت و نشانه بزرگت

وَالنَّبَأِ الْعَظِيمِ وَصَلِّ عَلَيَّ الصِّدِّيقَةِ

و خبر باشان و عظمت و درود فرست بر صدیقۀ

الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

طاهره حضرت فاطمه سیده زنان عالم و هم

وَصَلِّ عَلَيَّ سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَإِمَامِي الْهُدَى

درود فرست بر دوسبط پیغمبر رحمت و دو پیشوای هدایت

الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ

حضرت حسن و حسین دو سید جوانان اهل

الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ

بهشت و هم درود فرست بر امامان و پیشوایان مسلمانان حضرت علی بن

الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ

الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و

مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ

موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی

عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْخَلْفِ

القی و علی بن محمد القتی و حسن بن علی العسکری و خلف او

الْهَادِي الْمَهْدِيِّ جُجَّكَ عَلَى عِبَارِكَ وَ

امام هادی و مهدی اینها حجت های تو بر بندگان تو هستند و

أَمْنًا لَكَ فِي بِلَادِكَ صَلَوَةٌ كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ

امین های تو در شهر و دیار عالم درود بسیار و دائم بر آنان فرست

اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَيَّ وَوَالِيَّ وَأُمَّةً مِثْلِي وَأُمَّةً مِثْلِي

خدا یا درود فرست بروی خود صاحب الامر امام قائم

وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحُفَّةِ بَمَلَائِكِكَ الْمُقْرَبِينَ

منتظر و او را بسپاه فرشتگان مقربت فراگیر

وَأَبْدُهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ بِأَرْبَتِ الْعَالَمِينَ

و بروح القدس مؤید مدار امی پروردگار عالم

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ

خدا یا او را مقرر فرما تا دعوت بکتاب آسمانی تو کند و به ترویج

بِدِينِكَ اسْتَخْلِفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ

دین تو قیام فرماید و او را خلیفه خود در زمین گردان چنانکه پیشینان

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ

او را امام و خلیفه گردانیدی و او را تمکن ده برای حفظ دین او که پسند تو است

لَهُ أَبَدًا لَهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا بِعَبْدِكَ لَا

و خوف او را پس از این مدت بدل با منی گردان تا ترا بپرستد و بیج

بُشْرِكُ بِكَ شَيْبًا اللَّهُمَّ اَعِزَّهُ وَاَعِزُّ بِهِ

بتو شریک نیارود خدا یا اورا عزت بخش و ما را بطورش عزیز گردان

وَانصُرُهُ وَاَنْصِرْ بِهِ وَاَنْصُرُهُ نَصْرًا عَزِيزًا

و اورا یاری کن و ما را با و یاری فرما و اورا نصرت کامل با عزت و اقتدار بخش

وَاَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا بَسِيرًا وَاَجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ

و بآسانی جهان را بدست او فتح کن و از جانب خود او را سلطنت و

سُلْطَانًا نَصِيرًا اللَّهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ

قدرت غایت فرما خدا یا بدست او دینت را و سنت پیغمبرت

سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ

را آشکار ساز تا آنکه دیگر چیزی از حق و حقیقت از

مَخَافَةِ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ

ترس احدی از خلق مخفی نمائد خدا یا ما امید و اشتیاق

إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ نُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ

داریم که دولت باکرامت آن امام زمان را بطور آردمی و اسلام و الهی را بآن

أَهْلَهُ وَنُذِلَ بِهَا الْإِنْفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَتَجَعَلْنَا

عزت بخشی و نفاق و اهل نفاق را ذلیل گردانی و ما را در آن

فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى

دولت حقّه اهل دعوت بطاعتت و از پیشوایان راه هدایت

سَبِيلِكَ وَرَزَقْنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ

قرار دهی و بواسطه آن بزرگوار بنا عزت و کرامت دنیا و آخرت

الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا مِنْ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَ

عطا فرمائی خدایا آنچه از حق که ما را بآن شناسا کردی بعضی آن هم وادار کن

مَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهِ

و آنچه نشناخته ایم ب مقام معرفتش برسان خدایا پریشانی ما را بآن

شَعْنًا وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتَقْنَا

امام جمع کردن و پراکنندگی امور ما را بوجود او اصلاح فرما و شکاف و تفرقه های ما را اتحاد

وَكَثِّرْ بِهِ فِلَنَّا وَاعْزِزْ بِهِ ذِلَّتْنَا وَاعْنِ بِهِ

بخش و عده قلیل ما را بسیار گردان و ذلت ما را بوجودش بدل بعزت ساز و نیاز ما را بدل

عَائِلَنَا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ

به بی نیازی گردان و دین ما را ببردش ادا فرما و فقر و بیسوائی ما را

فَقْرَنَا وَسُدِّ بِهِ خَلْتَنَا وَبَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَ

جبران فرما نقص و خلل ما را مسدود ساز و مشکلات ما را ببردش آسان گردان

بَيِّضْ بِهِ وَجُوهَنَا وَفُكِّ بِهِ أَسْرَنَا وَانْجُحْ

و بوجداد ما را روشن گردان و اسیرین ما را آزاد ساز و حاجت های

بِهِ طَلِبَتَنَا وَانْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ

ما را روا گردان و وعده های ما را ببردش دادی منجز گردان و بر ما

بِهِ دَعْوَتَنَا وَاعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهِ

دعای ما را مستجاب و درخواست های ما را عطا فرما و به آرزو های ما

مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَمْالَنَا وَاعْطِنَا بِهِ

دنیا و آخرت داریم برسان و بسا فوق آنچه

فَوْقَ رَغْبَتِنَا بِأَخْبَرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ

ما را بخواهیم عطا فرما ای بهترین کس در میان سؤالی شدگان و وسیع نظر تر

الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَادْهَبْ بِهِ

از بهه عطاکنندگان و برکت او در دومی باطنی ما را شفا بخش و خشم دل‌های

غَبْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ

ما را فرو نشان بوجودش ما را بحق با همه اختلاف که شده است با تفاوت

مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ

هدایت فرما که تو البته هر که را خواهی براه

إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانصُرْنَا بِهٖ عَلَى عَدُوِّكَ

راست هدایت میفرمائی و بطور او ما را بر دشمنان تو و دشمنان ما

وَعَدُّوْنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو

نصرت بخش ای خدای بحق این دعا را بکرمت مستجاب فرما بار الهی بدرگاه تو شکایت

إِلَيْكَ فَفَدِّ بِنَبِيِّنَا صَلِّوْنَا عَلَيْكَ وَآلِهِ

میکنیم از فقدان پیغمبر ما صلوات اللہ علیہ

وَغَيْبَتِهِ وَوَلِيِّنَا وَكَثْرَةِ عَدُوِّنَا وَقِلَّةِ عَدَدِنَا

و از غیبت امام ما و بسیاری دشمنان ما و کمی عدد ما ۱۱۴

وَسِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَنَظَاهِرَ الزَّمَانِ

و فتنه های سخت بر ما و غلبه محیط روزگار

عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِينَا

بر ما پس درود بر محمد و آل محمد فرست و ما را در

عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تَجَلَّلُهُ وَبِضُرِّ تَكْشِفُهُ

بهمه این امور یاری کن بفتح عاجلی از جانب خود و برطرف ساختن رنج و سختی

وَنَصْرِ نِعْرُهُ وَسُلْطَانِ حَقِّ نَظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ

و نصرت با اقتدار و عزت و سلطنت حقه که تو آشکار گردانی و رحمتی

مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُبَسِّئُنَاهَا

از تو تجت که بر همه ما شامل گردد و لباس عافیت که ما را بیوشاند

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بسختی رحمت ناغتهایت ای مهربانترین مهربانان عالم .

دُعای عظیم الشانی که از حضرت رضا نقل شده که فرموده این دُعا را حضرت
امام محمد باقر ع در سحرهای ماه رمضان میخواند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ يَا بَهَاءُ

خدایا من از تو درخواست میکنم بحق نورانی ترین مراتب انوارت

وَكُلُّ بَهَائِكَ بِيَّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ

در صورتیکه تمام مراتب آن نورانی است خدایا پس درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ يَا جَمِيلَهُ

نورانیتت بار خدایا از تو درخواست میکنم بحق نیکوترین مراتب جمالت

وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ

در صورتیکه تمام مراتب جمالت نیکوست خدایا پس درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ يَا جَلِيلَهُ

جمالت بار خدایا از تو درخواست میکنم بحق عالیترین مراتب جلالت

وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ

در صورتیکه تمام مراتب جلالت عالی است خدایا پس از تو درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كَلِمَةُ اللَّهِ فِي أَسْئَلِكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا

جلالت بار خدایا از تو درخواست میکنم بحق بزرگترین مراتب عظمت

وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظَمَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ

در صورتیکه تمام مراتب عظمت بزرگ است خدایا پس درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كَلِمَاتِ اللَّهِ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ

عظمت بار خدایا از تو درخواست میکنم بحق روشنترین مراتب نورت

وَكُلُّ نُورِكَ نَبِيرُ اللَّهِ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِنُورِكَ

در صورتیکه تمام مراتب نورت روشن است خدایا پس از تو درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كَلِمَةِ اللَّهِ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا

نورت بار خدایا از تو درخواست میکنم بوسیعترین مراتب رحمت

وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

در صورتیکه تمام مراتب رحمت وسیع است خدایا پس از تو درخواست میکنم

بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ

بحق تمام مراتب رحمت بار خدایا از تو درخواست میکنم بکاملترین

كَلِمَاتِكَ بِأَنْمِهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ ثَامَةٌ

کلمات در صورتیکه جمع کلمات کامل است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ

خدایا پس از تو درخواست میکنم بحق تمام کلمات بار خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْبَلِهِ وَكُلُّ

از تو درخواست میکنم بعالیترین مراتب کلمات در صورتیکه

كَمَالِكَ كَامِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ

تمام مراتب آن کامل است خدایا پس از تو درخواست میکنم بحق تمام مراتب

كَلِمَاتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ

کلمات بار خدایا از تو درخواست میکنم بزرگترین نامهایت

بِأَكْبَرِهَا وَكُلُّ أَسْمَائِكَ كِبِيرَةٌ اللَّهُمَّ

در صورتیکه تمام نامهایت بزرگ است خدایا پس

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي

از تو درخواست میکنم بحق تمام نامهایت بار خدایا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ عِزِّكَ بِأَعِزِّهَا وَكُلِّ عِزِّكَ

درخواست میکنم بعالیترین مراتب عزت در صورتیکه تمام مراتب

عِزِّهِ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزِّكَ كُلِّهَا

آن عالی است خدایا پس از تو در خواست میکنم بحق تمام مراتب عزت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيبِكَ بِأَمْضَاهَا

بار خدایا از تو در خواست میکنم بحق نافذترین مراتب مشیت

وَكُلِّ مَشِيبِكَ مَا ضِيقَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

در صورتیکه تمام مراتب آن نافذ است خدایا پس از تو در خواست میکنم

بِمَشِيبِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

بحق تمام مراتب مشیت بار خدایا از تو در خواست میکنم بآن

قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا

قدرت کاملت که بر همه اشیا احاطه

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلِّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةَ اللَّهُمَّ

دارد در صورتیکه همه مراتب قدرتت باشیا احاطه دارد خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي

پس درخواست میکنم بحق تمام مراتب قدرتت بار خدایا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ عَمَلِكَ بِإِنْفَادِهِ وَكُلِّ عَمَلِكَ

درخواست میکنم بحق نافذترین مراتب عملت در صورتیکه تمام مراتب عملت

نَافِذُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَمَلِكَ كُلِّهِ

نافذ است خدایا پس از تو درخواست میکنم بحق تمام مراتب عملت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاةٍ وَ

بار خدایا از تو درخواست میکنم بحق پسندیده ترین سخنهاست در صورتیکه

كُلِّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ

تمام سخنهاست پسندیده است خدایا پس درخواست میکنم تمام

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسْأَلَتِكَ

سخنهاست خدایا از تو درخواست میکنم بحق محبوب ترین حاجتی

بِحَاجَتِهَا إِلَيْكَ وَكُلِّ مَسْأَلَتِكَ إِلَيْكَ حَبِيبَةً

که بر آورده امی در صورتیکه تمام حاجت های که بر آورده امی محبوب است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ

خدایا پس درخواست میکنم بحق تمام حاجاتیکه برآورده امی بار خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلِّ

از تو درخواست میکنم به شریفترین مراتب شرافت در صورتیکه تمام

شَرَفِكَ شَرِيفُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ

مراتب آن شریف است خدایا پس درخواست میکنم تمام مراتب

كُلِّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ

شرافت خدایا از تو درخواست میکنم بحق ابدی ترین مقام پادشاهیت

وَكُلِّ سُلْطَانِكَ دَائِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

در صورتیکه تمام آن ابدی است خدایا پس از تو درخواست میکنم

بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

بحق تمام مقام پادشاهیت خدایا از تو درخواست میکنم بحق نیکو ترین

مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلِّ مُلْكِكَ فَأَخِرُ اللَّهُمَّ

مراتب ملک در صورتیکه تمام مراتب آن نیکو است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ أَللَّهُمَّ إِنِّي

پس از تو درخواست میکنم تمام مراتب ملکت خدایا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلِّ عُلُوكَ

درخواست میکنم بحق عالیترین مراتب بلندت در صورتیکه تمام مراتب آن

عَالِ أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعُلُوكَ كُلِّهِ

عالی است خدایا پس از تو درخواست میکنم تمام مقامات بلندت

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَ

خدایا از تو درخواست میکنم بحق قدیمیترین احسانهایت در صورتیکه

كُلِّ مَنِّكَ فَدِبْرُ أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ

تمام احسانهایت قدیم است خدایا پس درخواست میکنم تمام

كُلِّهِ أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أِبَانِكَ بِأَكْرَمِهَا

احسانهایت خدایا از تو درخواست میکنم بحق گرامیترین آیات در صورتیکه

وَكُلِّ أِبَانِكَ كَرِيمَةً أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

تمام آیات گرامی است خدایا پس درخواست میکنم

يَا بَانِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ

بحق تمام آیات خدایا از تو درخواست میکنم بحق هر چه که

فِيهِ مِنَ الشَّانِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَسْأَلُكَ

در آن شان و جبروت جمع است و

بِكُلِّ شَأْنٍ وَحَدَهُ وَجَبْرُوتٍ وَحَدَهَا

بحق هر شانی تنها و جبروتی تنها

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا يُحِبُّنِي حِينَ أَسْأَلُكَ

خدایا از تو درخواست میکنم بحق آن چیزی که اگر تو را بان چیز بخوانم اجابت

فَاجِبْنِي يَا اللَّهُ

میکنی پس تو دعایم را اجابت فرما .

پس هر حاجت که داری از خدا بخواه که البته برآورده است

در مصباح شیخ از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که گفت حضرت امام زین العابدین
علیه السلام در ماه رمضان بیشتر از شب نماز میکرد و چون سحر میشد این دعا را میخواند :

إِلَهِي لَا نُؤَدِّبُنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمَكُرُ بِي

خدایا مرا بقتاب خود ادب مفرما و بمجازات علم بکرم و جلدات بعقوبت ناکهانیت خافکیر کن « یعنی

فِي حِيلَتِكَ مِنْ ابْنِ لِي الْخَبِيرُ بِأَرْبٍ وَلَا

بعقوبت پنهانی که فهم نمیکم » و مبتلا گردان « یعنی بعقوبت ناکهانی یا بعدانی که پندارم رحمت است گرفتار کن » ای خدا

بُوجَدُ الْإِمْنِ عِنْدَكَ وَمِنْ ابْنِ لِي النَّجَاهُ

کجا خیر می توانم یافت در صورتیکه خیر جز پیش تو نیست و از کج راه نجاتی خواهم جست

وَلَا تُسْطَاعُ إِلَيْكَ لَا الَّذِي أَحْسَنَ

و حال آنکه جز بطف تو نجات میرسیت ای خدا نه آنکس که نیکو کار است از

اسْتَغْنِي عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِي

باری تو و لطف و رحمت مستغنی است و نه آنکه بدکار است

أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يَرْضِكْ خَرَجَ عَنْ

و برحکم تو بیباکی کرده و براه رضا و خوشنودیت زرقه از قدرتت

قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ بَكُوَيْدِي مَا أَتَكْفَهُ نَفْسِ

بیرون است ای رب من ای رب من ای رب من

قطع شود بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ

من تو را بتو شناختم و تو مرا برو وجود خود دلالت فرمودی

وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ

و بسوی خود خوانده و اگر تو نبود می من نمیدانستم تو چیستی « یعنی اگر تو معرفت

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي وَإِنِّ

را در من اشراق نمیکردی من خدا شناس نمیشدم « ستایش خدای را که من او را میخوانم و او اجابت میکند

كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ بَدَعُونِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

و هر چند وقتیکه او مرا می خواند کندی و کاهلی میکنم و ستایش خدای را

الَّذِي آسَأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنِّ كُنْتُ بَخِيلًا

که چون از او چیزی در خواست کنم بمن عطا میکند و هر چند هنگامیکه او از من قرض

حِينَ بَسْتَقْرِضُنِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُنَادِي بِهِ

میخواند « یعنی قرض الحسنه و صدقه بر بندگان فقیرش میطلبد « من بخل میورزم و ستایش خدای را که برای هر

كُلَّ شَيْءٍ لِحَاجَتِي وَآخُلُو بِهِ حَبْتُ شَيْءٍ

حاجتی هرگاه اورا خواستم ندخواهم کرد و هر وقتی برای راز و نیاز با او خلوت

لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَهَبْضِي لِي حَاجَتِي الْحَمْدُ

توانم کرد و بدون هیچ واسطه و شفیع حاجتم را روا میسازد سپاس

لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ

خدای را که تنها اورا بدعا می خوانم نه غیر او را و اگر از غیر او حاجت می خواستم

لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا

دعایم را مستجاب نمیکرد و سپاس خدای را که با او چشم

أَرْجُو غَيْرَهُ وَ لَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي

امید دارم نه بغیر او و اگر بغیرش امید میداشتم مرا نا امید میگردانید

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَ

ستایش خدای را که کار مرا بحضرتش وا گذاشت و گرامیم داشت و

لَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَهَيَّبُونِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

بغیرش وا نگذاشت تا خوارم گرداند ستایش خدای را که

الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

بامن اظهار کمال دوستی فرمود با آنکه از من بی نیاز بود و سپاس خدای را

الَّذِي بِحُلْمٍ عَنِّي حَتَّىٰ كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي فَرَبِّي

که از خطا و گناه من حلم و بردباری کرد چنانکه گویی گناهی از من سر نزده است پس خدای

أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدَكَ وَأَحَقُّ بِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي

من نزد من محبوب ترین موجود است و سجد و ستایش من او سزاوارتر از همه عالم است ای خدا من

أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ

راه حوائج حلق را بسوی تو باز می بینم و آبشخورهای

الرَّجَاءِ إِلَيْكَ «لَدَيْكَ» مُنْرَعَةً وَالْإِسْتِعَانَةَ

امید بندگان را بدرگاهت پرآب میابم و یاری جستن

بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاحَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ

بفضل و کرمت بر هر کس که بتو آرزو مند است مباح و آسان است و درهای دعای

إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْهُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ

فریاد خوانان بسوی تو باز است و محققاً میدانم که تو

لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ اجَابَةِ وَلِلْمُؤْمِنِ بِمَرْصَدِ

آماده برای حاجت امیدوارانی و مراقب حال پریشان خاطران

إِغَاثَةِ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا

و میدانم که در نالیدن بدرگاه جود واحسانت و در رضا

بِفَضَائِكَ عِوَضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً

بقضا و قدرت بهترین عوضی است از بخل مردم بخیل و بی نیازی

عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْنَأِثَرِينَ وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ

از اندوخته در دست دنیا طلبان است و هر کس بسوی تو سفر کند

قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تُحْجِبُ عَمَّ خَلْفِكَ

راهش بسیار نزدیک است و تو از نظر بصیرت خلق پنهان نیستی

إِلَّا أَنْ تَحْبُوَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ قَصَدْتُ

جز آنکه آماں و آرزوهای که بغیر تو دارند حجاب از شهود جمالت گردد و من جوایمی

إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَ

تو ام . و در حوائج من رو بتو آورده ام و

جَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي

برگاه تو استغاثه کرده و پناه میجویم و در دعا تو تسل بلطف تو ام

مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْمَاعِكَ مِنِّي وَلَا

بدون اینکه لایق آن باشم که دعای مرا مستجاب کنی و یا

اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي بِلِثْمَتِي بِكَرَمِكَ وَ

استوجب عفو و بخشش گردانی بلکه تو بهم تو بصرف کرم و احسان تو هست

سُكُونِي إِلَى صِدْقٍ وَعُدِّكَ وَلِجَائِي إِلَى

و اطمینان خاطر من بصدق و عده « لطف » تو و پناهم بر

الْإِيمَانِ بِتَوْجِيهِكَ وَبِقَبُولِي « وَثِقْتِي »

ایمان به یکتائی تو است و بر یقینم معرفت

بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنَّ لِرَبِّي غَيْرُكَ وَلَا إِلَهَ

حضرت که میدانم مرا پروردگاری غیر تو نیست و جز تو خدائی

إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ

نیست تو یکتا و بی شریکی ای خدا تو خود

الْقَائِلُ وَقَوْلِكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ وَ

فرمودی و سخن تو حق و وعده تو حقیقت است فرمودی

اسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

هر چه میخواهید از فضل و کرم خدا بخواهید که خدا بشما بندگان همیشه مهربان است

وَلَبَسَ مِنْ صِفَاتِكَ بِاسْمِكَ أَنْ نَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ

وای مولای من این از صفات نیست و شایسته ذاتت نخواهد بود که بندگان را امر بسؤال کنی

وَتَمَنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ

و چون سؤال کند عطای خود را از آنها دریغ داری و حال آنکه تو را بر اهل مملکت

عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِخَيْرٍ

عطای بی شمار است و بواسطه رأفت و محبتت بخلق نعمت آهنا

رَأْفَتِكَ إِلَهِي رَبِّتَنِي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ

پی در پی خواهد بود ای خدا تویی که در انواع نعم و احسان و کرم بهنگامی که کودکی

صَغِيرًا وَتَوَهَّتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَبِأَمْنٍ رَبَّنِي

ناتوان بودم مرا پروراندی و در بزرگی هم سر بلندی و نام نیکو دادی پس ای خدا اینکه مرا در دنیا بفضل و

فِي لَدُنِّي بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ وَأَشَارَ

احسان و نعم بی پایان پرورش دادی و در آخرت

لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي بِأَشَارَتِ

اشارت بعفو و کرمت فرمودی معرفتم تو ای

مَوْلَايَ دَلِيلِي « دَلَّتْنِي » عَلَيْكَ وَجَبِّي لَكَ

مولای من دلیل و رهبر من بوی تو است و محبتم نزد حضرتت

شَفِيعِي إِلَيْكَ وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ

واسطه و شفیع من است و من از دلیل خود چون تو رهبرهای منی مطمئنم

وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ أَدْعُوكَ بِأَشَارَتِ

و از شفیع چون تو میپذیری دلم آرام است ای سید من تو را

سَبِّكَ بِلِسَانٍ فَدَاخِرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ

میخوانم بزبانیکه از فرط گناه لال گشته ای پروردگار

أَنَا جِيكَ بِقَلْبٍ فَدَاوَبَّتْهُ جُرْمُهُ أَدْعُوكَ

با تو را ز و نیاز میکنم بادی که از کثرت جرم و خطا بادی هلاکت در افتاده ای خدا تو را

يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاغِبًا خَائِفًا إِذَا رَأَيْتُ

میخوانم بادی که هراسان و ترسان است از قهر تو و شتاق و امیدوار بکرم تو است

مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرِعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ

چون بچنان خود امی مولای مینگرم زارینالم و چون بکرم و احسان بی پایان تو نظر

طَمِعْتُ فَإِنَّ عَفْوَتَكَ فَخَبَّرُ رَاجِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ

میکنم طمع بسته و امیدوار میگردم پس اگر مرا ببخشی رواست که تو از هر کس مهربانتری و اگر عذاب

فَعَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى

کنی ستم نکرده امی «که من مستحق عذاب بوده ام» حجت من بر جرأت درخواست حاجت

مَسْئَلَتِكَ مَعَ إِيْبَانِي مَا تُكْرِهُ جُودَكَ وَ

از تو با آنکه کردارم همه ناپسند بوده همانا کرم و بخشش

كَرَمَكَ وَعُدَّتِي فِي سِدِّدِي مَعَ فِئْتِ حَبَائِي

تو است و پناه آوردنم در حال سختی بدرگاه تو با بی حیائی و بی باکیم

رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا

بموجب رأفت و مهربانی تو است و البته امیدم آنست که با اینگونه قبايح

تُحِبُّ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُدْبِنِي فَحَقُّ رَجَائِي

ورشتیایم باز از آرزو مانیکه بودارم محروم گردانی پس امید آرزویم را برآور

وَاسْمَعْ دُعَائِي بِأَخْبَرِ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلُ

و دعایم اجابت فرما ای بهترین کیسه اهل دعا بدرگاهش رو آورند و نیکوتر شخصی

مَنْ رَجَاهُ رَاجِعَ عَظْمِ بِاسْتِدَائِي أَمْلِي وَسَاءَ

که امیدواران بر او عرض نیاز کنند ای سید من آرزویم بزرگ و کردارم زشت

عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمْلِي وَ

است پس تو بعفو بخش خود بتدر آرزویم عطا کن و

لَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ بِجَلِّ

با عمل زشتم مواخذه مفرما زیرا کرم و بزرگواریت برتر

عَنْ مَجَازِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمِكَ بِكِبْرٍ عَنِ

از آنسکه گناهکاران را مجازات کنی و حلمت بیش از آنست که

مُقَصِّرِينَ أَمْ كَيْفَ رَسَانِي وَ أَنَا بِأَسَدِي عَائِدُ

مقصرین را بکیفر رسانمی و من ای سید من بفضل و کرمیت

بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُنْتَجِرٌ مَا وَعَدْتَهُ

پناه آورده و از تو بوی لطفت میگیرم و عده عفو و بخشش از

مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا وَمَا أَنَا بِأَرْبٍ وَمَا

کسیکه تو حسن ظن دارد مسم و قطعی است و من ذره ناچیز ای خدا کیستم «که از

خَطَرِهِ هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَنَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

من انتقام کنی» مرا بفضل و کرمت بخش و بعفو و رحمت بر من منت گذار

أَيُّ رَبِّ جَلَلَنِي بِسِرِّكَ وَأَعْفُ عَنْ تَوْبِعِي

ای پروردگار من کردار رستم پوشیده دار و از گناه من ببزرگواری

بِكْرَمٍ وَجْهِكَ فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَمْرُكَ

ذاتت درگذر اگر برگناه هم کسی غیر از تو آگاه میشد البته

مَا فَعَلْتَهُ وَلَوْ خِفْتُ تَجْبِيلَ الْعُقُوبَةِ لِأَجْنَبْتِنُهُ

آن گناه نمی کردم و اگر از عقوبت فوری می رسیدم از خطا اجتناب مینوادم

لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ إِلَيَّ وَأَخَفُ الْمُطَّلِعِينَ

نه از این رو که تو در نظر من از دیگران بی اهمیت تری

عَلَىٰ بَلِّ لِيَا نَكَ بِأَرْبِ خَيْرِ السَّائِرِينَ وَاحْكُمَ

بلکه بدین سبب که تو بهترین پرده پوشان و نیکوترین

الْحَاكِمِينَ « وَأَحْلَهُ الْأَحْلِيَيْنِ » وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ سِتَّارُ

حکف مایان و بزرگوارترین بزرگواران عالمی تویی که بر عیبها

الْعُيُوبِ غَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ

خلق پرده پوشی و برگن نشان بخشائی و براسرار غیب آگاهی گناه

الذَّنْبِ بِكَرَمِكَ وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحَمَلِكَ

و عیب بندگانرا بکرمت میپوشانی و کیفر آنها را از حلم و بردباری بتأخیر میافکنی

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ حَمَلِكَ بَعْدَ عَمَلِكَ وَعَلَىٰ

« تا تو به کنند و درگذری » پس ستایش تو را میکنم بر مقام حمت بعد از عملت و بر صفت

عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَبِحَمَلِنِي وَبِحَجْرِنِي عَلَىٰ

عفوت بعد از قدرت کاملت ای خدا حلم بی پایانت مرا بر معصیت تو

مَعْصِيَتِكَ حَمَلِكَ عَنِّي وَبَدْعُونِي إِلَىٰ قِتْلَتِي

و ادا میکند و جرات میدهد و پرده پوشی و ستاریت به بی شرمی

الْحَبَاءِ سَرُّكَ عَلَيَّ وَبُسْرُ عُنِي إِلَى التَّوْتُبِ عَلَيَّ

و بی حیائی میخواند و معرفتم برحمت بی انتهایت و عفو

مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسِعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ

بی حسابت مرا جور کرده و بسرعت بر آنچه حرام کردم میگرد

عَفْوِكَ يَا حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا حَيُّ يَا قَبُومٌ يَا غَافِرَ

ای خدای بردبار بزرگوار ای زنده ابدی ای بخشنده

الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيرَ

گناه و ای پذیرنده توبه ای بزرگ منت و نعمت ای احسان کننده

الْإِحْسَانِ ابْنَ سِرِّكَ الْجَبَلِ ابْنَ عَفْوِكَ

همیشگی کجاست پرده پوشی عظیم تو کجاست عفو

الْجَبَلِ ابْنَ فَرْجِكَ الْفَرِيبِ ابْنَ غِيَابِكَ

بزرگوارانه تو کجاست گشایش نزدیک تو کجاست فریادرسی

السَّرِيعِ ابْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ ابْنَ عَطَايَاكَ

سریع تو کجاست رحمت و اسعه تو کجاست عطایای

الْفَاضِلَةُ ابْنُ مَوَاهِبِكَ الْهَيْبَةُ ابْنُ صَانِعِكَ

نیکوئی تو کجاست موهبت های گوارا کجاست رحمت های

السَّيِّئَةُ ابْنُ فَضْلِكَ الْعَظِيمُ ابْنُ مَنَّاكَ الْجَسِيمُ

پربهای تو کجاست فضل و کرم بی حد تو کجاست بخشش بزرگ تو

ابْنُ إِحْسَانِكَ الْقَدِيرُ ابْنُ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

کجاست احسان دائمی و همیشگی تو کجاست کرم تو ای خدا می کریم

بِهِ « وَيَحْمَدُ وَالِ مُحَمَّدٍ » فَاسْتَفِيدْ فِي وَرَحْمَتِكَ

بحق آن کرم که مرا نجات ده و بحق رحمت که از ورطه هلاکت

فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا جَمِيلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ

خلاص کن ای خدا می با احسان ای نیکوکار ای نعمت بخش با فضل و کرم

لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى

من بر نجات از قهر و عقابت اعتماد بر اعمال ما

أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ

ندایم بلکه تمام نظر ما بفضل و احسان توست زیرا که تو شایسته

التَّقْوَىٰ وَاهْلُ الْمَغْفِرَةِ نُبْدِي بِالْإِحْسَانِ

که خلق از تو برسد و هم بمغفرت امیدوار باشد هم اول با خلق به نعمت احسان

نِعْمًا وَنَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَمَا مَا نَدْرِي مَا

میکنی هم بکرمت از گنا و نشان میگذری پس من نمیدانم شکر کدام را

نَشْكُرُ أَجْمَلًا مَا نَشْكُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ

بجای آرم آیا شکر نیکوئیها نیکه از من معروف کردی یا زشتیهائی که پرده پوشی نمودی

مَا أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرًا مِمَّنْهُ نَجَّيْتِ وَ

یا بلاه و امتحانات سختی که بر ما آسان ساختی و ما را بر آن فائق و مؤید داشتی یا بلاه های بسیار که از

عَافِيَتِ بِأَحَبِّبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَبِأَفْرَةٍ

آن نجات داده و عافیت بخشیدی ای دوستدار کسی که با تو محبت ورزد ای شادای قلب

عَيْنٍ مِّنْ لَّا ذِيكَ وَانْفَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ

کیکه رو بدرگاه تو آرد و از همه بگسلد و با تو پیوندد تونیکوکاری

وَخَنُّ الْمُسِيئُونَ فَجَاوَزْ بِأَرْبِّ عَنِ قَبِيحِ مَا

و مازشت کرداریم پس تو ای پروردگار به نیکوئی خود از قبیح ما

عِنْدَنَا بِجَهْلٍ مَا عِنْدَكَ آتَىٰ جَهْلٍ بِأَرْبٍ لَا

در گذر کد امین جهالت و بدکاری است که لطف

بَسَعَهُ جُودُكَ أَوْ آتَىٰ زَمَانٍ أَطْوَلَ مِنْ إِيَّاكَ وَمَا

و کرم تو آنرا فرا نگیرد یا چه زمانی است که بیش از زمان حلم تو است «یعنی زمان

فَدْرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنبِ نِعْمِكَ وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ

حلم تو پیش از زمان احسان خلق است و وقتی نیست که از بسیاری معصیت بندگان علم تو بپایان برسد و حوصله

أَعْمَالًا لِنُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ بَصِيْقُ عَلَىٰ

تمام شود تا حتما بر آنها غضب کنی» و اعمال نیک ما در مقابل نعمتهای تو چه ارزش دارد و چگونه اعمال زشت ما را

الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْاسِعٍ

«هر چند بسیار است» با وجود لطف و کرم تو بسیار بدانیم! آری چگونه مجال برگزینا بکاران با وجود رحمت و مهربانی

الْمَغْفِرَةَ بِأَبَاسِطِ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوْعِزَتِكَ يَا

بنی پایداریت تنگ خواهد شد ای صاحب آمرزش بی حساب ای آنکه دست تو «بقدرت و احسان

سَيِّدًا لَوْ نَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ

بر خلق» برحمت مبسوط است باری قسم بمقام عزت و بزرگیت ای سید من که اگر مرا از درگاهت برانی هرگز از

عَنْ مَمْلُوكٍ لِمَا أَنْهَىٰ إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ

این در بجائی نیروم و از تملق و التماس بحضرتت دست برنیدارم زیرا تو را سجود و کرم کامل

وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ نُعَذِّبُ

شناخته ام و تو هر چه بخوایی بقدرت کامله میکنی هر که را

مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ

بخوایی هر قدر و هر گونه عذاب کنی و هر که را بخوایی

تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ لَا تُسْئَلُ عَنْ

هر قدر و هر تم ترحم فرمائی خواهی کرد و کسرا نرسد که در کار تو چون

فِعْلِكَ وَلَا تُنَازِعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارِكُ فِي

و چرا کند و در ملک هستی با تو گفتگو آغازد و در امر و فرمان ذات یکتا

أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْزِزُ

مشارکت کند و در حکم مبرمت مخالفت برانگیزد و احدی را نرسد که

عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَ

بر نظم و تدبیرت خورده گیری و اعتراض کند خلق و آفرینش خاص تو و

الْأَمْرُ نَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ

حکم و فرمان بر خلق مخصوص تو است بزرگوار خدائی که پروردگار عالم است ای خدا

هَذَا مَقَامٌ مَنْ لَأَذِيكَ وَاسْتِجَارَ بِكَرَمِكَ

اینست مقام «فقرو ذلت» آنکس که بدرگاه تو روی آورد و بلطف و کرمت پناه جست

وَأَلْفَ إِحْسَانِكَ وَنِعْمَكَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الذَّيُّ

و با نعم و احسانت انس و الفت گرفته و تو آن ذات باجود و بخششگر

لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا تَقِيلُ

جامه عفو تو «بر تن گنهاران» تنگ نیست و فضل و رحمت نقصان پذیر نخواهد بود

رَحْمَتِكَ وَفَدْتَنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ

و ما هم تمام و شوق و اطمینان خاطرمان بعفو همیشه

وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَالِئَةِ

و فضل و کرم بیحد و رحمت نافتها می تو است

أَفْرَاكَ يَا رَبِّ تَخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ نُحِبُّ أَمَانَنَا

ای پروردگار آیا چنین پنداریم که تو برخلاف حسن ظنی که بحضرت داریم با ما رفتار میکنی؟ یا ما را از آ

كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هَذَا اِظْنَابُكَ وَلَا هَذَا

آرزو و اینکه تو داریم محروم بسازی؟ هرگز، تو ای خدای کریم چنین گمان نمیبرم و اینگونه از کرمت

فِيكَ طَعْنَا يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا

انتظار نداریم ای خدا ما را بحضرت آمال و آرزوهای بسیار و امید بزرگ است

عَصَبْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْرُعَ عَلَيْنَا وَدَعَوْنَا

ترامعصیت کردیم و امید پرده پوشی داریم و ترا در دعا

وَ نَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا

خواندیم و امید اجابت داریم پس ای مولای ما ما را با امید و آرزویمان

مَوْلَانَا فَفَدِّ عَلَيْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا وَ

برسان که ما میدانیم که با اعمال زشت خود چیزی جز محرومیت از رحمت مستحق نیستیم

لَكِنْ عَلِمُكَ فِينَا وَعِلْمُنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ

لیکن اینکه تو باحوال ما دانائی و بفقیر و بیچارگی ما آگاهی میدانییم که از درگاه فیض محروم

«حَسْنَا عَلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ» وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ

زمنی کردیم ما را راغب و امیدوار بدرگاه کرمت آورد و با آنکه ما مستوجب رحمت نیستیم

لِرَحْمَتِكَ فَإِنَّكَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى

تو شایسته آنی که بر ما و گناهکاران فضل و رحمت

الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سِعَتِكَ فَا مَنُّ عَلَيْنَا بِمَا

وسعت جود و بخشش کنی پس تو با آنچه لایق بزرگواری

أَنْتَ أَهْلُهُ وَجَدَّ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُخَاجُونَ إِلَيْكَ

تو با احسان فرما و بر ما کرم کن که بسیار محتاج عطای

نَبِّكَ بِأَغْفَارِ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَبِفَضْلِكَ

تو ایم امی خدای بخشنده ما را بنور معرفت هدایت فرمودی و بفضل و رحمت

اسْتَغْنَيْنَا وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ذُنُوبَنَا

از غیر بی نیاز گردانیدی و به نعمت شب و روز پرورش یا قیام گناهان ما « اگر از نظر خلق

بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَتَنُوبُ

پوشیده است » پیش تو هویداست از تو امی خدا از آن گناهان طلب عفو و آمرزش میکنیم و بدرگاہت

إِلَيْكَ نُحِبُّكَ الْبِنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ

بتوبه باز میگردیم ای خدا تو در حق ما به نعمت ای گوناگون محبت و مهربانی میکنی و ما در مقابل بنا فرمائی

بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَشَرُّنَا إِلَيْكَ

وگناه میسر داریم خیر و برکات تو پیوسته بر ما نازل میشود و شر و بدکاری ما بسوی تو

صَاعِدٌ وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ بِأَنْيِكَ

بالا میرود و دائم و پیایی فرشته کرمی هر روز با پرونده کردار زشت ما

عَنَّا يَعْمَلُ قَبِيحٌ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ

بدگاهت میآید و این مانع از آن نیست که ما را غرق نعمت های

تَحُوطُنَا بِنِعْمِكَ وَتَنْفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْأَمْعِكَ

ظاهر و باطن بفضل و احسان خود گردانی

فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ

پس پاک و منزهی تو چقدر حسلم و بزرگی لطف و کرمت در آغاز و

مُبْدِئًا وَمُعِيدًا أَنْقَدَسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ

انجام آفرینش بی پایان است ای خدا نامهای پاکت و ثنا و ستایشت بزرگ

ثَنَّاؤُكَ وَكَرَمَ صَنَائِعِكَ وَفِعَالِكَ أَنْتَ إِلَهِي

«تراز حد تصور» است آثار و افعالت همه نیکو است ای خدای من

أَوْسَعُ فَضْلاً وَ أَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُفَايِسَنِي

فضل وسیع بی پایان و حلم عظیم بی انتهایت برتر از آن است که مرا

بِفِعْلِي وَ خَطْبَتِي فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ

بافضل من و گناه من مقایسه نمائی پس از من درگذر از من درگذر از من درگذر

سَيِّدِكَ سَيِّدِكَ سَيِّدِكَ اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ

سید من سید من سید من خداوند ما را ب یاد خود مشغول ساز

وَاعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ وَ آجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَ

و از قهر و غضبت امان بخش و از عذابت در جور رحمت پناه ده و

ارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَ أَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ

از عطاای بی حساب روزی ما گردان و بفضل و کرم با ما نیکی و

فَضْلِكَ وَ ارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

احسان فرما و حج بیت الحرامت را نصیب ما گردان و پیغمبرت که

صَلِّوْا نَيْبَكُمْ وَ رَحْمَتَكُمْ وَ مَغْفِرَتَكُمْ وَ رِضْوَانَكُمْ

درود و رحمت و مغفرت و خوشنودیت

عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ

بر او و اهل بیتش باد زیارت قبرش را روزی ماگردان و «دعای ما را مستجاب فرما» که تو البته شنق

وَأَرْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَتَوْفَقًا عَلَىٰ مِلَّتِكَ

نزدیکی و از لطف دعایشان اجابت میکنی ای خدا طاعتت را عوض هر کار نصیب ما گردان و ما را بر این خود

وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ ۝ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ

و بر سنت پیغمبرت میران خدایا مرا و پدر و مادرم را بیامرز

وَأَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّبَانِي صَغِيرًا إِجْرَاهُمَا بِالْإِحْسَانِ

و بر آنها رحمت فرست که آنها در خردی مرتبی من بودند و بیادش احسانهای آنها بمن

إِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ

در حقشان احسان فرما و گناهان نشان بخش خدایا بر تمام

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْبَاءِ مِنْهُمْ وَ

مرد و زن اهل ایمان از زندگان و مردگان مغفرت را

الْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ

شامل گردان و میان ما و آنها بنحیر و احسانت پیوند ده

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَبِينَا وَمَبِينَا وَشَاهِدِنَا وَ

بار آهنا زنده و مرده ما مسلمانان و حاضر و

غَائِبِنَا ذَكَرْنَا وَأُنْثَانَا صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرِنَا

غایب و مرد و زن و صغیر و کبیر و آزاد

وَمَمْلُوكِنَا كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا

و بنده ما همه را بخش و بیامرز دروغ گفتگانان که از خدا برگشتند و بدورترین

ضَلَالًا لَبَعِيدًا وَخَيْرُ الْخُسْرَانَا مُبِينًا

و ادبی ضلالت و گمراهی افتادند و استکار بزیان سخت « درد و عالم » گرفتار شدند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي

خدا یا درود فرست بر محمد و آل محمد و کارم بخیر

بِخَيْرٍ وَاكْفِنِي مَا أَهْتَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ

نختم کن و محصنات امور دنیا و آخرتم را کفایت

الْآخِرَةِ وَلَا تَسْلِطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ

فرما و آنکه بحالم رحم نکند بر من مسلط گردان و بر من از جانب

عَلَىٰ مِنْكَ وَاقِبَةٌ بِاقِبَةٍ وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ

خود گنجهانی همیشه مقرر بدار و نعمت ای شایسته ای که

مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا

بن عطا کردی از من بازگیر و از فضل و کرمت بن روزی

وَإِسْعًا حَلَالًا لَّاطِبِّبَا اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحَرِّ اسْنِكَ

وسیع و حلال پاکیزه روزی فرما ای خدا مرادر پناه مراقبت

وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَكَلِّئْنِي بِكِلَائِكَ وَ

گنجداری کن و در سایه محافظت و ظل حمایت از هر بلا محفوظ دار و

ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَ

تج بیت الحرامت را در این سال و همه سال دیگر

فِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأُمَّةِ

نصیم گردان و زیارت قبر پیغمبرت و ائمه هدی را درود

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تُخْلِنِي بِأَرْبٍ مِنْ نِعْمَتِكَ

برایشان باد روزی کن و از آن مشاهد مشرفه و مواقف باکرامت

الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَافِقِ الْكَرِيمَةِ

مرادورگردان

اللَّهُمَّ نُبِّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيكَ وَالْيَمْنِي

ای خدا حال توبه ای بمن عطا کن که دیگر هرگز تو را معصیت نکنم و تا هستم

الْخَيْرِ وَالْعَمَلِ بِهِ وَخَشْبِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

ای پروردگار عالم کار خیر بقلبم احصا کن و در عملش موفقم

مَا أَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا

ساز و شب و روز دلم خدا ترس گردان ای خدا من چندانکه بجزم و بجزم

قُلْتُ فَذُنُوبَاتِي وَتَعَبَاتِي وَمَتْنٌ لِلصَّلَاةِ

با خود گفتم و خویش را هیا و آماده طاعت ساختم و در پیشگاه تو بنماز

بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ الْفَيْتَ عَلَيَّ نِعَاسًا إِذَا

ایستادم و بناجات پرداختم آن هنگام مرا بنخواب انداختی

أَنَا صَلَّيْتُ وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاةَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ

و حال راز و نیاز از من گاه مناجات باز گرفتم

مَا لِي كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَحْتُ سِرِّي وَ قَرُبَ

ای خدا چه شد که هر چه با خود عهد کرده و گفتم که از این پس سرپرتم نیکو خواهد شد .

مِنْ مَجَالِسِ النَّوَابِيْنِ مَجْلِسِي عَرَضْتُ لِي

به جماعت اهل توبه و مقام تو این نزدیک می شوم بلیه و حادثه ای پیش آمد

بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَ حَالَتْ بَيْنِي وَ بَيْنَ

که بعد ثابت قدم نماندم و آن بلیه میان من و خدمت

خِدْمَتِكَ سَبَّحْتُ لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي

حائل گردید ای سید من شاید تو از درگاه لطفت مرا رانده ای

وَ عَنْ خِدْمَتِكَ نَحَبْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي

و از خدمت بندگی دورم ساخته ای یا شاید دیدی که من

مُسْتَحْفًا بِحَقِّكَ فَاقْصَبْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي

حق بندگی را خفیف شمردم بدینجهت از دست مراد دور کردی یا آنکه دیدی که من

مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَبْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي

از تو روی گردانم بدین سبب بر من غضب فرمودی یا آنکه در مقام دروغگو یانم

فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي وَأَعَلَّكَ

یا فقی لذا از نظر غایت دور انگندی یا شاید

رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي وَأَعَلَّكَ

دیدم که من شکرگذاری از نعمت نیست مرا محروم ساختی یا شاید

فَقَدْ تَنَيْ مِنْ جَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَنَحَذَلْتَنِي أَوْ

مرا در مجالس اهل علم نیافتی بخواری و خذلانم انداختی یا

لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ

شاید مرا در میان اهل غفلت یافتی بدین جرم از رحمت

أَبْسَنْتَنِي وَأَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي الْفَجَّالِ الْبَطَّالِ

نومیدم ساختی یا شاید دیدم در مجالس اهل باطل «و با مردم فاسد» الفت

فَبَيْتَنِي وَبَيْنَهُمْ خَلْبَتَنِي وَأَعَلَّكَ لَمْ تَحِبَّ أَنْ

گرفته‌ام مرا میان آنها و گذاشتی یا شاید دوست نداشتی که

تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْحِي

دعایم را بشنوی از درگاهت دورم کردی یا شاید به جرحم و

وَجَرِّبْنِي كَافِتْنِي أَوْ لَعَلَّ بِفِلْهِ حَبَائِي مِنْكَ

گناه هم مکافات کردی یا شاید بر بی شرم و حیائی با حضرت مجازتم

جَازِبْتَنِي فَإِنْ عَفَوْتَ بِأَرْبِ فَطَالَ مَا عَفَوْتَ

نمودی بر حال اگر از من عفو کنی شاید است که پیش از من

عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي لِأَنَّكَ رَمَمْتَ أَيْ رَبِّجَلِي

چه بسیار از گناهکاران را عفو کرده ای چرا که لطف و کرمت ای خدای من برتر

عَنْ مُكَافَاتِ الْمُفْضِرِينَ وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ

و بالاتر از آنست که بندگان مقصرا بکفر سانی و من بفضل و رحمت پناه آورده

هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ

و از تو بوی تو میگیرم که عفو و بخشش از کسیکه تو حسین

عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا

ظن دارد و عده قطعی است ای خدای من فضل و رحمت وسیعتر

وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَابِسَنِي بِعَمَلِي وَأَنْتَ

و حلم و بردباریت بزرگتر از آنست که مرا بعلم مقایسه کنی یا مرا

تَسْزِلْنِي بِخَطِيئَتِي وَمَا أَنَا بِأَسْبَدُ وَمَا خَطِرِي

بگناه من خوار گردانی و من کیستم ای مولای من و چه قابلیت دارم

هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدُكَ وَنَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

ما بفضل و کرمت بخش ای سید من و بعفوت بر من الفت گذار

وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَن تَوْبِيحِي بِكَرَمِ

و بلطفت بر شستم پرده پوشی کن و از توبیح و تمهیدم بذات بزرگواریت

وَجْهِكَ سَيِّدُكَ أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّبْتَهُ وَ

در گذر ای سید من آن طفل صغیرم که توام پروراندیدی و

أَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي

آن نادانم که توام دانش بخشیدی و آن گمراهم که توام

هَدَيْتَهُ وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ وَأَنَا

هدایت فرمودی و آن خوار و ذلیل که توام عزت و رفعت دادی و آن

الْخَائِفُ الَّذِي مَنَّتَهُ وَأَنَا الْجَائِعُ الَّذِي

ترسانم که توام ایمنی دادی و آن گرسنه ام که توام

أَشْبَعْنَهُ وَالْعَطْشَانَ الَّذِي أَرَوْبْنَهُ وَالْعَارِيَّ

سیر کردی و آن تشنه ام که توام سیراب کردی و آن برهنه ام

الَّذِي كَسَوْنَهُ وَالْفَقِيرَ الَّذِي آغْنَيْتَهُ وَ

که توام پوشانیدی و آن فقیرم که توام بی نیاز کردی و

الضَّعِيفَ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَالذَّلِيلَ الَّذِي

نا توانی که تو توانیش دادی و ذلیل که تو عزیزش

أَعَزَّزْتَهُ وَالسَّفِيمَ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَالسَّائِلَ

گردانیدی و مریضی که تو شفا بخشیدی و سائل

الَّذِي آعَطَيْتَهُ وَالْمُدْنِبَ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَ

که تو باو عطا کردی و گنهکاری که بر گناهش پرده پوشیدی و

الْخَائِطُ الَّذِي آفَلْتَهُ وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي

خطا کاری که عدش پذیرفتی و اندکی که بسیارش

كَثَّرْتَهُ وَالْمُسْتَضْعَفَ الَّذِي نَصَرْتَهُ وَأَنَا

نمودی و مغلوب و ناتوانی که یاریش کردی و گرسنگی

الطَّرِيدُ الَّذِي وَبَنَهُ أَنَا بِأَرْبِ الذَّهَبِ لَمْ

آواره ای که جایگاهش دادی من ای خدا همان کس که نه

أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أُرَافِقْ فِي الْمَلَأِ

در خلوت از تو شرم و حیا کردم و نه در جمعیت مراقب و طایف بندگیت بودم

أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاغِي الْعُظْمَى أَنَا الَّذِي عَلَى

منم که مصائب و حوادث بزرگ بر من روی آورست منم آن بنده ای که بر

سَيِّدِهِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ

مولای خود جرئت و جبارت کرده منم آنکه خدای جبار آسمان را نافرمانی

السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي آعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ

نموده منم آنکس که بر گناه بزرگ رشوه

الرُّشَى أَنَا الَّذِي حِينِ بُشْرَتُ بِهَا خَرَجْتُ

داده منم آنکس که هنگامیکه فرود آمد گناهی باو دادند بسوی آن گناه

إِلَيْهَا أَسْعَى أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا أَرْعَوَيْتُ

شتابان رفتم منم آن کس که جلتم در عصیان برای توبه دادی با اینحال از گناه باز نگشتم

وَسَرَّتْ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْبَبْتُ وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي

و بر من پرده پوشی کردی باز هم شرم و حیا نکردم و بمعصیت پرداخته و از حد

فَنَعَدَّيْتُ وَأَسْقَطَنِي مِنْ عَيْبِكَ فَمَا بِالْبُتِّ

تجاوز کردم و مرا از نظر انداختی باز هم باک نداشتم و باز

فِيحْلِكَ أَمْهَلْتَنِي وَبِسِرِّكَ سَرَرْتَنِي حَتَّى

بحلم و بردباریت مهلتم دادی و رشتیم را در پرده داشتی تا آنجا که

كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي

گویی گناهانم فراموش کرده ای و از کیفر گناهان معافم

جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْبَبْتَنِي إِلَهِي لَمْ

داشته ای که گویا از من شرم کرده ای ای خدا من

أَعَصَيْكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ

بهنگامی که بمعصیت پرداختم آن گناه را از راه انکار خداوندیت

جَا حِدٌ وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَحْفٍ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ

نکردم و فرمانت را خفیه نشمردم و سینه در مقابل عقابت

مُنْعَرِضٌ وَلَا لَوْ عَيْدِكَ مُنْهَائِنٌ لَكِنَّ

سپه نگردم و و وعده مجازات را خوار و بی اهمیت ندانتم بلکه عصیانم

خَطِيئَةٌ عَرَضْتُ وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَغَلَبَنِي

خطائی بود عارض شد و نفس زشت بر من شبهه کاری کرد و هومی و هوس

هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَةٌ وَغَرَبَنِي سِرُّكَ

غلبه کرد و بدبختی مرا بر انجام گناه کمک نمود و پرده پوشیت مرا مغرور

الْمُرْخِي عَلَى فَنَدَ عَصَبِيكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي

ساخت تا آنکه سجده و اختیار بعصیان و مخالفت پردختم

فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي وَمِنْ

اکنون از عذاب تو که مرا نجات خواهد داد و فردا

أَبْدِ الْخُصْمَاءِ غَدًا مَنْ يُخَلِّصُنِي وَبِحَبْلِ مَنْ

از دست دشمنان که خلاصم خواهد کرد و اگر تو رشته محبت را

اتَّصِلُ إِن أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَوَاسِوَانَا

از من بریدی دیگر برشته که چنگ زخم پس وای برسوائیم

عَلَى مَا أَحْصَى كِتَابَكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا

در آن بنجام که کتاب تو تمام اعمال را بشمار آورده که اگر

أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ

امیدم کرم و رحمت بی انتهایت نبود و گنهکارانرا از

عَنِ الْفُتُوحِ لَفَنَطْتُ عِنْدَ مَا أَنْذَرْتُهَا بِأَخْبَرِ

نومیدی نمی نکرده بودی و تکیه متذکر اعمال زشت خود می شدم بچلی نا امید میگردیدم ای

مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ اللَّهُمَّ

بهترین کسی که او را بدعا بخوانند و نیکوترین کسی که بگوش امیدوار باشند ای خدا

بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوْسَلُ إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ

بعهد و پیمان اسلام بسوی تو توسل جست و بحرمت قرآن

الْفُرَّانِ أَعْمِدُ إِلَيْكَ وَبِحُبِّي لِلنَّبِيِّ الْأُمِّيِّ

وایمان بان از درگاهت اعتماد میطلبم و بدوستیم نسبت به پیغمبر امی

الْفُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ النَّهَائِيِّ الْمَكِّيِّ

قرشی هاشمی عربی تهامی مکی

الْمَدَنِيَّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلَا نُوحِشُ

مدنی نزد تو تقرب میجویم پس تو لطفی کن و انس مرا بواسطه

اسْتَيْنِاسَ اِيْمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ

ایمانم تو «و قرآن و رسالت» بوحشت مبدل گردان و پاداشم را پاداش آنکه غیر تو را

عَبَدَ سِوَاكَ فَإِنَّ فَوْمًا آمَنُوا بِالْسَيْنَةِ مُمْ بِخَفِينُوا

پرستیده قرار ده زیرا قومی بزبان ایسان آوردند تا از شمشیر

بِهِ دِمَائِهِمْ فَأَدْرَكُوا مَا آمَلُوا وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ

اسلام خوششان محفوظ ماند و بارزوی خود رسیدند و ما بادل و زبان

بِالْسَيْنَةِ وَقُلُوبِنَا لِنَعْفُو عَنْهَا فَأَدْرِكُنَا «فَأَدْرِكُنَا»

تو ایمان آوردیم تا از گناهانمان درگذری «و برحمت نازل سازی» ما را هم

مَا آمَلْنَا وَثَبَّتْ رَجَائِكَ فِي صُدُورِنَا وَلَا

بارزویمان برسان و امیدواری بکرم خود را بر دلهای ما ثابت و محقق گردان و دلهای

تُرُغُ قُلُوبِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ

ما را پس از آنکه هدایت یافتیم بگمراهی و تاریکی میفکن و از جانب خود بر ما

لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَوَعِزَّنِكَ

رحمت فرست که بهمانا توئی بخشنده بی عوض بار خدایا بتمام عزت

لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ

قسم که اگر مرا از در لطف خود برانی هرگز از در گاهت بجایی نخواهم رفت و از تعلق و التماس بجحرت

تَمَلُّفِكَ يَا إِلَهَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ

دست نخواهم کشید چرا که قلم شناسا و گواه کرم و رحمت بی پایان

وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى

تو است آری بنده جز بدرگاه مولایش

مَوْلَاهُ وَإِلَى مَنْ بَلَّغَنِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ

کجا رود و مخلوق جز بخالقش بکه پناهنده شود

إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ

ای خدا اگر گردنم را بزنجیرهای قدرت ببندی و عطایت را از میان همه خلق

مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَدَلَّكَ عَلَى فِضَائِحِي عُيُونٌ

از من منع کنی و فضیلت و رسوائیهایم را بچشم خلق

الْعِبَادِ وَأَمَرْتُ بِإِلَى النَّارِ وَحُلَّتْ بَيْنِي «عَجَبٌ»

عیان سازی و فرمان دهی که مرا آتش دوزخ کشند و میان من و نیکان

وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا صَرَفْتُ

جدائی افکنی باز هرگز رشته امیدم از تو قطع نخواهد شد و از امیدمی

تَأْمِيْلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَالْخُرْجِ حُبِّكَ مِنْ قَلْبِي

که بعفو و بخشش دارم مصروف نیشوم و محبتت از دلم بیرون نخواهد رفت

أَنَا لَا أَنْسِي أَبَادِيكَ عِنْدَكَ وَسِرُّكَ عَلَيَّ فِي

من ای خدا عطا و بخششها و پرده پوششهایت را بر من در دار دنیا هرگز

دَارِ الدُّنْيَا سَبِّكَ أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَ

فراموش نخواهم کرد ای سید من حب دنیا را از دلم بیرون بر و

أَجْمَعُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَىٰ وَاللَّهِ خَيْرٌ نِكَ مِنْ

میان من و حضرت مصطفی و فرزندان او فخرت از تمام

خَلْقِكَ وَخَاتِمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ وَانْفُلْنِي إِلَىٰ

خلق و خاتم پیغمبرانت محمد صلی الله علیه وآله جمع گردان و مرا بدرجه و

دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَاعْنِي بِالْبُكَاءِ عَلَيَّ

مقام اهل توبه و بازگشت بدرگاهت برسان و مرا برگریه بر حال خودم

نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالسُّؤْيِ وَالْأَمَالِ عَمْرِي

یاری کن که سخت غم را به تسویف و آرزوهای باطل از دست دادم

وَقَدْ نَزَلَتْ مَنزِلَةَ الْأَيْسِينَ مِنْ خَيْرِهِ فَمَنْ

و اینک بجائی رسیده که از خوبی و اصلاح نفس خود نا امیدم پس از من

يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ أَنَا نَفَيْتُ عَلَى مِثْلِ

بد حال و تبه روزگارتر کیست؛ و ای اگر من با چنین حال منتقل شوم

حَالِي إِلَى قَبْرِهِ لَمْ أَمْهِدْهُ لِرَقْدَتِي وَلَمْ أَفْرُسْهُ

بجانب قبری که برای خوابگاه خود مهیا نکرده و با عمل صالح

بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي وَمَالِي لِأَبِي وَلَا أَدْرِي

در آن بستر فروش گم کردم و چرا بگرمم در صورتیکه نمیدانم

إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَارَى نَفْسِي تُخَارِعُنِي وَ

سیر من تا کجا است و کجا میروم و اکنون می بینم که نفس با من خدعه میکند و

أَبَاي تَخَانِلْنِي وَفَدُخَفَفْتُ عِنْدَ رَأْسِي

روزگار با من مکر می ورزد در حالیکه عقاب مرگ بر سرم

أَجْنَحَةُ الْمَوْتِ فَمَا لِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لَخُرُوجِ نَفْسِي

پروبال گشوده است پس چرا نمیگرم میگریم برای بیرون رفتن جان از بزم

أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِ أَبِي لِضَيْقِ لِحْدِي

میگریم برای تاریکی قبرم میگریم برای تنگی خوابگاهم

أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرِ إِبَائِي أَبْكِي

میگریم برای سؤال منکر و منکر از من میگریم

لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْبَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي

بر آن حالتیکه از قبر برهنه و خوار و ذلیل بیرون آمده و بار سنگین

عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرِي

اعمالم را بر پشت گرفته ام گاهی بجانب راست خود مینگرم و گاهی

عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَاءِ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي

بجانب چپ در حالیکه خلائق هر کسی بکاری غیر کار من مشغولند

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وَجُوهٌ

وهرشخص در آنروز گرفتار کار خویش است که مشغول میدارد در آنروز

يَوْمَئِذٍ مُّسْفَرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ وَجُوهٌ

گروهی رؤسید و لب خندان و دلشاند و گروهی

يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَذِئْبٌ سَبِيحٌ

رخسارشان گرد آلود عسبان و درخبارذلت و خواری مستور است امی سیدین

عَلَيْكَ مُعَوَّلِيٍّ وَمُعْتَمِدٌ وَرَجَائِيٍّ وَتَوَكَّلِيٍّ وَ

همه اطمینان و اعتماد من و تمام امید و توکلم بتو و علاقه خاطر من

بِرَحْمَتِكَ نَعَلْفِي تَصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَ

برحمت و لطف تو است توئی که هر که را بخواهی برحمت نائل میسازی و

نَهْدُكَ بِكَرَامَتِكَ مَنْ يُحِبُّ فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَى

هر که را دوست داری بکرامت هدایت میکنی پس ستایش مخصوص تو است

مَا نَفَيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبِي لَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ

برای آنکه قلب مرا از لوث شرک پاک ساختی و ترا سپاس میگویم برای آنکه زبانم را بذرکت

لِسَانِي أَفِيئِسَانِي هَذَا الْكَلَالِ أَشْكُرُكَ أُمَّ بَغَائِبِي

گشودی آیامن بدین زبان لال شکر و سپاس تو تو انم گفت یا با کمال

جُهْدِي فِي عَمَلِي رُضِيكَ وَمَا قَدَّرُ لِسَانِي

جد و کوشش در عمل رضا و خوشنودیت تو انم بدست آورد زبان من در قبال

بَارَبِّ فِي جَنبِ شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرُ عَمَلِي فِي

شکر تو بقدر و عملم در جنب

جَنبِ نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ إِلَهِي إِنَّ جُودَكَ

نعم و احسانت ناچیز است ای خدا بهانا جود و کرم تو

بَسَطَ أَمَلِي وَشُكْرِكَ قَبْلَ عَمَلِي سَبْدِي

دست امید و آرزویم را بسوی تو دراز کرده و بخش تو عمل «نا قابلم» را پذیرفته ای سید من

إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَإِلَيْكَ رَهْبَتِي وَإِلَيْكَ

شوق و رغبتم همه بسوی توست و بیم و هراسم هم از توست آرزویم بتو

تَأْمِيلِي وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ

منتهی است و امید من مرا بدرگاه تو می کشد و بر درگاه تو

بِأَوَّاحِدٍ عَكْفَتْ هِمَّتِي وَفِيَّاعِنْدَكَ أَنْبَسْتُكَ

ای یگانه مقصودم همتم معکف شده و در آنچه بحضورت «طایر» شوقم

رَغْبَتِي وَ لَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَ خَوْفِي وَ بَيْتِكَ

«پروبال» گشاده و تمام امید و هراسم از تو و انس و

أَنْتَ مَحَبَّتِي وَ إِلَيْكَ الْفَيْتُ بِيَدِكَ وَ بِمَحَبْلِكَ

محبتم منحصر تو و بسوی تو دوست امید گشوده ام و برشته

طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي بِأَمْوَالِي بِذِكْرِكَ

طاعتت با هراسم در آویخته ام ای مولای من بیاد تو

عَاشَ قَلْبِي وَ بِمُنَاجَاةِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ

دلم زنده است و بر باز و نیاز با تو درد ترس را از خود تسکین

عَنِّي فَبِأَمْوَالِي وَ بِأَمْوَمَلِي وَ بِأَمْنَتِي سُوْلِي

میدهم پس ای مولای من و ای آرزوی دل من و ای منتهای مقصودم

فَرَّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَ ذُنُوبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ

تو میان من و گناهانم که مانع «شود حضرتت» و تلازم طاعتت

طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِفَدْرِ الرَّجَاءِ فِيكَ

میشود جدائی افکن که من بامید همیشه و آرزو و طمع بزرگ که بخدمت دهمتم

وَعَظِيمِ الطَّعْنِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ

از تو درخواست حاجت میکنم که تو برذات خویش رأفت

نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ فَالْأَمْرُ لَكَ

و رحمت به بندگان را فرض و لازم کرده امی پس امی خدا حکم و فرمان دهم

وَحَدَاكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ وَأَخْلَقْتُ كُلَّهُمْ عِبَاكَ

عالم باست و ترا شریکی در ملک نیست و خلق همه عیال و ریزه خور خوان احسانت

وَأَبْضَيْكَ وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكَتْ

و در قبضه قدرت تو و همه موجودات عالم پیش حضرت خاضع و فروتن اند بزرگوار خدائی

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلَهِي رَحْمَنِي إِذَا أَنْفَعَتُ

ای پروردگار عالمیان ای خدا در آن هنگام «روز مرگ یا قیامت» که حجت

حُجَّتِي وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ

قطع شود و زبانت از جوابت لال و عقل و هوشم مضطرب میگردد

سُوْا لِكَ اِيْثَاى لُبِّي فَبَا عَظِيْمَ رَجَا اِيْلَا تُخَيِّبِنِي

در آنحال بر من ترحم فرما ای امید بزرگ من گاه سخنی

اِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِيْ وَلَا تُرُدَّنِيْ لِجَهْلِيْ وَلَا

فقر و فاقه مرا از کرمت محروم ساز و بواسطه جهل و نادانیم از درگاهت مرا

تَمْنَعَنِيْ لِفِلَّةِ صَبْرِيْ اَعْطِنِيْ لِفَقْرِيْ وَاَرْحَمْنِيْ

و بکم صبری از لطف منع من کن و چون فقیرم عظیم بخشش و به ناتوانیم

لِضَعْفِيْ سَيِّدًا عَلَيْكَ مُعْتَمِدِيْ وَمُعْوَلِيْ وَ

ترحم کن ای سید من تمام اعتماد و اطمینان خاطر و امید

رَجَاؤِيْ وَتَوَكُّلِيْ وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّفِيْ وَبِفِيْئَتِكَ

و توکل من بتو است و برحمت بی پایانت دل بسته ام و بدرگاه احسانت

اَحْطُ رَحْلِيْ وَبِجُودِكَ اَفْصِدُ طَلِبَتِيْ وَ

بار افکنده ام و بسجود و بخشش از تو مقصودم را میطلبم و

بِكْرَمِيَّتِكَ اَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِيْ دُعَاؤِيْ وَوَلَدَتِكَ

بامید کرمت ای پروردگار دست دعا بسویت میگذارم و فقر و بیوانیم را

أَرْجُو فَاقْتَنِي بِعِغْنَاكَ أَجْبُرْ عَمَلَنِي وَتَحْتِ ظِلِّ

نزد تو آورده و پریشانی و نذاریم را به غنا و بی نیازی تو جبران میکنم و زیر سایه

عَفْوِكَ فِيمَا حَيَّيْتُ إِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ

عفو تو ایستاده ام و بجزد و کرمت چشم

بَصَرِي وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أَدِيبُ نَظْرِي فَلَا تُحْرِفْنِي

گشوده و باحسان قدیمت همیشه نظر من دارم پس مرا با تش

بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي وَلَا تُسْكِنِي

«قهرت» موزان که تو محل امید و آرزوی منی و در راه وی دوزخ من

الْمُحَارِبَةِ فَإِنَّكَ فُرْطَةٌ عَيْبِي بِأَسْبَدِي لَا

جای مده که تو روشنی چشم و نشاط قلب منی ای سید من

تُكْذِبُ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ

حسن نظم را ببطا و احسانت ثابت کن که تو محسن

ثِقَتِي وَلَا تُحْرِمْ مَنِي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ

و ثوق منی و از ثواب خود محروم ساز چرا که از فقر و پریشانی من

بِفَقْرِهِ إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي لَمْ يُفَرِّجْهُ

آگاهی ایخداى من اگر اجل من نزدیک شده و علم مرا بمقام

مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْرَافَ إِلَيْكَ

قرب تو زسانید من هم اعتراف گنناهم را

يَذُنُّنِي وَسَأَلُ عَلَيَّ إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ

اسباب عذر قرار داده ام ای خدای من اگر تو عفو کردی پس که

أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ

سزاوارتر از تو بعفواست و اگر عذاب کردی که از تو در

مِنْكَ فِي الْحُكْمِ أَرْحَمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي وَ

حکم عادل تر است در این دنیای « پرگيرودار » بحال غرتم رحم کن و

عِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي وَفِي

بهمام مرگ برغم و حترتم و در قنبر و در الحسد بتنهائی

الْحَدِّ وَحُشْنِي وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ

دو حشتم رحم کن و چون برای حساب نامه علم گشوده شود

بَدَيْكَ ذُلًّا مَوْفِي وَاغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ

بحال ذلتم در پیشگاه عظمت ترحم فرما و گناهای من را که از چشم

الْأَدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي وَأَدِمْ لِي مَا بِهِ سَأَرْتَنِي

مردم پنهان است بر من بخش و لطفی که بآن گناهای من را مستور کرده ای برقرار دار

وَارْحَمْنِي سَرِيحًا عَلَى الْفِرَاشِ تَفْلِبْنِي أَبَدًا

و باز هم ترحم کن آنگاه که در بستر مرا افتاده و قادر بر حرکت نیستم و دست دوستان مرا

أَحِبَّنِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَى الْمَغْتَسَلِ

حکمت میدهد و تفضل فرما بر من آنگاه که در وقت غسل

يُقَلِّبْنِي «بَغْسَلْنِي» صَالِحُ جِبْرَتِي وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ

دادن دست همایگان صالح براست و بهم میگرداند و لطف و مهربانی کن

مَحْمُولًا قَدْ نَنَاوَلِ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي

آنگاه که خویشانم اطراف جنازه ام را بر گرفته اند

وَجِدْ عَلَيَّ مَنَّوَلًا فَذَرِكْ بِكَ وَجِيدًا فِي

و آنگاه که از این جهان رخت بر بستم و در قبر بر حضرتت

حُفِرَ فِي وَارْحَمَ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ

تنها وارد شدیم برین بخش و در آن منزل تازه بر غریبتم ترحم

عُرْبِي حَتَّى لَا أَسْأَلَنَّ بِغَيْرِكَ بِأَسْبَدِ

فرما تا آنجا هم بغیر تو انس و الفت نگیرم ای سید من

إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكَ سَيْدِكَ فَمَنْ

اگر تو مرا بخودم واگذاری هلاک خواهیم شد آقای من اگر تو

أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تُفِلْنِي عَثْرَتِي فَاِلَى مَنْ أَفْرَعُ

از لغزشهای من درگذری پس من بسوی که پناه برم و بدرگاه که زاری کنم

إِنْ فَفَدْتُ عِنَابَكَ فِي ضَجْعِي وَإِلَى مَنْ

اگر غایتت در خواجگاه مرگ شامل حالم نشود و بکدام در

الْبَيْتِ إِنْ لَمْ تُنْقِسْ كُرْبِي سَيْدِكَ مَنْ لِي وَمَنْ

پناهنده شوم اگر تو غم و اندوهم زایل نگردانی ای آقای من اگر تو بمن رحم نکنی

بِرَحْمَتِي إِنْ لَمْ تُرْحَمْنِي وَفَضْلٍ مَنْ أَوْمِلُ

من که رادارم و که بمن خواهد کرد و اگر فضل تو شامل حالم نشود

إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَإِلَى مَنْ

بفضل و کرم که روز بیچاری امیدوار باشم و بسوی که

الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي سَبِّدَا

از گناهایم آنگاه که اجلم فرا رسد تو انم گریخت ای آقای من

لَا نُعَذِّبُكَ يَا أَبَا رَبِّكَ إِيَّاهُ «اللَّهُمَّ» حَقِيقٌ

مرا عذاب کن زیرا که بتو امیدوارم ای خدا امیدم را بحضرت کریمت

رَجَائِي وَإِمْنٌ خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو

ثابت و محقق ساز و ترسم را باینی مبدل گردان که از بسیاری گناهایم جز بعبود

فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ سَبِّدَا نَا أَسْأَلُكَ يَا أَسْتَحِقُّ

و بخشش بجائی امید ندارم ای سید من از تو چیزی میطلبم که استحقاق آنرا ندارم

وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاعْفِرْ

ای تو اهل تقوی و آمرزشی « یعنی از تو باید ترسید و بلطف تو باید امید داشت » پس تو از من

لِي أَلْبَسَنِي مِنْ نَظْرِكَ ثَوْبًا يُغَطِّي عَلَيَّ النَّبَاتِ

در گذر و بنظر لطف لباسی که ز شتیهایم بپوشاند در پوشان

وَتَغْفِرْهَا لِي وَلَا أُطَالِبُ بِهَا إِنَّكَ ذُو مَرْنٍ

و از آن اعمال زشت درگذر که دیگر مواخذه ام نفرمائی چرا که تو صاحب احسان

فَدَيْدٍ وَصَفْحٍ عَظِيمٍ وَتَجَاوُزٍ كَرِيمٍ إِلَهِي

همیشگی و بخشش عظیم و گذشت بزرگوارانه ای خدا

أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَبِّكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ

تو آن کریمی که احسانت بر آنکس هم که از تو درخواست نکند افاضه میشود

وَعَلَى الْجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ سَبِّكَ

بلکه بر منکران خدائیت هم میرسد پس چگونه آقایی من

بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَبْفَنَ أَنْ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ

بر آنکس که از تو مسألت کرده و بیقین و ایمان کامل میداند که خلق همه از تو و فرمان بر خلق

إِلَيْكَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

مختصّ است نخواهد رسید بزرگوار و بلند مرتبه ای پروردگار عالمیان

سَبِّكَ عَبْدُكَ يَا بَابِكَ أَفَامْنَهُ الْخِصَاصَةُ

ای آقایی من بنده مسکین ترا فقر و بیچارگی بدرگاه کرم تو باز داشته

بَيْنَ بَدَبِكَ بِقَرَعُ بَابِ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ

و حلقه در احسانت بدعا میزند

وَبَسَّعْتَ جَمِيلَ نَظْرِكَ بِمَكُونِ رَجَائِكَ

و امیدوار است که تو توجّهات عالی تو در باره اش منطف گردد

فَلَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي وَاقْبَلْ

پس تو بزرگواری و کرم روی از من مگردان و تقاضایم

مِنِّي مَا أَقُولُ فَفَدِّ دَعْوَتَكَ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنَا

قبول فرما که من ترا باین دعای خواندم و امید آن

أَرْجُو أَنْ لَا تُزِدَنِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَ

دارم که دعایم را رد نفرمائی چرا که من برآفت و مهربانی تو

رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُجْفِيكَ سَأَلُ وَ

آگاهم ای خدا تو آن کریمی که سائل تو را خسته نمیکند و

لَا يَنْفُصُكَ نَأْلُ أَنْتَ كَمَا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ

از عطا و بخشش ترا نقصانی نیرسد تو در اوصاف کمال بقامی که خودت سایش خودت توانی کرد و از آنچه ما بگوئیم بزرگی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَفَرَجًا قَرِيبًا

ای خدا من از تو درخواست میکنم صبری نیکو و گشایشی نزدیک

وَقَوْلًا صَادِقًا وَآجْرًا عَظِيمًا أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ

و زبانی گویای بصدق و حقیقت و پاداشی بزرگ ای خدا درخواست میکنم

مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عِلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ

از خیر و خوبیها همه را آنچه را دانسته و آنچه را ندانسته ام

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ

بار خدا یا از تو درخواست میکنم از بهترین چیزی که از آن بندگان

عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ بِأَخْبَرِ مَنْ سَأَلَ وَأَجُودَ

صالحات درخواست کردند ای بهترین کسیکه از او درخواست توان کرد و

مَنْ أَعْطَى أَعْطَى سَوْطِي فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ

بهترین عطا بخش درخواست مرا درباره شخص خودم و اهل بیت و

وَالِدَتِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي حُرَّانِي وَإِخْوَانِي

والدینم و فرزندانم و خاندانم و برادران خداپرستم همه را

فِيكَ وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأَظْهِرْ مُرُوبِي وَأَصْلِحْ

عطا فرما و عیشم را خوش و مروت و قوتم را محکم و آشکار گردان و جمیع

جَمِيعَ أَحْوَالِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطْلَكَ عُمُرَهُ وَ

احوالم را اصلاح فرما و مرا از آنان قرار ده که عمرش طولانی و

وَحَسَنَتِ عَمَلِهِ وَأَتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ وَ

عملش نیکو و نعمتت را بر او کامل گردانیده ای و

رَضِيتَ عَنْهُ وَأَحْبَبْتَهُ جَوْهَةً طَيِّبَةً فِي

از او خوشنودی و حیات خوش با نشاط

أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغِ الْكِرَامَةَ وَأَنْفِرِ الْعَيْشِ

دائم ابدی با نیکوترین مکرمت و تمام ترین زندگانی باو رحمت

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ

فرموده ای که تو خدائی و هر چه بخواهی بقدرت کامله میکنی و غیر تو کسی هر چه بخواهد نتواند کرد

اللَّهُمَّ خَصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ

ای خدای مرا بذکر خاصت مخصوص گردان و هر عمل که

سَبَّامِنَا أَنْتَقَرَبُ بِهِ فِي أَنْاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ

برای تقرب بحضرت در ساعات شب و اطراف

النَّهَارِ رِبَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَ

روز بجای آرم ریا و خودنمایی و بطالت و حیاشی قرارده « بلکه در آن عمل اخلاص کالم

اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي

عطاکن « و مرا از بسندگان خاشع خود بگردان خدایا مرا روزی

السَّعَةِ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنِ فِي الْوَطَنِ وَفُرْةَ

وسیع عطاکن و نعمت امنیت بخش و اهل

الْعَبْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ وَالْمُقَامِ فِي

و مال و فرزند را روشنی چشم و شادمی خاطر گردان و نعمت هاییکه

نِعْمِكَ عِنْدَكَ وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْفُؤَادَ فِي

مرا عطا کرده ای پاینده ساز و تنم را سالم و نیرومند و

الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي

دینم را « از دست شیطان » محفوظ دار و پیوسته عمرم را

بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

بکار طاعت خود و رسالت « حضرت » محمد

اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْإِلَهَ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي وَ

صلی الله علیه وآله مدار و

اجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي

ما از آن بندگان که نزد تو نصیبشان از

كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَنَزَّلْتَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي

همه وافرتر است مقرر فرما و هم در خیر و برکتیکه نازل کرده ای و نازل خواهی کرد

لِبَلَاءِ الْقَدْرِ وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ

در ماه مبارک رمضان در شب قدر و هم آنچه در هر سال نازل خواهی کرد از

رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا وَبَلِيَّةٍ نَدْفَعُهَا

رحمت که منتشر بر خلق میگردانی و لباس عافیتی که به بندگان میپوشانی و هر بلیه و آلامی که بر طرف

وَحَسَنَاتٍ تَقْبَلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَ

میکنی و نیکوئیهای که قبول میکنی و سیئات و گناہانی که از آن در میگذری و ابره میزدنی

ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَ

و حج بیت الحرام را در این سال

فِي كُلِّ عَامٍ ارْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ

و همه سال دیگر و روزی وسیع از فضل و کرم بی پایانت

الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ عَنِّي بِأَسْبَدِ الْأَسْوَاءِ وَ

نصیب فرما و شر و بدبهارا ای آقای من از من دفع گردان و

افْضِ عَنِّي لِدِّينِ وَالظُّلَمَاتِ حَتَّى آتَانِي

دین و مظالمی که بر ذمه دارم بکرمت ادا ساز تا دیگر در اذیت و رنج

بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخَذْ عَنِّي بِأَسْمَاعِ أَضْدَادِي وَ

و غم از قبل هیچیک از آنها نباشم و چشم و گوش دشمنان و

أَبْصَارِ أَعْدَائِي وَحُسَادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَ

حسادان و بیدادگران را بر من ببند و مرا

انصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَأَفِرَّ عَيْبِي وَحَقِّقْ ظَنِّي وَ

بر آنها نصرت ده و غالب گردان و دیده ام را روشن و دل را شاد فرما و

وَفَرَّجْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرْجًا

و از هر غم و هتم و پریشانیم گشایش

وَمَخْرَجًا وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ

و در غمی بخش و هر کس از خلق با من سوء قصد می کند

خَلْقِكَ تَحْتِ قَدَمَيَّ وَاقْنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ

زیر قدم قدرتم پایمالش ساز و شتر شیطان و شتر

وَشَرِّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهِّرْ لِي

سلطان و شتر اعمال بدم را از من کفایت فرما و از تمام

مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَآخِرْجَنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ

گناهان مرا پاک گردان و بعفو و کرمی از آتش دوزخم نجات بخش

وَادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ

و بلطف و رحمت بهشت ابدم داخل گردان و بفضلت با حور

الْعَبِيرِ بِفَضْلِكَ وَالْحَقْنِي بِأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ

العیسم قرین ساز و مرا با اولیاء صالح خود یعنی

مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ

محمد و آل ابرارش که آنان نیکویان و پاکان و پاکیزگان

الْأَخْبَارِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ أَجْسَادِهِمْ

و برگزیدگان عالمند درود و رحمت و برکاتت بر آنجا و

وَعَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ

جسم و جان آنان باد محشور گردان

إِلَهِي وَسَيِّدَا وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَسُنُّ

ای خدای من و سید من بعزت و جلالت قسم که اگر تو

طَالِبْتَنِي بِذُنُوبِي لِأَطْلِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَ

از من بگناهانم بازخواست کنی من هم بعفو و بخششت از تو بازخواست خواهم کرد

لَسُنُّ طَالِبْتَنِي بِلُؤْمِي لِأَطْلِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ

و اگر از من بیامت و خواریم بازخواست کنی من هم بکرم و بزرگواریت از تو بازخواست خواهم کرد

وَلَسُنُّ أَدْخَلْتَنِي لِنَارِ الْأَخْيَرِ أَهْلَ النَّارِ

و اگر بدوزخم داخل سازی اهل آتش را از محبتم تو آگاه

بِحُبِّي لَكَ إِلَهِي وَسَيِّدِي إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا

خواهم ساخت ای خدای من و سید من اگر تو بر غیر اولیاء

لِأَوْلِيَاءِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْرَعُ

خود و اهل طاعت خویش بختانی پس گناہکاران بدرگاه که تفرع

الْمُذْنِبُونَ وَإِنْ كُنْتَ لَا تَكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ

و زاری کنند و اگر تو با غیر وفادارانست «آنانکه بر عهد خدا وفا کردند یعنی معصومین» اولیاء

بِكَ فِيمَنْ يَسْتَعِثُّ الْمُسِيبُونَ إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي

حق «اکرام و احسان نفرائی پس بدکاران بدرگاه که پناهنده شوند ای خدا اگر مرا در آتش

النَّارِ فَفِي ذَلِكَ سُورُودٌ لَكَ وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي

برمی در اینصورت دشمنت «شیطان» شاد میشود و اگر در بهشت برمی

الْجَنَّةِ فَفِي ذَلِكَ سُورُودٌ نَبِيِّكَ وَأَنَا وَاللَّهِ

پیغمبرت «حضرت محمد ص» شاد خواهد شد و من بخدا قسم

أَعْلَمُ أَنَّ سُورُودَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُورُودِ

یقین دارم که تو سُورود پیغمبرت را دوست تر داری از سُورود

عَدُوَّكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي

دشنت ای خدا از تو درخواست میکنم که دلم را مملو از دوستی

حُبَّكَ وَخَشْيَةَ مِنْكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ

خودگردانی و شراشتر قلبم را بر از خوف و خشیت خود و تصدیق بکتاب خود

وَإِيمَانًا كَامِلًا بِحَضْرَتِكَ وَفَرَفَامِنِكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ يَا

وایمان کامل بحضرت گردانیده و دلم را پر غم و اندوه خود و شوق تقامی خویش سازی ای

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِيبِ إِلَيَّ لِقَائِكَ وَ

خدای صاحب جلال و بزرگواری ملاقات خود را محبوب من و ملاقات

أَحْبِبِ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَ

مرا محبوب خود گردان و در هنگام تقامی خویش برایم راحت و

الْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ اللَّهُمَّ أَلْحِفْنِي بِصَالِحٍ مِنْ

گشایش و کرامت مقرر فرما ای خدا مرا بصالحان گذشته

مَضَى وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مِنْ بَنِي وَحْدَتِي

در پیوند و از صالحان باقی قرارده و براه

سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَانِعِينَ

صالحانم رهوار ساز و مرا بر مخالفت هوای نفس خود

بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِ

آبچه صالحان را یاری کردی مدد فرما و ختم کارم را نیکوترین عمل گردان

وَأَجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَعِنِّي

و پاداشم را از آن عمل نیک برحمت بهشت ابد و تدارک ده و مرا یاری کن که

عَلَى صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي وَثَبَّتَنِي بِأَرْبٍ وَلَا

هر نعمتی که بمن عطا کرده ای بشایستگی و صلاح کار بندم و مرا ای خدا ثابت قدم بدار و

تُرِدَّنِي فِي سُوءٍ إِسْتَقْدَنْتَنِي مِنْهُ بِأَرْبٍ

بسوی بلا و مهلکه ای که از آن نجاتم داده ای برگردان «و دعایم مستجاب گردان»

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي سَأَلْتُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ

ای پروردگار عالم ای خدا از تو درخواست میکنم ایمان ثابتی که تاروز

لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَحِبَّنِي مَا أَحَبَّبْتَنِي عَلَيْهِ وَ

لقای تو باقی ماند و بر آن ایمان نازنده ام مرا باقی دار و

تَوْفَنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي إِذَا

بر آن بمیران و بر آن ایمانم در قیامت

بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَأَبْرءُ قَلْبِي مِنَ الرِّبَاءِ وَالشَّكِّ

بر انگیزان و دلم را از ریا و خودنمایی و شک و ظاهرسازی

وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا

در دینت بیزار گردان تا عملم خالص برای تو

لَكَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي

باشد ای خدا مرا بصیرتی در دین خود و فراستی در

حُكْمِكَ وَفَهْمًا فِي عِلْمِكَ وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ

حکم خود و فهم و هوشی در علم کتاب خویش عطا فرما و کفیلین از رحمت بخش

وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَبَيْضُ وَجْهِ

و مقام ورعی بخش که مانع از هر چه عصیان تست گردد و بنور معرفتت رؤسفیدم

بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ وَتَرْفِي

کن و میل و رغبتم را آنچه در جهان با نزدت معطوف گردان «نه میل بدینجهان فانی ساز» و مرا براه

فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي

«رضای» خود و بر آئین پیغمبرت بمیران بار خدا یا

أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ وَالْهَمِّ وَ

پناه میبرم تو از صفات رذیله ترس و بددی و کسالت و مهملی و

الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْفُسُوقِ وَالذُّلِّ وَ

اندوه و هراس و بخل و غفلت و قنات قلب و ذلت و

الْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَ

بیچارگی و فقر و ناداری و هر بلیه و رنج و

الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

هر رشتی ظاهری و باطنی و نیز پناه میبرم تو از

نَفْسٍ لَا تَفْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ

نفسی که قناعت نکند و شکمی که از دنیا سیر نشود و دلی که از تو خاشع و ترسان نباشد

وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَأَعُوذُ بِكَ

و از دعائی که مستجاب نشود و عملی که سود نبخشد و نیز پناه میبرم تو

بَارَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعِ مَا

ای خدا که جان و دین و مال و هر نعمتی که روزیم

رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّكَ أَنْتَ

کردی همه را از دستبرد دیو رجیم شیطان محفوظ داری که البته توشنوی دعای

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ

بندگان و دانای بمصالح خلقی ای خدا هیچکس مرا از قهر تو پناه

أَحَدٌ وَلَا آجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِذًا فَلَا تُجْعَلْ

تواند داد و جز تو طبعاً و پناهی ندارم پس مرا در دنیا و

نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تُزِدْنِي بِهَلَاكِهِ

عقبی هیچیک از عقوبت تایت مبتلا گردان و هیچ مهلكه

وَلَا تُزِدْنِي بِعَذَابِ أَلِيمٍ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي

و عذاب دردناک باز میفکن ای خدا علم پذیر

وَأَعْلِي ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ وَزُرِّي

و نام بلند گردان و درجه ام را برفع ساز و گناه هم بپزیر

وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي

و خطایم را یادآورم ما ز و پادشاه و نشستن

و ثَوَابَ مَنْطِقِي وَ ثَوَابَ دُعَائِي وَ رِضَاكَ وَ

و سخن گفتن و دعا و تضرع را رضا و خوشنودیت و

الْجَنَّةَ وَ اعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ

بهشت ابدت قرارده و ای خدا بکرمت هر چه درخواست کردم همه را عطا فرما و

زِدْ نِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبِّ

زیاده بر آن از فضل و رحمت بخش که دل من ای پروردگار عالم بسوی تو مایل

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ

و مشتاق است ای خدا تو در کتابت آیاتی نازل فرمودی که

الْعَفْوَ وَ أَمَرْنَا أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَ قَدْ

ما از هر کس در حق ما ظلم و ستم کرده عفو کنیم و ما در حق

ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ

نفس خود ظلم کردیم تو هم از ظلم ما عفو فرما که تو در این عفو و بخشش از ما سزاوارتری

مِنَّا وَأَمَرْنَا أَنْ لَا تَزِدَّ سَأَلًا عَنْ آبَائِنَا وَ

و باز بما امر فرمودی که سألی را از درگاه خود محسوم بزرگوارانیم و

قَدْ جِئْتُكَ سَأَلًا فَلَا تَزِدْ فِي إِلَّا بِفَضَاءٍ

من هم سألتم بدرگاه کرمت پس مرا تا حاجتم روا نسازی

حَاجَتِي وَأَمَرْنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَى مَا مَلَكَتْ

بازگردان و باز بما امر فرمودی که در حق هر که در ملک و تصرف است «یعنی بندگان و

أَيْمَانُنَا وَنَحْنُ أَرْقَاءُكَ فَاعْتِنُقْ رِقَابَنَا مِنْ

عیالان» نیکی و احسان کنیم و ما بندگان توایم تو هم در حق ما نیکی کن و از آتش قهرت آزادمان

النَّارِ بِأَمْفَرَعِي عِنْدَكَ رَبِّي وَبِأَعْوِثِي عِنْدَ

ساز ای سیکه در هنگام بلا و رنج ملجأ و پناه و در سختیها فریادرس

سِدَّتِي إِلَيْكَ فَرِعْتُ وَبِكَ اسْتَعْتْتُ وَبِكَ

مأمن من بدرگاه تو می‌نالم و از تو فریادرسی می‌طلبم و بتو

لَذْتُ لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا

پناه آورده‌ام نه کسی دیگر جز تو و از درمی جز درگاهت گشایشی نمی‌طلبم

مِنْكَ فَأَغِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي بِأَمْنٍ بِقَبْلِ الْبَسِيرِ

پس تو ای خدا بفریادم رس و عقده های قلمم بکشا ای آنکه عمل ناچیز را میپذیری

وَبَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلَ مِنِّي لِبَسِيرٍ وَاعْفُ

واژگن بکاران بسیار در میگذری از من هم این عمل کم را بپذیر و از گناهان

عَنِّي الْكَثِيرِ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ اللَّهُمَّ

بسیارم درگذر که تو بسیار مهربان و آمرزنده ای ای خدا

إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا نَابُشْرِيهِ قَلْبِي وَبَفِينَا

من از تو درخواست میکنم ایمانی ثابت که همیشه در قلمم برقرار باشد و یعنی کامل

حَتَّى أَعْلَمَ أَنََّّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي

تا بدانم که بمن جز آنچه قلم تقدیر تو نگاشته نخواهد رسید

وَرَضِيَنِ مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي بِأَرْحَمِ

و مرا در زندگانی بجهت چه قسم کردی راضی و خوشنود ساز ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ

مهربانان عالم .

مختصرترین عای سحر که در کتاب اقبال ذکر کرده است:

بِأَمْرِ عِيٍّ عِنْدَ كُرْبَانِي وَبِأَعْوَجِّ عِنْدَ شِدَّتِي

ای آنکه هنگام بلا ورنج طجاً و پناه و در سختیها فریاد رس منی

إِلَيْكَ فَرِعْتُ وَبِكَ اسْتَعَثْتُ وَبِكَ لَذْتُ

من بد گاه تو می‌نالم و تو را فریاد رس میدانم و بتو پناه آورده‌ام

لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ

نه کسی دیگر جز تو و از درمی جز درگاهت گشایش نمی طلبم

فَاعِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي بِأَمْنٍ بِقَبْلِ الْبَسِيرِ وَ

پس تو ای خدا بفریادم رس و عقده‌های قلم بگشا ای آنکه عمل اندک و ناچیز بندگان را می‌پذیری

بِعَفْوَعِنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلْ مِنِّي لِبَسِيرٍ وَاعْفُ

واز گناهان بسیار در میگذری از من هم این عمل کم را بپذیر و از گناهان

عَنِّي لِكَثِيرٍ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ

بسیارم درگذر که تو بسیار مهربان و آمرزنده ای ای خدا

إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا نُبَا شَرِبِهِ قَلْبِي وَبَقِينًا

من از تو درخواست میکنم ایمانی ثابت که همیشه در قلبم برقرار باشد و یقینی کامل

حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ

تا بدانم که بن جز آنچه قلم تقدیر تو نکاشته نخواهد رسید

لِي وَرَضِّنِي مِنَ الْعَبْسِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ

و مرا در زندگی بھرچه قسمتم کردی راحی و خوشنود ساز ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ يَا عِدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي

مهربانان عالم ای قوت و ذخیره روزیخ و غم من و ای یار و یاور روز

سِدَّتِي وَيَا وَاوَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي وَيَا غَائِبِي فِي

سخنی من و ای ولی نعمت من ای منتهای آرزوی

رَغْبَتِي أَنْتَ السَّائِرُ عَوْرَتِي وَالْأَمِينُ رَوْعَتِي

من توئی که عیب و زشتیهای مرا میپوشانی و از هر چه هراسان بینم که این میازی

وَالْمُقْبِلُ عَثْرَتِي فَأَعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و لغزشهایم را عفو کرده و از خطایم درمیگذری ای خدا جرم و خطایم را بخش ای مهربانترین مهربانان عالم

دیگر از دعاهائی که در سحر این ماه باید خواند اینست :

إِلٰهِي وَفَتَ السَّائِلُونَ بِبَابِكَ وَلَا ذَا الْفُقَرَاءِ

بار خدایا در خواست کنندگان در « خانه » تو ایستاده اند و فقرا بآستانه حضرت تو

بِجَنَابِكَ وَوَفَّتْ سَفِينَةُ الْمَسَاكِينِ عَلَى

پناه آورده اند و کشتی مساکین بر ساحل دریای کرمت

سَاحِلِ بَحْرِ كَرَمِكَ بِرَجُونَ الْجَوَّازِ إِلَى سَاحَةِ

لنگر انداخته جواز ورود به ساحت رحمت

رَحْمَتِكَ وَنِعْمَتِكَ إِلٰهِي إِنْ كُنْتُ لَا تُرْحَمُ فِي

و نعمت می طلبند بار خدایا اگر مورد لطف و رحمت قرار

هَذَا الشَّهْرِ الشَّرِيفِ الْإِلْمَنِ أَخْلَصَ لَكَ فِي

نیمه در این ماه شریف مگر آمان را که در روزه و نمازشان

صِبَامِهِ وَفِي بَامِهِ فَمَنْ لِلْمُذْنِبِ الْمُقْصِرِ إِذَا

بتو اخلاص کامل داشته اند پس کیست که رحمت آورد بر گناهکاری که

غَرَقَ فِي بَحْرِ دُنُوبِهِ وَأَثَامِهِ إِلَهِي إِنْ كُنْتُ

در عبادتش کوتاهی کرد و در دریای گناهان و بدکاریش غرق شده است بارخدا یا اگر مورد رحمت

لَا تَرْحَمُ إِلَّا الْمُطِيعِينَ فَمَنْ لِلْعَاصِيينَ وَإِنْ

قرار نیدهی مگر آنهاییکه تورا اطاعت کرده اند پس که ترحم خواهد کرد بر آنها نیکه سرکش کرده اند

كُنْتُ لَا تَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْعَامِلِينَ فَمَنْ

و اگر قبول نمیکنی مگر از آنها نیکه بوظایف بندگی عمل کرده اند پس که قبول خواهد کرد

لِلْمُقَصِّرِينَ إِلَهِي رِيحَ الصَّائِمُونَ وَنَاذِرَ

آنانکه کوتاهی کرده اند بارخدا یا روزه داران سود بردند و نماز گذاران

الْقَائِمُونَ وَبَنِي الْمُخْلِصُونَ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ

رستگار شدند و آنان که از روی اخلاص بندگی کردند نجات یافتند و ما بندگان

الْمُذْنِبُونَ فَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ وَأَعْنِقْنَا مِنَ

گناهکار توایم پس رحمت کامله خود بر ما رحم کن و ما را از آتش آزاد

النَّارِ وَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَلِكُلِّفِ الْمُؤْمِنِينَ

فرما و گناهان ما و تمام مؤمنین و مؤمنات را بلطاف

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و رحمت خود بیامرز ای مهربانترین مهربانان

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ .

و درود پروردگار بر محمد و اولاد پاکیزه او باد

اعمال شبهای قدر

اعمال شبهای قدر بر دو نوع است یکی آنکه در هر سه شب باید کرد ،
دیگر آنکه مخصوص است بهر شبی .

اعمال مشترک در هر سه شب چند چیز است : ۱- غسل علامه مجلسی فرمود
که غسل این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با
غسل بکند . ۲- دو رکعت نماز ، که در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه
توحید بخواند و بعد از فراغ هفتاد مرتبه **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَنْتُوبُ إِلَيْهِ**

بگوید . و در روایت نبوی هم است که از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را
و پدر و مادرش را بیامرزد ، آنخبر .

۳- قرآن مجید را بشاید و بگذارد در مقابل خود و بگوید :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا

بار خدایا من از تو درخواست میکنم بکتاب نازل شده تو «قرآن» و بحق آنچه

فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَأَسْمَاؤُكَ

در آنت و در آن نام بزرگ و نامهای نیکوی

الْحُسْنَى وَمَا يُخَافُ دَرْجِي أَنْ تُجْعَلَنِي مِنْ

تو است و آنچه بیم و امید است که مرا از

عُقَاةِكَ مِنَ النَّارِ

آزادشدگان از آتش متاردهی .

پس هر حاجت که دارد بخواهد . ۴- آنکه قرآن مجید را بگیرد

و بر سر بگذارد و بگوید :

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْفُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلَهُ

خدایا بحق این قرآن و بحق کسیکه باو فرستادی آن را

بِهِ وَيَحْوِي كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدْحُنَهُ فِيهِ وَ

و بحق ہے مومنی کہ در آن اورا ستودی و

بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدًا عَرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ

بحق تو بر آنها کہ احدی شناساتر بحق تو از خودت نیست

پس ده مرتبہ بگوید **يَا اللَّهُ** و ده مرتبہ **بِحَمْدِ** و ده مرتبہ

بِعَلِيٍّ و ده مرتبہ **بِفَاطِمَةَ** و ده مرتبہ **بِالْحَسَنِ** و ده مرتبہ

بِالْحُسَيْنِ و ده مرتبہ **بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ** و ده مرتبہ **بِمُحَمَّدِ**

ابْنِ عَلِيٍّ و ده مرتبہ **بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ** و ده مرتبہ **بِمُوسَى بْنِ**

جَعْفَرٍ و ده مرتبہ **بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى** و ده مرتبہ **بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ**

و ده مرتبہ **بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ** و ده مرتبہ **بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ** و ده مرتبہ

بِالْحُجَّةِ پس ہر حاجت کہ دارد طلب کند .

۵ - زیارت کند امام حسین علیہ السلام را ، در خیر است کہ چون شب

قدر میشود منادی از آسمان بفہتم ندا میکند از بطنان عرش کہ حق تعالی آمرزید ہر کہ

را بز زیارت قبر حسین علیہ السلام آمدہ .

۶- احوال بد را در این شبها را همانا روایت شده هر کس احیاء کند شب
قدر را گناهان او آمرزیده شود هر چند بعد از سالگان آسمان و سنگینی کوهها
و کیل دریا باشد .

۷- صد رکعت نماز که فضیلت بسیار دارد و افضل آنست که در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه توحید بخواند .

۸- بخواند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا**

بار خدایا من شام کردم بنده ای آستان بوت

دَاخِرًا إِلَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا

که مالک سود و زیانی نیستم و نتوانم از خود

أَصْرَفْتُ عَنْهَا سُوءًا أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي وَ

بدی بگردانم بدان بر خود گواهی میدهم و آستان تو

اعترفتُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقِلَّةِ جِبَلَتِي

بنا توانی و بیچارگی خود اعتراف میکنم .

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي

پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و بمن و همه مؤمنین

وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنَ الْمَغْفِرَةِ

و مؤمنات آنچه از آمرزش در این شب وعده فرمودی

فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ مَا اٰثَمْتَنِي فِيهِ

و فاکن و آنچه بر من مرحمت فرمودی تمام و کمال گردان زیرا که من

عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ

بنده مسکین و مستمند و ناتوان و درویش و

الْمَهِينُ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي نَاسِبًا لِذِكْرِكَ فِيمَا

خوار تو هستم یا خداوند مرا از یاد تو فراموشکار گردان در آنچه

أَوْلَيْتَنِي وَلَا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَعْطَيْتَنِي وَلَا

بمن عطا کردی و نه «غافل» از احسانت در آنچه بمن دادی و نه

أَيْسًا مِنْ إِبْطَانِكَ وَإِنْ أَبْطَأْتُ عَنِّي فِي سَرَاءِ

نومید از اجابتت و اگر دیرهم باشد بر من در نهان باشم

أَوْضْرَاءَ أَوْ شِدَّةِ أَوْ رَحَاءِ أَوْ عَافِيَةِ أَوْ بَلَاءِ

یاد زیان یا سختی یا آسایش یا عافیت یا بلا

أَوْ بُوسٍ أَوْ نِعْمَاءِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

یاد تنگی یا در نعمت بدستیکه تو شنوای دعائی

و این دعا را کفعمی از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که در این شبها میخوانده اند در حال قیام و قعود و رکوع و سجود و علامه مجلسی فرموده که بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا برای مطالب دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن مُرده و زنده ایشان است و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در این شب بخوانند و روایت شده که خدمت حضرت رسول عرض شد که اگر من در رک کردم شب قدر را از خداوند چه بخواهم فرمود عافیت را

اعمال مخصوصه این شبها

پس اعمال شب نوزدهم چند چیز است: ۱- صد مرتبه **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي**

وَأَنْتُوبُ إِلَيْهِ ۲- صد مرتبه **اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ**

۳- بخواند: **بِذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ**

ای آنکه پیش از هر چیز بوده

شُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ثُمَّ بَقِيَ وَبَقِيَ كُلُّ شَيْءٍ

پس هر چیز را آفرید و او باقی است و هر چیز فانی شود

بِذَا الَّذِي لَبَسَ كِشْلَهُ شَيْءٌ وَبِذَا الَّذِي

ای آنکه بماند او چیزی نیست و ای آنکه

لَبَسَ فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَى وَالْأَرْضِ فِي

نه در آسمانهای بلند و نه در زمینهای

السُّفْلِ وَالْفَوْقَهُنَّ وَالْأَتْحَهُنَّ وَلَا يَبْنَهُنَّ

پست و نه در بالای آنها و نه در زیر آنها و نه در میان آنها

إِلَهُ يُعْبَدُ غَيْرُهُ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَفْوَى

معبود سحقی که پرستش شود جز او نیست حمد مبراست آن سپاس که کس نتواند

عَلَى إِحْصَائِهِ إِلَّا أَنْتَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

جز تو آنرا بشود پس درود فرست بر محمد و

إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَوَةٌ لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ

آل محمد درودی که جز تو کس نتواند آنرا بشرد

۴ - بخواند: اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيهَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ

بارخدا یا مقرر فرما در قضا و قدرت از امر

مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْنُومِ فِيهَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ

حتی «که کسی را از آن گزیرمی نیست» و در آنچه جداکنی از امور

الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَفِي الْفَضَاءِ الَّذِي

حکیمان در شب قدر و در قضائی که تغیر

لَا يَبْرُدُ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ

نمیکند ورد و بدل نمیشود که بنویسی مرا از حاجیان

بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ جَهْمُ الْمَشْكُورِ

بیت الحرامت آنان که حجتشان قبول و کوشش آنان

سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ

قدردانی شود و آمرزیده گردد گناه نشان و جبران شود

سَبِيئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيهَا نَقْضِي وَتُقَدِّرَاتُ

بدکردارهایشان و مقرر فرما در قضا و قدرت اینکه

تُطِيلَ عُمْرَهُ وَتُوسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَتَفْعَلَ

طولانی گردانی عمر را و وسعت دهی بر من روزیم را و بفرمائی

بِي كَذَا وَكَذَا . و بجای این کلمه حاجات خود را ذکر کند .

با من چنین و چنان و بجای « چنین و چنان » حاجت خود را ذکر کند .

شَبِّ بَيْتٍ وَكَيْمُ فَضِيلَتِهِ از شب نوزدهم زیادتر است و باید

اعمال آن شب را از غسل و احیاء و زیارت و نماز مهفت قل هو الله و قرآن بر سر گرفتن

و صد رکعت نماز و دعای جوشن کبیر و غیره در این شب بعمل آورد و در روایات تاکید

شده در غسل و احیاء و جود و جود در عبادت در این شب و شب بیت و سوم و آنکه شب

یکی از این دو شب است و در چند روایت است که از معصوم سؤال کردند که معین فرماید

شب قدر کدام یک از این دو شب است تعیین نکردند بلکه فرمودند : مَا أَبْسَرَ

لَيْلَتَيْنِ فِيمَا نَطْلُبُ يَا أُنْكَمْ فرمودند : مَا عَلَيَّكَ أَنْ تَفْعَلَ خَيْرًا

فِي لَيْلَتَيْنِ و شیخ صدوق فرموده است اگر این دو شب را بجز آنکه علم احیاء برادر

افضل خواهد بود .

باجمله از این شب شروع کند بدو عالمی شبهای دهه آخر که از جمله این دعا
است که شیخ کلینی در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:
میگویی در دهه آخر ماه رمضان در هر شب :

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضَ

پناه میبرم بجلال وجه کریمیت که بگذرد از

عَنِّي شَهْرُ رَمَضَانَ أَوْ يَطَّلَعَ الْفَجْرُ مِنْ لَبَلِي

من ماه رمضان یا برآید سپیده دم از این شب بر من

هَذِهِ وَوَلَكِ فِئَلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَهُ نَعْدِ بْنِ عَلَيْهِ

و من در پیشگاه تو گناه و پیگردی داشته باشم که مرا بر آن عذاب فرمائی .

و کفعمی در حاشیه بلد الامین نقل کرده که حضرت صادق علیه السلام در هر

شب از دهه آخر بعد از فرائض و نوافل میخواند :

اللَّهُمَّ ادِّعْنَا حَقَّ مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ

بارخدا یا ادا کن از بهر ما حق آنچه گذشته از ماه رمضان

وَاعْفِرْ لَنَا نَقْصِرْنَا فِيهِ وَتَسَلَّهُ مِنَّا مَقْبُولًا

و بیامرز تقصیر ما را در آن و بگیر آرزای ما پذیرفته و مقبول

وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِإِسْرَافِنَا عَلٰی أَنْفُسِنَا وَاجْعَلْنَا

و مواخذه مکن ما را باسراف بر نفسمان و ما را از رحمت

مِنَ الْمَرْحُومِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِينَ

شدگان مقدر فرما و ما را از محرومان مگردان

و فرمود هر که این را بگوید تحتالی تقصیری که از او در ایام گذشته از ماه رمضان سرزد

بیامزد و نگه دارد او را از معاصی در بقیه ماه و روایت شده که در شب بیست و یکم حماد بن

عثمان بر حضرت صادق علیه السلام وارد شد حضرت سؤال کرد که غسل کرده ای عرض کرد

بلی فدایت شوم پس حضرت حصیری طلبید و حماد نزدیک خود طلبید و مشغول نماز شد و

پوسته آنحضرت نماز خواند و حماد نیز خیلی نزدیک حضرت نماز میخواند چون از نمازها خویش

فارغ شدند پس آنحضرت دعا کرد و حماد آیین گفت تا صبح طلوع کرد آن جناب اذان و اقامه

گفت و بعضی از علمایان خود را طلبید و پیش ایستاد و نماز صبح خواند در رکعت اول حمد و قدر

و در رکعت دوم حمد و توحید خواند و بعد از نماز مشغول بتسبیح و تحمید و تقدیس و شنای برخدا

وصلوات بر غمیب صلی اللہ علیہ وآلہ و دُعای مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات شد پس سر
به سجده نهاد و مقدار یک ساعت بجز نفس چیزئی از آنجناب شنیده نشد پس زان این دُعارا

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ

جز تو معبودی نیست ای آنکه دلها و چشم‌ها را میگردانی

و بدانکه در این شب در سنه چهلیم هجرت شهادت مولای ما حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام واقع شد و در این شب احزان آل محمد و شیعیان تجدید میشود و شیخ مفید فرمود
که در این شب صلوات بسیار بفرستد و سعی و کوشش کند در نفرین بر ظالمان آل محمد و لعن بر
قاتل امیر المؤمنین علیه السلام .

رُوزِ بَیْتِ وَ یَکُمُ روز قتل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و مناسب است
زیارت آنجناب و کلمات خضر علیه السلام که بمنزله زیارت آنحضرت است در این روز .

شَبِّ بَیْتِ وَ سَوْمِ در هدیه الزائر ذکر شده که از دو شب قدر سابق افضل
است و از احادیث بسیار مستفاد میشود که شب قدر همین است و این شب جَنَنی است
و در این شب جمیع امور بر وفق حکمت مقرر میگردد و از برای این شب غیر از اعمالیکه با دو
سابق شریک است چند عمل دیگر است : ۱ - خواندن سوره عَنکَبُوت و رُوم که حضرت

۵- بخواند: اللَّهُمَّ اَمِّدْ دُلِّي فِي عَمْرِي

ای خدا مرا عمری طولانی ده

وَ اَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَ اصْحَحْ لِي جِسْمِي وَ بَلِّغْنِي اَمَلِي

ورزقم را وسیع گردان و تنم را سالم بدار و آرزوهایم نائل ساز

وَ اِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْفِيَاءِ فَاصْحِحْنِي مِنَ الْاَشْفِيَاءِ

و اگر نام من در دفتر اهل شقاوت است محو گردان

وَ اَكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ فَاِنَّكَ فُلْتُ فِي كِتَابِكَ

و از اهل سعادت رستم زن که تو در کتاب آسمانی که

الْمُنْزَلِ عَلٰی نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلِّوْا نِكَ عَلَيْهِ

پیغمبر مرسل خود که رحمت بر او و آل او باد فرستادی فرمودی

وَ اِلَيْهِ بِمَحْوِ اللّٰهِ مَا بَشَاءُوْا

خدا هر چه را بنخواهد محو و هر چه را بنخواهد اثبات میکند

عِنْدَهُ اَمُّ الْكِتَابِ

اصل کتاب آفرینش نزد او است

دُعای وداع ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرْغَبُ فِي الْجَزَاءِ وَيَا مَنْ

ای خداوند ای که بر عطا عوض نیطلبی و ای که

لَا يَبْتَدِمُ عَلَى الْعَطَاءِ وَيَا مَنْ لَا يُكَافِي

از بخشش پشیمان نمیشوی و ای که با بنده خود

عَبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ مِنْكَ ابْتِدَاءً وَعَفْوًا

بماند او رفتار نمیکنی بی سبب میبخشی و بی استحقاق

تَفَضُّلاً وَعُقُوبَةً عَدْلًا وَفَضْلاً وَخَيْرَةً

غفور میکنی و عقوبت تو عدل است و حکم تو خیر و صلحت است

إِنْ أَعْطَيْتَ لَمْ تَنْسُبْ عَطَاءَكَ بِمَنْ وَإِنْ

اگر ببخشی عطای تو آمیخته با منت نیست و اگر

مَنْعَتْ لَمْ يَكُنْ مَنَعَكَ نَعْدًا بِأَنْتَ كَرَمٌ

منع کنی ستم نکرده ای هر که سپاس تو گزارد

شَكَرَكَ وَأَنْتَ الْهَمْنَةُ شُكْرَكَ وَتُكَافِي مَنْ حَمِدَكَ

جزای وافر میدهی بآنکه تو خود سپاسگزاری را باد الهام کرده‌ای و هر که حمد تو گوید

وَأَنْتَ عَلِمْتَهُ حَمْدَكَ تَسْرَعُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ وَبِجُودٍ عَلَا

پادشاهی را کامل عطا میکنی بآنکه تو خود با حمد آموخته عیب کسی را میپوشی که شاید رسوائی است اگر میخواهی ریش

مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ وَكِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْكَ

میکردی و بر کسی بخشش میفرمائی که سزاوار حرمان است و اگر میخواستی

لِلْفَضِيحَةِ وَالْمَنْعِ غَيْرَ أَنَّكَ بَنَيْتَ أَفْعَالَكَ عَلَى

محروم میساختی و هر دو استحقاق محرومیت و رسوائی دارند اما تو بنی کارهای خویش بر تفضل

النَّفْضِ وَأَجْرِيَتْ فُتِدْرَتِكَ عَلَى النَّجَاوِزِ وَ

نهاده و قدرت خود را در تجاوز و عفو بکار میبری آنرا که

نَلَفَيْتَ مَنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ وَأَمَهَلْتَ مَنْ فَصَدَّ

نافرمانی کند بحلم فرآوری و آنکه بر خویش ستم

لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ تَسْتَنْظِرُهُمْ بِأَنَّكَ إِلَى الْأَنْابَةِ

کند همت دهی شاید فرصت یابند و باز گردند

وَنَتْرُكُ مُعَاجِلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكِبْلَاءِ بِهَلِكِ

در عقوبت شتاب نمیفرمائی تا توبه کنند تا هلاک

عَلَيْكَ هَا لِكُهُمْ وَلَا يَشْفِي بِنِعْمَتِكَ شَفِيَّهُمْ

نشد از جهت تو و بدبخت نگردد مگر آنکه دیرزمانی

إِلَّا عَن طَوْلِ الْأَعْدَاءِ إِلَيْهِ وَبَعْدَ تَرَادُفِ

تو اورا محبت داده و حجت بروی تمام کرده

الْحُجَّةِ عَلَيْهِ كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ

ای حسدای کریم این همه بزرگواری و بخشندگی و مهربانی

عَائِدَةً مِنْ عَطْفِكَ يَا حَلِيمُ أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ

و بنده نوازی هست ای پروردگار حلیم تویی که برای بندگان دری

لِعِبَادِكَ يَا بَابًا إِلَى عَفْوِكَ وَسَمَّيْنَاهُ التَّوْبَةَ وَ

سوی آمرزش گشودی و آنرا توبه نام نهادی و

جَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ لَيْلًا مِنْ وَحْيِكَ

دلیلی از قرآن آوردی که بندگان آن در را

لَيْلًا بِضِلْوٍ أَعْنَهُ فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ تَوْبُوا

تا گمراه نگردند از آن فرخنده باد نام تو گفته سوی

إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ

خدا توبه کنید توبه خالص شاید پروردگارش گنایان

عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَبُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

شما را محو کند و بیباغی در آورد که از زیر درختان

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ

آن بویها روانست روزی که خداوند پیغمبر و مؤمنین

آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ

با او را رسوا کند نورشان در پیشاپیش و از دست راست آنها میتابد

بِقَوْلِ رَبِّنَا آمَنَّا لَنَا نُورٌ وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ

میگویند ای پروردگارا نور ما را کامل کن و ما را بیامرز که تو

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَمَا عُدْرَمَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ

بر هر چیز قادری پس بجهان آنسوی که پس از گشودن این در

ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ إِفَانَةِ الدَّلِيلِ

وگماشتن این راه‌ها بخانه درنیاید چیت ؟

وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ

و تو در این سودا از خود بر سود بندگان

لِعِبَادِكَ زُبَيْدٍ رِيحَهُمْ فِي مُتَاجِرِنِهِمْ لَكَ وَ

افزودی خواستی در این بازرگانی نفع بسیار برند و از

فَوْزَهُمْ بِالْوِفَادَةِ عَلَيْكَ وَالزُّبَادَةِ مِنْكَ

رسیدن خدمت تو رستگار شوند و فرونی یابند

فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَيْتَ مَنْ جَاءَ

پس تو که نامت فرخنده و بلند باد گفتی : هرکس ^{عمده}

بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتِثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّبِيئَةِ

نیکیو بجای آرد ده برابر آن عوض گیرد و هرکس یکت کردار زشت

فَلَا يُجْزِيهِ إِلَّا مِثْلَهَا وَقُلْتَ : مِثْلُ الذَّيْبِ

بجای آرد جز باندازه همان یکی کیفر نبیند و گفتی : مثل آن‌ها که

يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَا كَفَرُوا

مال خود را در راه خدا انفاق میکنند مثل دانه است

أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ

که هفت خوشه از آن روید که در هر خوشه صد دانه

حَبَّةٍ وَاللَّهُ بِضَاعِعٍ لِمَنْ يَشَاءُ وَقُلْتَ

بود و خدای برای هر کس خواهد چند برابر افزون کند و گفتی:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَا

کیت بخدا قرض نیکو دهد و خداوند آن را

لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَمَا أَنْزَلْنَا مِنْ نَظَائِرِهِنَّ

چندین برابر گرداند و مانند این در قرآن بسیار

فِي الْقُرْآنِ مِنْ نُضَاعِفٍ لِحَسَنَاتٍ وَأَنْتَ

فرستادی و نوید تضاعف حسنات دادی و تو

الذَّيْبُ دَلَّ لَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَتَرْغِيبِكَ

بر سخن خود و از باطن علم خویش برای ترغیب آنان

الَّذِينَ فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَىٰ مَا سَتَرْنَا عَنْهُمْ لِمَا

بچیزی که سود آنهاست بر رازی آگاهشان کردی که اگر پنهان کرده بودی

نُدْرِكُهُ أَبْصَارُهُمْ وَلَمْ نَعِمْ أَسْمَاعُهُمْ وَلَمْ

بچشم نمیدیدند و بگوش نمی شنیدند و اندیشه

نَلْحَقْنَاهُ أَوْهَا مُمْ فَقُلْتَ اذْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ

آنها آن نمیرسید گفتی مرا یاد کنید تا شمارا یاد کنم

وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ وَقُلْتَ : لَأَنْ

و مرا شکر گوئید و ناسپاسی کنید و گفتی : اگر مرا

شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي

پاس گزارید نعمت شمارا افزون کنم و اگر ناسپاسی کنید عذاب من

لَشَدِيدٌ وَقُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ

سخت است و گفتی : مرا بخوانید تا شمارا اجابت کنم و اگر

الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ

سركش باشید و بندگی من نکنند زود باشد که ذلیلانه بدوزخ

جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ فَسَمِّتَ دُعَاءَكَ عِبَادَةً وَتَرْكُ

در آئید پس دعای خود را بندگی خواندی و ترک آنرا

اسْتِجَابًا وَتَوَعَّدْتَ عَلَى تَرْكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ

سکشی نام نهادی که اگر ترک دعا کنند بخواری در جهنم

دَاخِرِينَ فَذَكَرُواكَ بِمَنِّكَ وَشَكَرُواكَ بِفَضْلِكَ

روند پس بندگان تو نعمت تو را یاد کردند و فضل ترا سپاس گفتند

وَدَعَاكَ بِأَمْرِكَ وَنَصَدَّقُوا لَكَ طَلِبًا لِمَزِيدِكَ

و مطابق فرمان تو ترا خواندند و در راه تو صدقه دادند تا نعمت آنها را افزایش دهی

و فِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكَ وَفَوْزُهُمْ

و بدین سبب از خشم تو رهایی یافتند و به خوشنودی تو

بِرِضَاكَ وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ

رستگار شدند و اگر یکی از آفریدگان تو دیگری را همنامی کرده بود

عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّكَ عَلَيْهِ عِبَادَتِكَ مِنْكَ

بماند آنچه تو آنان را ره نمودی سزاوار تائیس بسیار

كَانَ مَوْصُوفًا بِالْأَحْسَانِ وَمَنْعُونًا بِالْأَمْتِنَا

بود و او را پنیکی یاد میکردند و منت داشتند

وَحَمُّودًا بِكُلِّ لِسَانٍ فَلَكَ أَكْثَمُ مَا وَجَدَ

و همه زبان شناس می گفتند پس سپاس تو را بجز هر طریقی که

فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ وَمَا بِنِي لِلْحَمْدِ لَفْظٌ نَحْمَدُ

توان سپاس تو گفت و به هر لفظی که شکر تو توان گذارد

بِهِ وَمَعْنَى بِنَصْرِفُ إِلَيْهِ بِأَمْنٍ تَحَمُّدًا إِلَى

و بهر معنی که اندیشه بدان راه یابد ای که با احسان و فضل

عِبَادِهِ بِالْأَحْسَانِ وَالْفَضْلِ وَغَمَّرَهُمُ بِالْمِنِّ

سزاوار ستایش بندگان گشته و آمان را بنعمت و بخشش

وَالطَّوْلِ مَا أَفْشَى فِينَا نِعْمَتَكَ وَأَسْبَغَ عَلَيْنَا

فراگرفتی چه بسیار نعمتهای تو بر ظاهر حال ما پیدا است و عطا می تو

مِنْكَ وَأَخَصَّنَا بِبِرِّكَ هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي

بر ما وافر و با احسان خاص تو سرفرازیم ما را بدین برگزیده خود هدایت

اصْطَفَيْتَ وَمِلَّتِكَ الَّتِي ارْتَضَيْتَ وَسَبِيلِكَ

فرمودی و بشریعت پسندیده ات راه نمودی و در راه هموار

الَّذِي سَهَّلْتَ وَبَصَّرْنَا الرُّفَّةَ لَدَيْكَ وَ

ساکت گردانیدی و ما را بیسنا کردی تا بتو تقرب جویم

الْوُصُولَ إِلَى كَرَامَتِكَ اللَّهُمَّ وَأَنْتَ جَعَلْتَ

و بکرامت تو رسم خدایا تو ماه رمضان

مِنْ صَفَائِكَ الْوِظَائِفِ وَخَصَائِصِ نِكَ

را از بزرگترین تکالیف و عظیمترین واجبات

الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ

قرار دادی و از ماههای دیگر

سَائِرِ الشُّهُورِ وَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمَنِ فِي

بهرتس مخصوص داشتی و از سایر اوقات

وَالدُّهُورِ وَآثَرْتَهُ عَلَى كُلِّ أَوْفَاتِ لِسَنَةِ

برگزیدی و بر همه ازمنه برتری دادی

بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالنُّورِ وَضَاعَفْتَ

چون قرآن و نور هدایت را در این ماه فرستادی ثواب ایمان

فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ وَفَرَضْتَ فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ

را در آن چند برابر کردی و روزه را فریضه گردانیده

وَرَعَّبْتَ فِيهِ مِنَ الْفِيَامِ وَأَجَلْتَ فِيهِ مِنْ

و شب زنده داری را مرغوب شمردی و شب قدر را

لِبَلَاءِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ثُمَّ

بزرگ دشتی که بهتر از هزار ماه است و ما را

أَثَرْنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ وَأَصْطَفَيْتَنَا

بر اسم دیگر برگزیده و رمضان را مخصوص ما گردانیدی

بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَلِ فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ

و فضل این ماه را با غایت فرمودی نه با صاحب شرایع دیگر پس بفرمان تو روز

نَهَارَهُ وَقُمْنَا بِعَوْنِكَ لِبَلَاءِ مُنَعَّرِضِينَ

آنرا روزه گرفتیم و بیاری تو شب بپا خواستیم بدین روزه و شب زنده داری ما را

بِصَبَامِهِ وَفِيَامِهِ مَا عَرَّضْنَا لَهُ مِنْ

در معرض بخشایش خویش آوردی و

رَحْمَتِكَ وَتَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ وَأَنْتَ

ما بریمان ثواب تو چنگ فرا بردیم هرکس روی سوی

الْمَلِكِ بِمَا رُغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ أَجْوَادُ بِمَا سَأَلْتَ

تو آرد امیدش را برمیآوردی و آنکه از فضل تو چیزی خواهد بیدریغ میبخشی

مِنْ فَضْلِكَ الْفَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ فُرْبَكَ وَ

و هرکس بتو تقرب جوید تو هم بدو نزدیک میشوی و

فَدَا فَا مَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مَقَامَ حَمْدٍ وَصَحْبِنَا

اینماه در میان ما چندمی بماند و خوب همنشین

صُحْبَةَ مَبْرُورٍ وَأَرْوَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِ

بود و بهسرین سودهای جهان را برای ما آورد

ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ وَانْفِطَاعِ

و چون وقت او بر آمد و مدتش باخجام رسید

مُدَّيْنِهِ وَوَفَاءِ عَدَدِهِ فَتَحْنُ مَوَدِّعُوهُ وَدَاعِ

و شاره روزمیش پامان یافت آهنگ جدائی کرد پس اورا برود گوئیم

مَنْ عَزَّ فِرَافُهُ عَلَيْنَا وَغَمَّنَا وَأَوْحَشَنَا انْصِرَافُهُ

آما جدائی او بر ما سخت گماوار و بازگشتن او مارا اندوگین ساخت و بوخت

عَنَا وَلَزِمْنَا لَهُ الدِّمَامُ الْمَحْفُوظُ وَالْمَحْرَمَةُ

افند حق صحبت او بر عهده ما بماند و رعایت حرش

الْمَرْعِيَّةُ وَالْحَقُّ الْمَفْضِيُّ فَتَحْنُ فَائِلُونَ

واجب آمد و ادای حقش لازم پس گونیم :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ وَيَا عَبْدَ

سلام بر تو باد ای ماه بزرگ خدای و جشن

أَوْلِيَاءِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ

دوستان او سلام بر تو ای که در زمانه بهترین

مِنَ الْأَوْقَاتِ وَيَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَبْطَامِ وَ

همنشین بودی و روز و ساعتی تو بهتر از هر ماه

السَّاعَاتِ السَّلَامِ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ قُرْبَتِ

دیگر بود سلام بر تو ماهی بودی که آرزوی

فِيهِ الْأَمْالُ وَنُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ السَّلَامُ

نزدیک شد و اعمال خیر روایی یافت سلام

عَلَيْكَ مِنْ فَرِّ بْنِ جَلٍّ فَدْرُهُ مَوْجُودًا وَأَفْجَعُ

بر تو چه ارجمند همدی بودی تا بودی و چه غم‌انگیز است

فَفَدْرُهُ مَفْفُودًا وَمَرْجُو الْمَفْرِافَةِ السَّلَامُ

فراق تو چون از ما جدا شوی چه مایه امید می تو که فرقت اینهمه دردناک است سلام

عَلَيْكَ مِنْ أَلْبِنِ النَّسِّ مُقْبِلًا فَسَرَّ وَأَوْحَشَ

بر تو که یار مونس ما بودی آنگاه که آمدی ما را شاد کردی و اکنون که میروی

مُنْفِضًا فَمَضَّ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ جُجَاوِرِ رَقَّتْ

رفتن تو سبگین و دلخراش است سلام بر تو که در مجاورت تو دلها

فِيهِ الْقُلُوبُ وَفَلَّتْ فِيهِ الذُّنُوبُ السَّلَامُ

نرم شد و گناهان کاهش یافت سلام

عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ آعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ وَ

برتو ای یاورى که ما را بر شیطان چیره کردى و

صَاحِبِ سَهْلٍ سُبُلِ الْإِحْسَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

رهنمى که راههاى خیرا هموار ساخته سلام برتو

مَا أَكْثَرَ عُنُقَاءَ اللَّهِ فِيكَ وَمَا أَسْعَدَ مَنْ دَعَى

چه بسیارند آزادشدگان خداوند در تو و چه نیکبخت است بسبب تو آنکه رعایت

حُرْمَتِكَ بِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْمَاكَ

حرمت تو کرد سلام برتو چه بسیار زنگ گناهان را

لِلذُّنُوبِ وَأَسْرَكَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ السَّلَامُ

از صفه جانها زدودى و عیبهاى گوناگون را فرو پوشیدى سلام

عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُجْرِمِينَ وَ

برتو گناهکاران را ماندن تو دراز کشید و در سینه

أَهْبَكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

مؤمنان شکوه تو بسیار ماند سلام برتو

مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ إِلَّا بِأَمْرِ السَّلَامِ عَلَيْكَ

چه ماهی تو که روزگار با تو دعوی برابری نکند سلام بر تو

مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٌ عَلَيْكَ

ماهی بودی که از هر جهت بنی‌گزند و آزار سلام بر تو

غَيْرَ كَرِيهٍ الْمُصَاحَبَةِ وَلَا ذَمِيمٍ الْمُلَابَسَةِ

صحبت تو را ناخوش نداشتیم و از هم‌نشینی با تو ناراضی نبودیم

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ

سلام بر تو که با برکات بسیار آمدی

وَوَسَلْتَ عِنْدَ نَسِ الْخَطِيئَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

و چرک گناهان را از ما شستی سلام بر تو

غَيْرَ مُؤَدِّعٍ بَرَمًا وَلَا مَزْرُوكٍ صِبَامُهُ سَامًا

ترا بدود کنیم با آنکه از تو طول نیستیم روزه تو را ترک گوئیم اما از آن تنگدل نباشیم

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ وَ

سلام بر تو که پیش از آمدن آرزوی ترا داشتیم و

مَحْرُوفٍ عَلَيْهِ فَبَلَّ فَوْنِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ كَرَمٌ

پیش از رفتن از مفارقت تو اندوگین سلام بر تو چه

مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنَّا وَكَرَمٌ مِنْ خَيْرٍ أَفْضَ

بدیها که بیهن تو از ما گذشت و چه نیکبها که ببرکت تو

بِكَ عَلَيْنَا السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ

بر ما ریزان شد سلام بر تو و بر شب قدر

الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا

که از هزار ماه بهتر است سلام بر تو که

كَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ وَأَشَدَّ شَوْفَنَا

دیروز تو مشتاق بودیم و فردا آرزوی تو را

عَدَا إِلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى فَضْلِكَ

میکشیم سلام بر تو و بر آن نعمت ما

الَّذِي حُرْمَتُهُ وَعَلَى مَاضٍ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلْبَانُهُ

که از آن محروم گشتیم و بر برکتهای گذشته که از ما گرفته شد

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْنَا

خداوند ما اهل این ماهیم ما بدین شرف لایق

بِهِ وَوَقَّفْنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهَلِ الْأَشْفِيَاءِ

دستی و توفیق ادراک آن دادی در زمانیکه بدبختان قدر آنرا

وَقَنَهُ وَحُرْمُوا الشَّقَائِمُ فَضْلَهُ أَنْتَ وَلِيُّ مَا

نشاخستند و به بدبختی ازفضیلت آن محروم گشتند تویی که معرفت

اَثْرُنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ وَهَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

آنرا مخصوص ما گردانیدی و به سنن آن ما هدایت فرمودی

وَإِذْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَفِيَامَهُ عَلَى

بتوفیق تو روزه گرفتیم و شبها بعبادت برخواستیم با آنکه

نَقْصِيرٍ وَأَدْبُنَا فِيهِ فَلَيْلًا مِنْ كَثِيرٍ اللَّهُمَّ

کوتاهی کردیم و اندکی از بسیار حق آنرا ادا کردیم خدا یا

فَلَكَ الْحَمْدُ اقْرَأْ بِالْأَسَاءَةِ وَإِعْزَا فَا

ترا حمد گوئیم و به بدکرداری خود اقرار کنیم و به تباہکاری

بِالْإِضَاعَةِ وَاللَّكِّ مِنْ فُلُوبِنَا عَقْدُ التَّدْمِرِ وَ

اعتراف داریم در دل باتو پیمان توبه بنسیم و

مِنَ السِّنِّ نَا صِدْقُ الْأَعْيَادِ فَاجْرُنَا عَلَى مَا

در زبان ندای عذر خواهی ، پس با آن همه

أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِكُ بِهِ

تقصیر و کوتاهی اجر ما کامل عطا کن تا فضائی که

الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ وَنَعْنَأُضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ

دوست داشتیم و از دست ما بدر رفت تدارک کنیم و عوض آن ذخائر گوناگون

الذُّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ وَأَوْجِبُ لَنَا عُدْرَكَ عَلَى

که آرزومند بودیم و بدان نرسیدیم باز یابیم و آنچه از حق تو تقصیر کرده ایم

مَا فَضَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَفِيكَ وَابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ

عذر ما بپذیر و عمر ما بماه رمضان

أَبْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ فَإِذَا بَلَغْنَا

آینده برسان و چون رسانیدی ما را

فَاعِنَّا عَلَىٰ تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ

یاری کن تا عبادتی که سروارا تو است بجای آیم

وَأَدِنَّا إِلَى الْفِيْءِ بِمَا بَسَّخِمُهُ مِنَ الطَّاعَةِ وَ

و بطاعتیکه در خود بزرگی تو است شبها بر خیزیم و

أَجْرِنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ

از اعمال نیکو آن اندازه بردست ما جاری کن که یکما به

فِي الشَّهْرِ بَيْنَ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ اللَّهُمَّ مَا أَلَمْنَا

وظیفه دو ماه را ادا کنیم خداوند اگر در اینماه

بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ أَوْ أَفْعَانِ فِيهِ

اتفاقا نافرمانی کرده گناهی مرتکب شده

مِنْ ذَنْبٍ وَكَتَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَىٰ

یا خطائی نمودیم به عمد یا بفراموشی

نَعْمُدُ مِنْهَا أَوْ عَلَىٰ نِسْبَانِ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا

و بر خویش ظلم و ستم کردیم

اَوْ تَهَكَّا بِهِ حُرْمَةً مِنْ غَيْرِنَا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

یا حرمت دیگری را نگاه نداشتیم پس درود بر محمد و

إِلَيْهِ وَاسْتُرْنَا بِسِرِّكَ وَاعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ وَلَا

آل او فرست و ما را به پرده عفو پوش و برحمت خود از ما درگذر و ما را

تَنْصِبْنَا فِيهِ لِأَعْيُنِ الشَّامِثِينَ وَلَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا

در پیش چشم آنها که از بدبختی ما شاد میگردند رسوا ساز و زبان طعنه

فِيهِ أَلْسِنَ الطَّاعِنِينَ وَاسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ

زبانها بر ما دراز کن و ما را بجاری وادار که گناه ما

حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي

بریزد و هر چه را از ما نمی پسندی فرو پوشد بحق مصه

لَا تُنْفِدُ وَفَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْفُصُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

بی پایانت و فضل کاهش ناپذیرت خدایا درود بر

مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَاجِبُ مُصِيبَتِنَا بِشَهْرِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي

محمد و آل او بفرست و مصیبت ما را در فراق اینماه تدارک کن و وعید

يَوْمَ عِيدِنَا وَفِطْرِنَا وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ

فطرا بر ما فرخنده ساز و آنرا بهترین روز گردان که بر ما

عَلَيْنَا أَجْلِبِهِ لِعَفْوِ وَأَحْأَاهُ لِدَنْبٍ وَاغْفِرْ لَنَا مَا

گذرد بیشتر از هر وقت عفو ترا سوی ما کشد و گناه ما برود گن مان

خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِإِنْسِلَاخِ

پنهان و آشکار ما بیامرز حنه ایا چون این ماه بسنجرد

هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا وَ أَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ

گن مان ما نیز از ماسخ کن و برقت این ماه بدیهای ما

سَبَائِنَا وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ وَ اجْزِلْهُمْ فِيمَا

نیز بر و ما نیکیست ترین و بانصیب ترین و

فِيهِ وَ أَوْفِرْهُمْ حَظًّا مِنْهُ اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا

بهره مندترین مردم گردان حنایا هر کس حق این ماه را

الشَّهْرَ حَقًّا رِعَايَتِهِ وَ حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقًّا حِفْظُهَا وَ

ماه را چنانکه باید رعایت کرد و حرمت آنرا چنانکه شاید نگاهداشت

قَامَ بِحُدُودِهِ حَقٌّ فِيهَا مَهَا وَاتَّفَىٰ ذُنُوبَهُ حَقٌّ

بوظائف آن نیک بایستاد و از گناهان برآستی

نُفَانِهَا أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْ جَبَتْ

پریز کرد و سوی تو بطاعتی تقرب جست که موجب

رِضَاكَ لَهُ وَعَظَمَتْ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ فَهَبْ

خوشنودی تو گشت و بخشایش تو را سوی خود کشید پس ما را

لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ وَأَعْطِنَا أضعافَهُ مِنْ

بقدرت خود مانند آن ده و بفضل خود چندین برابر

فَضْلِكَ فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَغِيضُ وَإِنَّ خَزَائِنَكَ

عطا کن که سرچشمه فضل تو هرگز خشک نشود و گنج کرم تو

لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِيضُ وَإِنَّ مَعَادِينَ إِحْسَانِكَ

کاوش نیابد بلکه پیوسته ریزان باشد و کان احسان تو پایان

لَا تَفْنَىٰ وَإِنَّ عَطَائِكَ لِلْعَطَاءِ الْمُهْتَبِ اللَّهُمَّ

نرسد و عطای تو عطای گوارنده باشد خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجُورِ

درد بر محمد و آل او بفرست و هر کس تا روز قیامت

مَنْ صَامَهُ أَوْ تَعَبَّدَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

ایناه را روزه دارد و تورا عبادت کند برای ما باندازه ثواب او بویس

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِي

خدایا در این روز فطر که آن را برای مؤمنان

جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَسُرُورًا وَإِلَى أَهْلِ مِلَّتِكَ

روز جشن و شادی و برای دینداران هنگام اجتماع

بِجَمَاعٍ وَمُحْشَدًا مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَدْبَنَاهُ أَوْ سَوَّ

و انس گردانیدی از هر گناهی که مرتکب شدیم و هر بدی که

أَسْلَفْنَاهُ أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ تَوْبَةً مَنْ لَا

پشیر از ما صادر گشت و هر اندیشه زشت که در ضمیر ما گذشت سوی تو تو بکنیم توبه که

يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعٍ إِلَى ذَنْبٍ لَا يَعُودُ بَعْدَهَا

به گناه باز نخواهیم گشت و بخطائی عودت نخواهیم کرد

فِي خَطِيئَةٍ تَوْبَةً نَّصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّكِّ

توبه پاک و خالص از شکست

وَالْأَرْضِينَابِ فَتَقَبَّلَهَا مِنَّا وَأَرْضَ عَنَّا وَثَبَّتْنَا

و شبهر و آن را از ما بپذیر و راضی باش و ما را بر آن

عَلَيْهَا اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ لَوْ عَبِدَ

استوار بدار خدا یا بیم عقاب در دل ما افکن و

شَوْقِ ثَوَابِ لِمَوْعُودٍ حَتَّىٰ نَجِدَ لَذَّةَ مَا نَدْعُوكَ

شوق ثواب موعود نصیب ماکن تا لذت این دعا را دریابیم

بِهِ وَكَأَبَةِ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ وَاجْعَلْنَا

و از عذاب تو استجیریک هر آنساک باشیم و قرار ده ما را

عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ أَوْجِبَتْ لَهُمْ

از زمره تائبان آنان که محبت خویش را در باره آنان

مَحَبَّتِكَ وَفِيكَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةٌ طَاعَتِكَ بِأَمْرٍ

لازم شردی و بازگشت به طاعت را از آنان پذیرفتی ای

أَعَدَّ الْعَادِلِينَ اللَّهُمَّ نَجِّنا وَزَعْنُ آبائنا وَ

دادگر دادگران خدا یا از گناه پدران و

أَهْمَانِنَا وَأَهْلِ دِينِنَا جَمِيعًا مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَمَنْ

مادران و اهل دین ما بگذر هر کس در گذشته و هر که

غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَبَنِيهِ

خواهد آمد تا روز قیامت خدا یا بر محمد پیغمبر و بر

وَأَلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَصَلِّ

خاندان او درود فرست چنانکه بر فرشتگان مقرب خود فرستادی و براو

عَلَيْهِ وَأَلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَاءِكَ الْمُرْسَلِينَ

و آل او درود فرست چنانکه بر پیغمبران مرسل فرستادی

وَصَلِّ عَلَيْهِ وَأَلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ

و براو و آل او درود فرست چنانکه بر بندگان شایسته

الصَّالِحِينَ وَأَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ بِأَرْبَابِ الْعَالَمِينَ

خود فرستادی و بهتر از آنها ای پروردگار جهانیان

صَلْوَةٌ نَبَلُّغُنَا بِرَكَّتِهَا وَبِنَا لُنَا نَفْعُهَا وَبُسْتَجَابُ

درودی که برکت آن با رسد و سود آن عاید ما شود و دعای ما

لَهَا دُعَاؤُنَا إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

استجاب گردد ای بزرگوارترین کس که همه رومی تو آرند

وَكَفَى مَنْ نُؤَكِّلُ عَلَيْهِ وَأَعْطَى مَنْ

و کار گزارنده کس که همه تو تکل بر تو کنند و بخشنده تر کس که

سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ وَأَنْتَ عَلَى

هر چیز از فضل تو خواهی و تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هر چیز توانائی

نماز عید فطر

نماز عید فطر دو رکعت است در رکعت اول حمد و سوره اعلیٰ بخواند و بعد از قرائت

حمد و سوره پنج تکبیر بگوید بعد از هر تکبیر این قنوت را بخواند :

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَّةِ وَاهْلَ الْجُودِ

ای خدا ای که عظمت و کبریائی شایسته و مخصوص تست وجود و بخشش و جلال

وَالجَبْرُوتِ وَاهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاهْلَ

و جبروت بتواختصاص دارد و لایق عفو و رحمت و سزاوار ترس از

الثَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ

عصیان و آفرش گناهان توئی از تو درخواست میکنم بحق این روز

الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى

که برای مسلمین عید قرار دادی و برای محمد

اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْإِلَهِ ذُخْرًا وَشَرَفًا وَهَزِيدًا أَنْ نُصَلِّيَ

صلی الله علیه و آله ذخیره و شرف و زیادت مقام گردانیدی که درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ

بر محمد و آتش فرستی و مرا هم در مهر سعادت

خَيْرٍ آدْخَلَكَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

که محمد و آل محمد را داخل گردانیدی داخل سازی و از

تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ

هر بدی که محمد و آل محمد را خارج ساختی مرا نیز خارج

أَلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

گردانی که درود بر محمد و آل او باد همه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ

ای خدا من از تو درخواست میکنم بهترین چیزی که بندگان شایسته ات از تو

الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ فِيهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ

درخواست کرده اند و پناه میبرم تو از آنچه بندگان صالحت

عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ

تو پناه بردند

پس تکبیر ششم بگوید و رکوع رود و بعد از رکوع و سجود بر خیزد بر رکعت دوم
 و بعد از حمد سوره و اشمس بخواند سپس چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر
 آن قنوت را بخواند و چون فارغ شد تکبیر پنجم بگوید و رکوع برود و نماز را تمام
 کند و بعد از سلام تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگوید و بعد از نماز عید
 دعای بسیار وارد شده و شاید بهترین آنها دعای چهل و ششم صحیفه
 کامله باشد .

تاریخ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۹۰ هـ

پایان یافت .

نخط: محمد اشرفی « تبریزی »

زیارت وارث

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ بَيْتِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث عیسی روح «مخلوق» خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث محمد «ص» حبیب خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر تو ای وارث سرور مؤمنان

عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ

علیه السلام سلام بر تو ای فرزند محمد

الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى

مصطفی سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای فرزند خدیجه کبری سلام بر تو ای صاحب

بِأَثَارِ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَيْثَ الْمُؤْتِرَ الْمُؤْتِرَ أَشْهَدُ

خونی که خونجایش خداست و فرزند صاحب بخین خونی و ای یگانه قتیله که انتقامش گرفته نشده

أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَنْبَتَ الزَّكَاةَ وَ

گواهی میدهم که حقا بپاداشتی نماز را و ادا نمودی زکوة را و

أَعْرَبَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ

ام معروف کردی و نهی از منکر نمودی

وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّىٰ آتَيْتَكَ الْبَيِّنَاتُ

و اطاعت کردی خدا و رسولش را تا که مرا رسید

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

پس لعنت کند خدا گروهی را که ترا کشتند و لعنت کند گروهی را که

ظَلَمْتَنِي وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِدَلِيلِكَ

بر تو ستم کردند و لعنت کند گروهی را که شنیدند کشته شدنت را

فَرَضَيْتَ بِهِ بِأَمْوَالِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ

و آن را خوشنود شدند ای مولای من ای ابا عبد الله گواهی میدهم

أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّاهِدِ وَ

که تو نور بودی در پشتهای بلند مرتبه و

الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ

رحسهای پاک که آلوده نساخت ترا دوران جاهلیت

بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مَدْلِهِمَا ثِيَابَهَا

با پلیدیهایش و نپوشانید ترا از جامه های تیرگیهای خود

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ

و گواهی میدهم که تو از ستونهای دین و از کرانه های قوتی

المُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبَرُّ السَّافِي

مؤمنانی و گواهی میدهم که تو پیشوای نیکو کردار پارسای

الرَّضِيِّ الرَّحْمَانِ الْمَهْدِيِّ وَأَشْهَدُ أَنَّ

پسندیده پاک رهنمای راه یافته ای و گواهی میدهم که

الْأُمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةَ النُّقُوتِ وَأَعْلَامُ

پیشوایان از فرزندان تو مجموعه پرهیزکاری و نشانه های

الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ

راهنمایی و وسیله های محکم و حجت بر اهل دنیا

الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ

هستند و شاهد میگیم خدا و فرشتگانش و پیغمبرانش

وَرُسُلَهُ آتَيْنَا بِكُمْ مُؤْمِنًا وَبِأَبَائِكُمْ مُؤْمِنًا

و فرستادگان را که من پیشا گرویده ام و به بازگشت شما یقین دارم

بِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَانِيْمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ

براهمهای دینم و سرانجام کردارم و دلم بدلهای شما

سَلَامٌ وَاعْرَبْ لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ

تسلیم است و کارهایم بفرمان شما مطیع است رحمت های خدا

عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَىٰ أَجْسَادِكُمْ

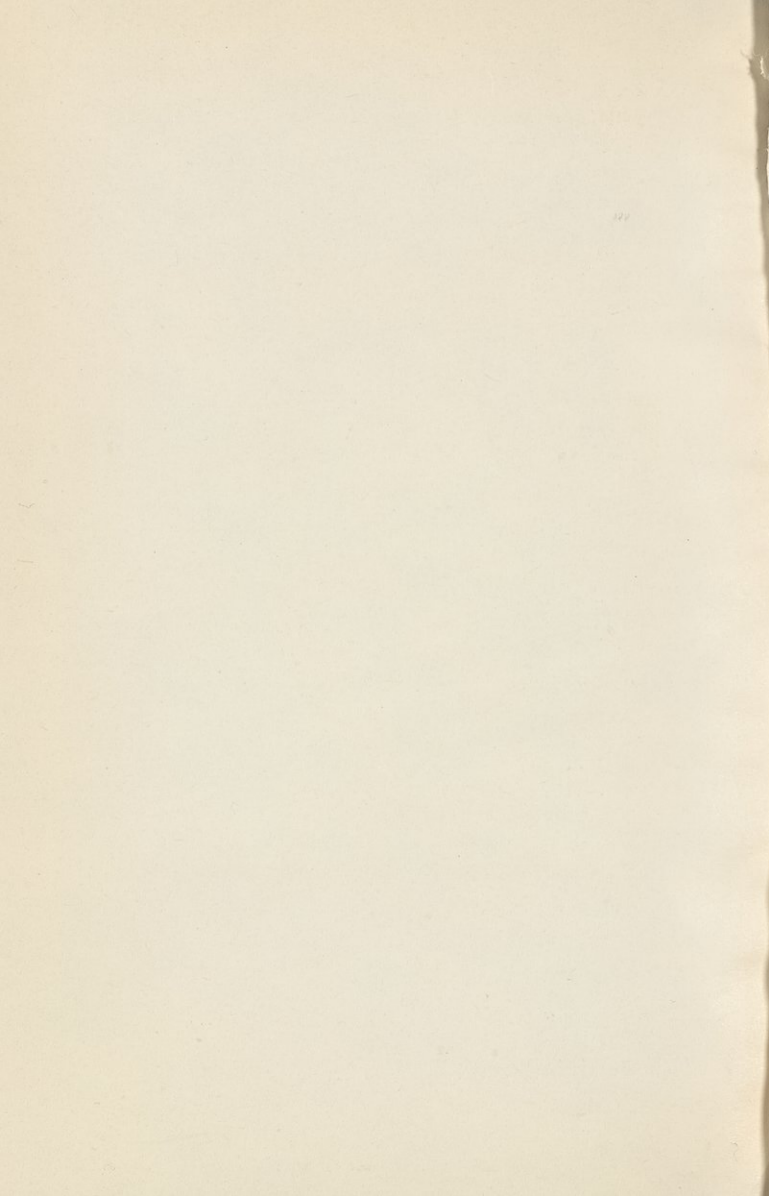
بر شما باد و بر روانهای شما و بر تنهای شما

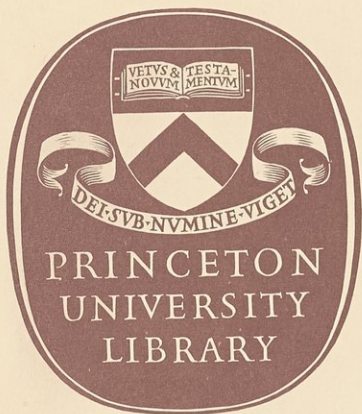
وَعَلَىٰ أَجْسَامِكُمْ وَعَلَىٰ شَاهِدِكُمْ وَعَلَىٰ

و بر پیکرهای شما و بر حاضر شما و بر

غَائِبِكُمْ وَعَلَىٰ ظَاهِرِكُمْ وَعَلَىٰ بَاطِنِكُمْ

غایب شما و بر ظاهر شما و بر باطن شما .





PRINCETON
UNIVERSITY
LIBRARY

Princeton University Library



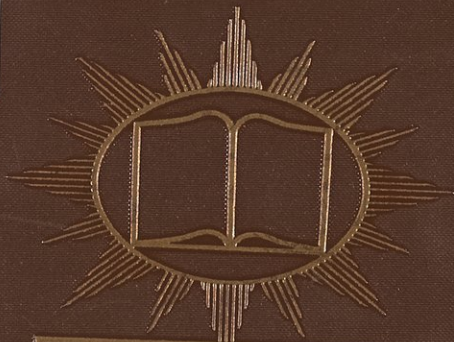
32101 073552323

BP186

.4

.F393

1970z



کانون انتشارات محمدی

تهران خیابان شاه آباد

۷۰ ریال